

سرشناسه: علی عسگری، محمد ۱۳۵۳ و نجفی، محمدعلی ۱۳۶۰
عنوان و نام پدیدآور: منبع‌شناسی واقعه مباحله / محمد علی عسگری و محمدعلی نجفی
مشخصات نشر: قم: میراث ماندگار، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری: ۲۴۰ص
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۹۲۹-۸
موضوع: تشیع - مباحله - منبع‌شناسی.
رده بندی کنگره: ک ۴۱ع ۹۵ / ۱۴۰۱
رده بندی دیویی: ۱۵۶/۳۶
شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۹۲۵۶۷

نام کتاب: منبع‌شناسی واقعه مباحله

نویسنده: محمد علی عسگری و محمدعلی نجفی

صفحه آرا: سیدعلی حسینی

ناشر: میراث ماندگار

نوبت و تاریخ چاپ: اول - ۱۴۰۱

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۹۲۹-۸

مرکز پخش: قم، مجتمع ناشران، طبقه سوم، پلاک ۳۱۸

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۳۶۵

يا اباصفي المهدى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ
الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى
آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي
كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا
وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا
حَتَّى تُسَيِّدَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا
وَتَمْتَعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

خدایا! ما را از باوران و یاری دهنندگان و پیروان

و شیعیان واقعی امام عصر (عج) قرار بده

قرآن کریم، آیه ۱۰۱، سوره بقره



تقديم به:

سيدالدين حمصى رازى



فهرست

فهرست	۵
مقدمه	۱۶
فصل اول: چند نکته	۱۸
انسان دین مدار	۱۹
اسلام و تشیع دوازده امامی	۱۹
مناقب اهل بیت (ع)	۲۱
جایگاه بلند واقعه مباحله	۲۲
مباحله راهی به سوی کشف حقیقت	۲۷
کتاب کنونی	۲۸
فصل دوم: کتاب ها	۳۰
درآمد	۳۱
اسرار مباحله	۳۱
از مباحله تا عاشورا	۳۴
مباحله سند حقانیت شیعه	۳۵
نصاری نجران بین المجادله والمباحله	۳۶
المباحله فی الإسلام	۳۶
مؤامرات نصاری نجران والمباحله	۳۶
خلاصه تاریخ نجران	۳۷
نجران.. جدلیه المكان والشخص	۳۷

- ٣٧..... الرؤیة الأیدیولوجیة والبناء الفنئ فی روایات خلوصی عویضه
- ٣٧..... المباحله
- ٣٨..... البیان فی تاریخ جازان وعسیر ونجران
- ٣٨..... نجران... تاریخ و إنسان
- ٣٨..... آیه المباحله
- ٤٤..... موعظه مباحله
- ٤٥..... عید مباحله
- ٤٥..... آیه مباحله
- ٤٦..... آفتاب درخشنده
- ٤٦..... اهل البیت و آیه مباحله
- ٤٨..... رسول الله(ص)؛ مباحله و حکم
- ٤٨..... تفسیر آیت مباحله
- ٤٩..... کتاب المباحله
- ٥٠..... کتاب المباحله
- ٥٠..... برهان المجادله فی تفسیر آیه المباحله
- ٥٠..... المباحله
- ٥٢..... رساله فی حدیث المباحله و آیتها
- ٥٢..... المباحله فی المدینه و فاطمه
- ٥٢..... رساله فی المباحله مع المخالفین للحق
- ٥٣..... سلسله الانوار الخمسه
- ٥٣..... مباحله نامه
- ٥٣..... مباحله در مدینه

- ۵۴.....mubahala-de-medine-et-lhyperdulie-de-fatima
- ۵۷..... اگر دستها به آسمان بلند می‌شد.....
- ۵۷..... المباهله بروایه صاحب الاقبال.....
- ۵۸..... بررسی تطبیقی مباحله پیامبر(ص) با مسیحیان نجران.....
- ۵۸..... داستان مباحله.....
- ۵۹..... دو چشم آسمانی.....
- ۵۹..... راهی که می‌ماند.....
- ۵۹..... روی دست آسمان: غدیر، مباحله، مناقب امیرالمومنین علیه‌السلام.....
- ۵۹..... شخصیات قلقة فی الاسلام.....
- ۶۰..... گزارش لحظه به لحظه از ماجرای مباحله.....
- ۶۰..... آن روز، روز مباحله.....
- ۶۰..... از نجران تا مدینه؛ ۹۰ داستان از مباحله پیامبر با مسیحیان نجران.....
- ۶۰..... المباحله فی الكتاب والسنة؛ او معجزه الحوار.....
- ۶۰..... اهل بیت از دیدگاه فریقین با نگرشی به آیات مباحله و تطهیر.....
- ۶۱..... این شتر با حوصله/باهاش می‌ریم مباحله.....
- ۶۱..... بررسی تطبیقی آیه مباحله از منظر فریقین.....
- ۶۱..... سه آیه در شأن مولا علی علیه‌السلام: مباحله، ولایت، تطهیر.....
- ۶۱..... مباحله: سند حقانیت شیعه.....
- ۶۱..... چه باید کرد؟ در ولایت، مباحله، بعثت و معصوم‌شناسی.....
- ۶۲..... امامت و عصمت امامان در قرآن: آیه مباحله.....
- ۶۲..... امامت و عصمت امامان (ع) در قرآن.....

- قرآن و امامت اهل بیت(ع): تبیین و تحلیل دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت ۶۲
- صفیر ولایت: شرح زیارت جامعه‌ی کبیره: برکات صلوات و مباحله ۶۳
- خورشید عالم‌تاب: مباحله ۶۳
- آیه المباحله ۶۴
- عزیزان پیامبر خدا (ص) ۶۴
- ... و سرانجام صلیب می‌شکند ۶۴
- شما آمین بگوئید ۶۵
- خورشید مدار ۶۶ درجه ۶۵
- الامامة و الولاية فی القرآن الکریم ۶۵
- ولایة أهل البيت علیهم السلام فی القرآن والسنة ۶۶
- فرهنگ‌نامه مباحله(روشی در رویارویی با دگراندیشان) ۶۶
- ولایت و امامت در قرآن ۶۶
- فضائل و اعمال روز مباحله ۶۷
- دعوت مردی که راست می‌گفت ۶۷
- شکوه مباحله ۶۷
- ماه ولایت: آشنایی با ایام غدیریه در پانزده روز شاد آسمانی ۶۷
- مباحله: آثار و شرایط تحقق آن ۶۸
- مباحله ۶۸
- مباحله صادقین ۶۸
- نگاهی به تفسیر آیه مباحله ۶۹
- پانزده روز با غدیر: روزشمار وقایع قربان تا غدیر و غدیر تا مباحله ۶۹

۷۰	نفس نفیس در مباحله
۷۰	چند گفتار: عترت، مباحله، غدیرخم...
۷۰	آثار منتخب جشنواره ادبی مباحله
۷۲	فصل سوم: پایان نامه ها
۷۳	درآمد
۷۳	مباحله از نظر قرآن و حدیث
۷۴	تحلیل محتوای روایات مباحله
۷۵	نقد و بررسی دیدگاه قاضی عبدالجبار پیرامون آیه مباحله
۷۶	نقد و بررسی شبهات رشید رضا درباره آیه مباحله در تفسیر المنار
		تحلیل و بررسی جایگاه اهل بیت (ع) در آیات مباحله، علم الکتاب و اعتصام
۷۷	در آثار علامه مجلسی(ره)
		بررسی شأن نزول آیات پیرامون مسیحیان نجران و آیات مباحله با تأکید بر
۷۸	تفسیر «منهج الصادقین» ملا فتح الله کاشانی(ره)
		بررسی تطبیقی مباحله پیامبر (ص) با مسیحیان نجران (۵۱۰-۶۳۹م) در دو
۸۰	فرقه تشیع و تسنن
۸۰	فعالیت های دینی و اجتماعی پیامبر پس از هجرت
		پاسخ به شبهات آلوسی بغدادی در زمینه آیات نازل در شأن اهل بیت (ع)
۸۳	
۸۴	آیه مباحله ومباحث کلامی آن
۸۵	تفسیر تطبیقی آیه مباحله و شبهات جدید
۸۹	فصل چهارم: مقالات

- درآمد..... ۹۰
- آراء تفسیری مفسران معاصر پیرامون آیه مباحله..... ۹۰
- آیه مباحله، سند افتخار..... ۹۱
- آیه مباحله و امامت علی (ع)..... ۹۱
- ابعاد و زوایای تاریخی - تربیتی مباحله..... ۹۲
- اثبات و حقانیت اهل بیت پیامبر علیهم السلام در مباحله..... ۹۳
- امامت در آیه مباحله از دیدگاه امامیه و اشاعره..... ۹۳
- بازخوانی رواداری های پیامبر با مسیحیان نجران در تعاملات فکری در
ماجرای مباحله..... ۹۴
- اهل بیت در قرآن، مباحله..... ۹۶
- بررسی آیه مباحله از دیدگاه فریقین..... ۹۸
- بررسی دیدگاه آلوسی در آیه مباحله از منظر مفسران شیعه..... ۹۹
- بررسی پادرمیانی رخدادهای مباحله در فرود آمدن سوره آل عمران..... ۹۹
- بررسی تاریخی آیه مباحله و بازتاب های کلامی آن..... ۱۰۰
- بررسی تطبیقی آیه مباحله در تفسیر تسنیم و المنار..... ۱۰۱
- بررسی تطبیقی فضایل اهل بیت در آیه مباحله..... ۱۰۲
- بررسی روایات فریقین در موضوع مباحله و تحلیل دیدگاه مولفان المنار در
این زمینه..... ۱۰۳
- تحلیل استناد به آیه مباحله در مناظرات رضوی..... ۱۰۴
- تحلیل روش شناختی نقدهای علامه جوادی آملی در خصوص آیه مباحله بر
تفسیر المنار..... ۱۰۵
- تحلیل مدخل آیه مباحله در دانشنامه الیور لیمن..... ۱۰۶

- تحلیل مناسبتی آیه مباحله با دیگر آیات فضایل اهل بیت(ع).....۱۰۷
- تحلیل و نقد تفسیر دروزه از آیه مباحله.....۱۰۸
- تفسیر آیه «مباحله» از دیدگاه اهل بیت(ع) و اهل سنت۱۰۹
- جایگاه آیه مباحله در مطالعات کلامی فریقین۱۰۹
- خوانش فقهی جدید از آیه مباحله -۱.....۱۱۰
- خوانش فقهی جدید از آیه مباحله -۲.....۱۱۱
- داستان مباحله۱۱۱
- درآمدی بر آیه مباحله.....۱۱۲
- دراسه مقارنه فی معرفه مصداق «أنفسنا» فی آیه المباحله من وجهه نظر
الفریقین۱۱۳
- دستور مباحله.....۱۱۳
- دلالت آیه مباحله بر خلافت بلافصل امیرالمؤمنین۱۱۴
- رهیافت تاریخی بر چرایی تفاوت گزارش سیره نویسان نخستین: بررسی
رخداد مباحله در سیره ابن هشام.....۱۱۴
- عظمت اهل بیت در آیه مباحله۱۱۵
- عید مباحله و نگاهی به میراث مکتوب آن روز مبارک۱۱۶
- فاطمه علیها السلام تجلی تمام زنان مقدس قرآنی (بر اساس آیه مباحله)
.....۱۱۶
- فاطمه (ع) در قرآن؛ نگاهی به جایگاه فاطمه زهرا در آیه مباحله از نظرگاه
اهل سنت۱۱۷
- مباحله۱۱۸
- مباحله۱۱۹

- ۱۱۹..... مباحله
- ۱۲۰..... مباحله
- ۱۲۰..... مباحله بزرگترین سند فضیلت پنج تن آل عبا
- ۱۲۱..... مباحله به روایت متون کهن
- ۱۲۲..... مباحله پیامبر اکرم(ص) با مسیحیان نجران: علی(ع) نفس پیغمبر(ص)
- ۱۲۲..... مباحله حدیث فضیلت
- ۱۲۲..... مباحله در کلام معصومین (علیهم السلام)
- ۱۲۵..... مباحله در مدینه و فاطمه
- ۱۲۵..... مباحله در منابع تاریخی اهل سنت
- ۱۲۷..... مباحله روشن ترین دلیل باورهای شیعه
- ۱۲۸..... مروری به داستان مباحله
- ۱۲۸..... مسجد الإجابہ یا مسجد مباحله
- ۱۳۱..... مصداق «انفسنا» در آیه مباحله از دیدگاه شیعه و سنی
- ۱۳۲..... معرفی کتاب مباحله در مدینه(ماسینیون)
- ۱۳۶..... معنانشاسی لفظ «نساء» در آیه ۶۱ سوره آل عمران
- ۱۳۶..... معنای نفس در آیه مباحله و معنای مولی در حدیث غدیر
- ۱۳۶..... نقد دیدگاه ابن تیمیہ در شأن نزول آیه مباحله
- ۱۳۷..... واقعه مباحله
- ۱۳۷..... واکاوی ابعاد واقعه «مباحله» از منظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی
- ۱۳۷..... واکاوی معنای «نساءنا» در آیه مباحله (جایگاه فاطمه علیها السلام در آیه
- ۱۳۸..... مباحله از مصداق تا معنای «نساءنا»
- ۱۴۰..... همراهان پیامبر در مباحله در منابع اهل سنت

فصل پنجم: موارد دیگر.....	۱۴۱
درآمد.....	۱۴۲
مسئله مباحله.....	۱۴۲
ویژه برنامه «جان نبی».....	۱۴۲
اهل سنت و آیه مباحله.....	۱۴۳
مباحله روز اثبات حقانیت امام علی (ع) و آل عبا است.....	۱۴۳
در وادی شعر و ادب.....	۱۴۳
الافوه!.....	۱۴۳
صاحب بن عباد.....	۱۴۴
کسایى مروزی.....	۱۴۵
سنایی غزنوی.....	۱۴۶
منسوب به عطار نیشابوری.....	۱۴۶
شاه نعمت الله ولی.....	۱۴۶
عماد الدین نسیمی شروانی.....	۱۴۷
محتشم کاشانی.....	۱۴۷
وحشی بافقی.....	۱۴۸
فیض کاشانی.....	۱۴۸
فیاض لاهیجی ۱.....	۱۴۹
فیاض لاهیجی ۲.....	۱۴۹
غمگین اصفهانی.....	۱۴۹
ترجمه منظوم آیه مباحله.....	۱۵۴
غلامرضا سازگار ۱.....	۱۵۵

۱۵۸.....	غلامرضا سازگار ۲.....
۱۶۱.....	اکبر بهداد «طیب».....
۱۶۳.....	سید ابوالفضل مبارز.....
۱۶۵.....	سید محمد میرهاشمی.....
۱۶۷.....	محمدعلی ریاضی یزدی.....
۱۷۰.....	احد ده بزرگی.....
۱۷۳.....	مطهره عباسیان.....
۱۷۴.....	میرفدا علی صاحب «تنها».....
۱۷۶.....	سید مهدی صدر الحفّاظی.....
۱۸۱.....	مجید طاهری.....
۱۸۵.....	محمدعلی نوری ۱.....
۱۸۷.....	محمدعلی نوری ۲.....
۱۸۸.....	علیرضا قاسمی.....
۱۹۰.....	میلاد حبیبی.....
۱۹۱.....	فاطمه خمسی.....
۱۹۲.....	علی فانی.....
۱۹۴.....	علی انسانی.....
۱۹۸.....	قاسم صرافان.....
۲۰۲.....	نتیجه گیری.....
۲۰۵.....	پیوست:.....
۲۳۳.....	منابع.....

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى

قال الله الحكيم في كتابه الكريم: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ.»

اگر چه در اسلام کیفیت مهم است و نه کمیت؛ لذا اگر مثلاً در مکتب منیر شیعه یک تفسیر قرآن قوی ببینیم بر هزار تفسیر قرآن که توسط غیر شیعیان نوشته شده برتری دارد، یا اگر یک کتاب اخلاقی وزین یا کتابی در علم کلام که حقیقتاً اخلاق حسنه و اعتقادات پاک را به انسان نشان بدهد، بر انبوهی از تالیفات اخلاقی و کلامی عامه ترجیح دارد، اما به هر حال کمیت هم، از جهتی حاکی از اعتنای گروهی و دسته جمعی است و از جهت دیگر بیانگر عرصه های متنوع توجه به یک موضوع است.

واقعۀ مبارک مباحله، یک واقعۀ شگفت و بی نظیر برای جبهه حق در تاریخ بشریت است که از سویی، برهان قاطعی بر حقانیت اهل البیت (علیهم السلام) و مذهب منیر تشیع است و از سوی دیگر یک جریان هویت‌ساز شیعه شمرده می‌شود.

منبع‌شناسی این واقعۀ همان دو فایده مذکور را به ما می‌نمایاند، نخست اینکه اعتنای علما و نویسندگان و ادیبان شیعه به این مقوله چه میزان بوده و دوم آنکه اقالیم متنوع پرداخته شده به این واقعۀ را نشان می‌دهد. این دو فایده نه تنها در

اعطای شناختی گسترده و چندجانبه به علاقمند اطلاع یافتن از واقعه مباحله مفید است که برای محققان و نویسندگان و شاعران و هنرمندان و نیز نهادهای مرتبط فرهنگی مذهبی پژوهشی می تواند نقشه راهی باشد که تجربه های موفق را تکثیر کرده و عرصه های کمتر پرداخته شده یا خالهای موجود را جبران کنند. به ویژه به سبب رویکردی که همواره عامه در قبال «تخریب» یا «مصادره» هویت های شیعه اتخاذ کرده و می کند، ضرورت پرداختن به این بحث بیشتر جلوه می کند. کتاب حاضر کوششی ناتمام و گامی کوچک در راستای منبع شناسی واقعه مباحله است و نویسندگان معترف اند که دامنه کار و فعالیت های مکتوب و غیر مکتوب پیرامون مباحله بسی افزون تر از مطالبی است که در این کتاب، گرد آمده است. پیشنهادها، انتقادات و ارشادات ارباب کوی فضل ما را در رفع نقائص کتاب، چراغ راه بوده و رهین منت آنان خواهیم بود.

در انتها لازم است از همه عزیزانی که ما را در تدوین این اثر به هر نحو یاری کردند، و به صورت خاص از دو دوست گرامی که فدایی اهل بیت(ع) هستند، یعنی آقایان سید سجاد موسوی و محمدتقی نجات، تشکر کنیم که در دستیابی به قسمتی از مقالات و مجلات، ما را مساعدت نمودند؛ و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین سیما بقیه الله فی الارضین.

علی عسگری - نجفی

شهر مقدس قم

خرداد ۱۴۰۱ش



فصل اول: چند نکته



انسان دین مدار

انسان ها آفریدگان الهی هستند و در یک تقسیم بندی به دو دسته دین مدار و غیرمتدین تقسیم می گردند. انسان های دین مدار برای دین خود ارزش قائل بوده و جان و مال و آبروی خویش را فدای دین می کنند. البته درجات دیانت متفاوت است و این سخن که گفتیم ناظر به متدین های راستین است. نکته دیگری که در رابطه با دیانت مهم است، تحفظ بر آن است. یعنی اینکه انسان دین خویش را گوهری ارزنده تلقی کرده و آن را از گزند هر گونه آسیب و آفت محفوظ می دارد. از این جهت شاهدیم که روانشناسی مدرن و جامعه شناسی نوین بشر با تمام پیشرفت های شگرفت و شگفتی که نموده، در تحلیل دقیق جوامع متدین کمیتش می لنگد و دچار توقف می شود. البته این به معنای تایید همه جوامع دینی نیست. زیرا دین به دو نوع زمینی و آسمانی و دین آسمانی به دو نوع تحریف شده و تحریف ناشده تقسیم می گردد.

اسلام و تشیع دوازده امامی

اسلام یک دین آسمانی است و بر خلاف ادیان آسمانی دیگر که نسخ شده یا تحریف گشته اند، نه نسخ می شود و نه تحریف شده است. لذا خداوند در قرآن کریم اسلام را دین مورد تایید خود خوانده و می فرماید: «إِن الدین عند الله الاسلام» ولی مشکلی که در اینجا رخ نمایی می کند، وجود مذاهب و مکاتب متنوع در اسلام است و اگر چه اصل دین اسلام، تحریف نگشته ولی روشن است که مکاتب و مذاهب دارای اختلاف حاد با هم که حتی در عقاید و احکام و اخلاقیات گاه دچار حالت تضاد و تناقض می رسند، نمی توانند همگی بر حق بوده و صحیح باشند.

از این رو دست به دامان رسول خدا(ص) شده و از ایشان خواستار راهنمایی می‌شویم. حضرت نیز که رحمت للعالمین هستند، می‌فرمایند برای اینکه از گمراهی‌ها نجات پیدا کنید، به فرقه‌های پراکنده گرایش پیدا نکنید و سراغ فرقه ناجیه و رستگار بروید. تمسک به دو یادگار ابدی من بزنید تا از ضلالت در امان باشد و آن دو یادگار قرآن و عترت من است. این دو با هم هستند و از یکدیگر جدا نمی‌شوند. اهل بیت من کشتی نجات و هدایت هستند و تابع آنها باشید و از آنها پیشی مگیرید و از آن ذوات مقدس نیز عقب نمانید. این رمز رستگاری شمامست.

از این رو وقتی به مذاهب مختلف اسلامی می‌نگریم، تنها گروه و مذهبی که متمسک به دو یادگار نبوی است و صرفاً به محبت اکتفا ننموده و ولایت اهل بیت(ع) را نیز پذیرفته است، مذهب شیعه دوازده امامی و اثنی عشری است. مذهبی که خود را حق دانسته، ولی نزاعی با دیگر مذاهب ندارد و از تفرقه بیزار است.

لذا می‌گویم من با اینکه حق هستم، از غوغاسالاری پرهیز دارم و اهل گفتگو و نشست و برخاست پیرامون حقانیت خود هستم. از رویکردهای تکفیری بیزارم و مرجعیت علمی و دینی ثقلین و یادگارهای رسول خدا را مبنای کارهایم قرار داده‌ام. از سوی دیگر من شیعه، دارای نمادها و هویت‌های خاص خود هستم و از این هویت‌ها که در امتداد سیره و جهت ثقلین است، نه عقب نشینی کرده و نه آنها را ترک می‌کنم. از طرف دیگر اجازه نمی‌دهم کسی این هویت‌ها را از من بگیرد و آنها را مصادره کند یا اینکه تحلیل غلط درباره این هویت‌های جانبخش، ارائه داده و موجب گمراهی خلاق گردد.

مناقب اهل بیت (ع)

چون که شیعه تابع ثقلین است و اهل بیت یکی از دو ثقل و یادگار نبوی هستند، شیعه فضایل و مناقب اهل بیت (ع) را هرگز فراموش نمی کند. تکرار این فضایل و مناقب را مایه نزول برکت دانسته و در رابطه با این مناقب، مجالس متنوع برگزار کرده و می کند. کتاب و مقاله نوشته و در منابع این مناقب را بازگو می کند. شاعران شیعه ناظر به همین مناقب اشعار انبوهی ساخته و می سازند. واقعه مبارک مباحله از اصلی ترین نمادهای و هویت های شیعه است که در زمره مناقب خاص رسول خدا و اهل بیت (ع) قرار دارد. با اینکه بزرگترین عید شیعه، عید غدیر است، ولی در واقعه مباحله است که حضرت امام علی (ع) نفس و جان رسول خدا (ص) خوانده شده است.

ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی با اشاره به همین نکته، می گوید:

علی را قدر، پیغمبر شناسد/ که هر کس خویش را بهتر شناسد

همچنین شاعر دیگری در همین راستا شعری سروده و گفته است:

تویی که نفس رسولی هم از کلام خدای

چنان که هست در این، آیه مباحله دال

این منقبت همسانی نفسانی علی مرتضی با محمد مصطفی (صلی الله علیهما و آلهما) را در کنار دیگر منقبت علوی یعنی «شهادت بر رسالت نبوی به قرین شهادت الهی» طبقه آیه ۴۳ سوره رعد «وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» می توان بزرگترین مناقب حضرت حیدر کرار (ع) خواند.

جایگاه بلند واقعه مباحله

مباحله جایگاهی بسیار بلند داراست. درست است که ما تعبیر عید را برای ۴ عید داریم، ولی اگر عدم توقیفی بودن اعطای این وصف را بپذیریم، حتما مباحله یکی از اولویت دار ترین ایام برای اختصاص به نام عید است. چنانکه رویکرد شیخ عباس قمی و مرحوم شریف کاشانی همین گونه است. مرحوم آیت الله صافی گلپایگانی پیرامون بزرگداشت روز مباحله می فرمایند: «نصوص صریحه بر ولایت و خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در قرآن کریم، بر دو بخش می باشد: نصوص جلیه و نصوص خفیه.

نصوص جلیه قرآنی، مثل آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» و سائر آیاتی که شماری از آنها را دانشمند بزرگ ابن بطریق در کتاب شریف "خصائص الوحي المبين في مناقب امير المؤمنين عليه السلام"، با سندهای معتبر از محدثان و ارباب جوامع و صحاح و مسانید عامه روایت نموده است. و نصوص خفیه قرآنی، که در کنار نصوص جلیه، موقعیتی بسیار محکم دارند، و ولایت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام و سائر ائمه طاهرین علیهم السلام را اثبات می نمایند.

آیات قرآنیهای است که با استفهام، همه را مخاطب قرار داده است، مثل «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» و از این آیات، به وضوح، از نظر اظهر مصادیق، بر حق بودن امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام به امر خلافت و امامت و هدایت استفاده می شود.

یکی از نصوص جلیه قرآنی، آیه شریفه مباحله است. این آیه، از جمله آیاتی است که بر فضیلت و بلندی رتبه و مقام اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام،

به اتفاق مسلمانان، رسا و ناطق است. شرکت دادن علی و حسن و حسین و فاطمه زهرا سلام الله علیهم اجمعین در مباحله که به تعیین و دستور خداوند متعال بود، دلیل بر آن است که این چهار نور مقدّس و عظیم، که با پیامبر در مباحله حاضر شدند، شایسته‌ترین و گرمی‌ترین خلق در نزد خدا، و عزیزترین اشخاص در نزد پیامبر رحمت بودند.

این فضیلت بسیار با عظمتی برای این چهار نور مطهّر است که در چنین واقعه با اهمیت و تاریخی، هم‌دوش و همراه پیامبر شوند، و از میان تمام امت، از صغیر و کبیر و زن و مرد، فقط آنها را خداوند انتخاب کند.

آری، بیست و چهارم ذی الحجّه که به عنوان روز بزرگ مباحله در تاریخ اسلام ثبت شده و سندی مهمّ بر حقّانیت اهل بیت علیهم السلام است، باید از آن مانند عید سعید غدیر، تجلیل شود و در این روز بزرگ، شیعیان و شیفتگان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، مجالس و محافل باشکوهی برپا کنند و درباره این موضوع مهم، سخنرانان، نویسندگان و مادحان، بگویند و بنویسند و سخن‌سرائی کنند.»

آیت الله جوادی آملی نیز می‌فرماید: «مساله مباحله از واجبات رکنی ولایت است نه رسانه‌ها از آن سخنی می‌گویند نه ما در حوزه به آن می‌پردازیم، آن وقت آن مسائل واجبات غیررکنی را خیلی دامن می‌زنیم، آنها هم واجب است، اما مثل اجزای نماز است، لکن حمد و سوره کجا، رکوع و سجود کجا؟! حمد و سوره، واجب غیر رکنی است، اما رکوع و سجود، واجب رکنی است.

در واقعه مباحله، خدای سبحان علی علیه السلام را به عنوان جان پیامبر خود معرفی کرد، آیا بالاتر از این فضیلتی هست.

وقتی مأمون به وجود مبارک امام رضا (سلام الله علیه) عرض می کند به چه دلیل علی بن ابی طالب (سلام الله علیه) افضل است؟ ایشان دیگر فرمود غدیر، فرمود با آیه ﴿انفسنا﴾، طبق این آیه شریفه خدا وقتی وجود مبارک حضرت امیر علیه السلام را جان پیغمبر می داند، از این بالاتر چه فضیلتی فرض می شود؟! «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» که گفته خود پیغمبر (ص) است، هر چند آن هم از طرف خداست، کجا؛ و اینکه ذات اقدس اله خود فرموده علی جان پیغمبر است، کجا؟! و وجود مبارک امام رضا علیه السلام به این آیه استدلال کردند.

دعای مباهله که حضرت امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت امام باقر علیه السلام نقل می فرمایند، طبق فرمایش حضرات حاوی اسم اعظم است و برای برکت این کتاب آن را در اینجا می آوریم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاهُ وَ كُلُّ بَهَائِكَ بِيَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِّهِ وَ كُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَ كُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا وَ كُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ وَ كُلُّ نُورِكَ نَيْرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا وَ كُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَ كُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتْمَمِهَا وَ كُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي

أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَ كُلُّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٌ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا
وَعَدْتَنِي

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا وَ كُلُّ عِزَّتِكَ عَزِيزَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا وَ كُلُّ مَشِيَّتِكَ مَا ضِيَهُ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي اسْتَطَلَّتْ بِهَا عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ وَ كُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ
كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَذِهِ وَ كُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ
كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَاهُ وَ كُلُّ قَوْلِكَ رِضًا [رَضِي] اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِأَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَ كُلُّ [و كلها] مَسَائِلِكَ
إِلَيْكَ حَبِيبَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي
فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَ كُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَ كُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَ كُلُّ مُلْكِكَ فَآخِرٌ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلَائِكَ بِأَعْلَاهُ وَ كُلُّ عِلَائِكَ عَالٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلَائِكَ
كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِأَعْجَبِهَا وَ كُلُّ آيَاتِكَ عَجِيبَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِآيَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَ كُلُّ مَنِّكَ قَدِيمٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِمَنِّكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشُّؤْنِ وَالْجَبْرُوتِ اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَكُلِّ [وَبِكُلِّ] جَبْرُوتٍ لَكَ اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِبَهَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِجَمَالِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِجَمَالِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِعَظَمَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِكَمَالِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِقَوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِشَرَفِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِعَلَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِعِزِّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»

سپس به اندازه ای که نفس قطع شود بگو: «یا الله یا رباه»

بعد از آن بگو: «أَسْأَلُكَ سَيِّدِي فَلَيْسَ مِثْلَكَ شَيْءٌ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ بِهَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ مَلِكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ مُؤْمِنٌ امْتَحَنَتْ قَلْبَهُ لِلإِيمَانِ اسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ مِنْهُ وَاتَّوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَاتَّقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيِ حَوَائِجِي بِمُحَمَّدٍ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي اتَّوَجَّهُ إِلَى رَبِّكَ وَ رَبِّي وَ أَقْدَمَكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِي يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهُ أَسْأَلُكَ بِكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَ اتَّوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ خَلِيلِكَ وَ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَ بَعْتَرْتَهُ وَ أَقْدَمْتَهُمْ بَيْنَ يَدَيِ حَوَائِجِي وَ أَسْأَلُكَ بِحَيَاتِكَ الَّتِي لَا تَمُوتُ وَ بُنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا يَطْفَأُ وَ بِالْعَيْنِ الَّتِي لَا تَنَامُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ» اکنون حاجات خود را از خداوند بخواهید تا ان شاء الله برآورده گردد.

مباهله راهی به سوی کشف حقیقت

مباهله اگر چه منقبت خاص اهل بیت(ع) است و از نمادهای اصلی و جریان مهم هویت ساز مکتب تشیع است، ولی یک راهکار برای اثبات حقانیت جبهه حق اثنی عشری نیز هست. حضرت امام صادق(ع) به یاران خود همین دستور را می دادند که مخالفان را به مباهله دعوت کنند.

علامه طباطبائی هم می فرماید: هر فرد با ایمان با تاسی به نخستین پیشوای اسلام می تواند در راه اثبات حقیقتی از حقایق اسلام با مخالف خود به مباهله بپردازد و از خداوند برای او درخواست عذاب کند و هر فردی از مسیحیان و کلیمیان که بخواهند این معجزه الهی را از نزدیک مشاهده کنند، می توانند با فردی از افراد با ایمان اسلام در مورد حقانیت اسلام به مباهله بر خیزند و نتیجه آن را با دیدگان خود مشاهده نمایند.

از دید ما فقط مکتب حق می تواند مباهله کند، و غیر ارباب کوی حقیقت هر کسی دیگر از هر مذهب و مکتب و کیشی بخواهد وارد گود مباهله شود عذاب الهی را به جای خواهد خرید. البته وهابی ها که از این سلاح قوی شیعه در هراسند سعی در شجاع نشان دادن خود دارند. مثلاً نویسنده وهابی ابراهیم سلیمان الجبهان در کتاب «تبدید الظلام و تنبیه النیام الی خطر التشیع علی المسلمین و الاسلام» مدعی تحدی تمام علمای شیعه اعم از اثنی عشری، اسماعیلی و... بوده تا با آنها مباهله کند. در جای دیگر او می نویسد که من از چاپ اول کتاب تا چاپ سوم که دو سال طول کشیده منتظر ماندم و حتی یک نفر از علمای شیعه برای مباهله جلو نیامد!^۱

۱. تبدید الظلام، ص ۱۸۹ و ۲۰۸. چاپ سوم، ۱۴۰۸ق.

ناصر قفاری نویسنده وهابی ضد شیعه هم با اهتزاز از عزم امامش ابن تیمیه در یک زمان برای مباحله سخن گفته و نیز سخن جبهان را تکرار می‌کند.^۱ ولی حقیقت چیز دیگری است. درست است که یکی از علمای شیعی عربستان و یک عالم وهابی در بیابانی مباحله کرده بود یا خطیب و نویسنده ای کویتی چند سال قبل، یک مباحله ماهواره ای برگزار کرد و اتفاقی نیفتاد، اما اصل اینکه مباحله اختصاص به شیعیان دارد امری ثابت است و مباحله‌های فراوانی هم در طول تاریخ اسلام توسط شیعیان انجام شده و کتاب‌هایی نیز در این زمینه نوشته شده است. تفصیل این مطلب را باید در جای دیگر تشریح نمود.

کتاب کنونی

منبع‌شناسی انواع مختلفی دارد. از منبع‌شناسی توصیفی و گزارشی گرفته تا منبع‌شناسی تحلیلی و انتقادی. یک نوع هم منبع‌شناسی تلفیقی است و برای هر کدام از این انواع منبع‌شناسی، آداب و فواید و آفاتی است.

استاد سید محسن دین پرور مقاله ای جذاب و جالب در نوع خود چند سال قبل در رابطه با موضوعی خاص نگاشته است که در فصلنامه بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه نیز منتشر شده است. سبک خاص آن مقاله اگر در این کتاب رعایت می‌شد، نتایج بسیار جالبی را به دست می‌داد. ولی ضیق وقت و کمبود توفیق باعث شد در این کتاب صرفاً به صورت گزارشی و مختصر تعدادی کتاب، پایان‌نامه، مقاله و شعر را بیاوریم.

از این رو خواننده محترم اگر نقصی در تحلیل محتوا می‌بیند بر همین حمل‌نماید و عذر تقصیر نویسندگان را بپذیرد. تنها هدف ما این بود که بگوییم مباحله

۱. مسألة التقرب بين أهل السنة والشيعة، ج ۲، ص ۲۷۵.

فصل اول: چند نکته ❖ ۲۹

واقعۀ ای بس عظیم است و لازم است بدان اعتنای بیشتری شود. لذا ما در حد توان اندک خویش بضاعت مزجاتی بدین صورت تقدیم می‌نماییم. باشد که شاهد التفات و توجه بیشتر جامعه شیعه به این عید مبارک باشیم و آثار علمی و هنری انبوهی در این زمینه تولید شود.



فصل دوم: کتاب ها



درآمد

«کتاب‌شناسی» اولین و رایج‌ترین نوع از انواع «منبع‌شناسی» بوده است. البته در یکی دو قرن اخیر با پدید آمدن گونه‌های رقیب کتاب مانند مقاله، پایان‌نامه و... دایره منبع‌شناسی گسترده شده است، ولی کماکان یکی از اصلی‌ترین انواع ثبت داده‌های فکر بشر، کتاب می‌باشد. این فصل از کتاب ما به نوع کتاب‌شناسی از منبع‌شناسی مباحثه اختصاص دارد. ولی کاملاً روشن است که دامنه کتب مخطوط و مطبوع به ویژه با تمرکزی که ما در این بخش و در کل کتاب به آثار فارسی داشته ایم، بسی بیشتر است.

عمده کتب این بخش را شیعیان نوشته‌اند، ولی برخی را اهل سنت یا غیرمسلمانان نگاشته‌اند. چند اثر پیرامون تاریخ و جغرافیای نجران آمده که شاید در نگاه نخست مرتبط با موضوع مباحثه نباشد، ولی چون این نیت در ذهن ما بود که عرصه‌های مورد بحث، توسعه‌ای باشد چند نمونه کتاب را از این حیث عنوان کردیم.

همچنین چند کتاب که به صورت عام به مقوله ولایت و امامت در قرآن پرداخته و طبعاً بخشی از آنها مرتبط با مباحثه است نیز آمده است و اگر فقط کتاب‌های فراوان این گونه‌ای را یاد می‌کردیم، صدها مورد را می‌توانستیم یاد کنیم. اما کتاب از حالت خودش خارج می‌شد، لذا فقط به ذکر چند مورد اکتفا نمودیم. برخی از کتاب‌هایی که در موضوع مباحثه نوشته شده عبارتند از:

اسرار مباحثه

این کتاب به ماجرای عظیم مباحثه بین پیامبر (ص) و مسیحیان نجران و تاریخ ۱۴۰۰ ساله آن می‌پردازد. کتاب را، استاد محمد رضا انصاری محلاتی نگاشته

است و جزو بهترین و معروف ترین کتب پیرامون مباحله است. ناشر آن «دلیل ما» می باشد و چندین بار تجدید چاپ شده است.

جزئیات واقعه مباحله که بیش از یک ماه طول کشیده، برای نسل امروز ناشناخته است. «مباحله» یک ماجرای تاریخی بلند از وقایع سالهای آخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله است، که با نامه ای از سوی آن حضرت به مسیحیان آغاز شد. پیرو آن در مجلسی عظیم و عمومی پیشگویی های کتب آسمانی درباره حضرت توسط مسیحیان قرائت شد. سپس نمایندگان نجران به مدینه سفر کردند و پس از مناظره با پیامبر صلی الله علیه و آله محکوم شدند. پس از آن قرار بر مباحله بین آن حضرت و نجرانیان شد، که اثبات حقانیت خود را به خدا واگذار کردند تا هر کدام حق را دانسته کتمان می کند به عذاب الهی گرفتار شود. آیه قرآن به عنوان دستور مباحله نازل شد، و مقام با عظمت اهل بیت علیهم السلام را به همه فهمانید و علی علیه السلام را نفس پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرد، تا همه بدانند که جانشینی حضرتش مخصوص علی بن ابی طالب علیه السلام است. اینجا بود که مسیحیان چون صدق آن حضرت را به خوبی می دانستند، از مباحله و عذاب الهی وحشت کردند و سرباز زدند. اما پیامبر صلی الله علیه و آله آمادگی خود را اعلام کرد، و این گونه حقانیت اسلام نزد همگان ثابت شد. در پایان ماجرا، مسیحیان که قدرت جنگ با مسلمانان را نداشتند و در مباحله هم شکست خورده بودند، پرداخت مبالغی برای حفظ جان خود در سایه پرچم اسلام را پذیرفتند، و حکم جزیه برای اولین بار در اسلام اجرا شد.

زندگینامه استاد انصاری از زبان خود ایشان بدین قرار است: «اینجانب محمد رضا انصاری در سال ۱۳۲۷ ش در شهرستان محلات متولد شدم. در دوران کودکی مدت سه سال در مکتبی که قرآن و خط و کتاب فارسی آموزش می دادند درس

خواندم و همزمان با هجرت اعضای خانواده به قم، تحصیلات ابتدایی را تا سال ششم به پایان رساندم. پس از آن با تشویق پدرم مرحوم آیت الله حاج میرزا حسن انصاری، تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم و بخش عمده ادبیات را نزد استاد بزرگوار حاج شیخ رحمت الله فشارکی آموختم و فقه و اصول را در مرحله سطح نزد آیات عظام فاضل لنکرانی و حسین نوری، و فلسفه و منطق را نزد حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی فرا گرفتم.

پس از ورود به مرحله دروس خارج، چندین سال به طور مداوم در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت جستیم و برای خارج فقه، از آغاز، درس مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) را انتخاب نمودم که تا پایان عمر ایشان، قریب بیست سال در آن شرکت کردم.

از سال ۱۳۵۰ نوپسندگی را آغاز نمودم و نخستین اثری که به عنوان ترجمه از من منتشر شد، کتاب "اسلام بر فراز اجتماع" نوشته استاد محمد جواد مغنیه بود که در سال ۱۳۵۲ توسط انتشارات پیام اسلام در قم به چاپ رسید. از آن پس به تدریج کتابهایی را از عربی به فارسی ترجمه نمودم و در مجلات و سالنامه هایی که در آن دوران منتشر می شد مقالاتی گوناگون ارائه دادم.

در سال ۱۳۶۷ به پیشنهاد هیئت علمی دارالقرآن الکریم آیت الله العظمی گلپایگانی به منظور همکاری علمی در این موسسه، تحقیقات قرآنی را آغاز نمودم. استخراج آیات اجتماعی قرآن و تنظیم و دسته بندی آنها برای تدوین "الکشاف الموضوعی لآیات القرآن الکریم" و نیز نگارش مقالات قرآنی در مجله "پیام قرآن" (نخستین نشریه فارسی قرآنی) و اقدام به ترجمه گروهی قرآن کریم به پیشنهاد هیئت نامبرده، از جمله تلاشهای قرآنی این جانب بود. قابل ذکر است که ترجمه قرآن کریم هرچند پس از گذشت چهار سال به پایان رسید، لکن با رحلت آیت الله

العظمی گلپایگانی و متوقف شدن فعالیت‌های علمی دارالقرآن، چاپ این ترجمه نیز متوقف ماند. با پایان یافتن کار در دارالقرآن الکریم، از سال ۱۳۷۵ به دعوت سرپرست "مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی" در این مرکز به تحقیقات قرآنی به ویژه در زمینه ترجمه های فارسی قرآن کریم پرداختم که تاکنون نیز در آنجا به این رشته اشتغال دارم.

در خلال یک دهه اخیر پنج ترجمه از قرآن مجید را به صورت گروهی یا انفرادی تصحیح و ویرایش کرده ام که نام آنها در جدول آثار خواهد آمد. در مجله تخصصی "ترجمان وحی" که مرکز ترجمه قرآن مجید آن را منتشر می سازد، نیز مقالاتی پیرامون مباحث قرآنی از این جانب به چاپ رسیده است. در مرکز فرهنگ و معارف قرآن نیز در دو پروژه قرآنی شرکت داشتم. این دو پروژه که هر دو به انجام رسید، یکی "تصحیح و ویرایش ترجمه قرآن مجید" برای درج در تفسیر راهنما و دیگری "تصحیح و ویرایش ترجمه قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان" بود.

از مباحله تا عاشورا

این کتاب درباره مباحله نصارای نجران با رسول خدا صلی الله علیه و آله و مقایسه تسلیم آنان و ترسیدن آنها با دیدن حضور فقط ۵ تن و آماده شدن برای پرداخت جزیه را با مسلمانان به ظاهر مسلمان در صحرای کربلا و دیدن آخرین نفر از ۵ تن و شناختن آنان که این ایستاده در برابرشان همان شخصیت حاضر در مباحله است و جگر گوشه رسول خداست، اما با کمال جرئت و گستاخی او را مظلومانه به شهادت رساندند و جشن گرفتند!!

کتاب که به قلم مرحوم محمد امینی گلستانی است را نشر سپهرآذین در ۶۶۲ صفحه و چندین مرتبه از جمله در سال ۱۳۸۳ منتشر ساخته است.

مباهله سند حقانیت شیعه

این اثر در واقع ترجمه کتابی از استاد ارجمند شیخ ناصر باقری بیدهندی (دامت برکاته) است و آقای کرار حسین اظهري از طلاب و فضاي هندی حوزه قم آن را در سال ۱۳۸۶ و در کراچی پاکستان منتشر کرده است. زبان اثر، اردو می باشد. خودزندگی نامه نوشت آقای اظهري بدین قرار است: «بنده در سال ۱۳۸۵ هجری قمری (۲۱ محرم الحرام) در مبارکپور شهر اعظم گده هندوستان متولد شدم. در ایام طفولیت از سایه پر مهر مادری محروم گشتم. در آن زمان حدوداً ۵ ساله بودم در زادگاه خود مبارکپور تحصیلات ابتدائی را حدوداً ۱۰ سال در مدرسه باب العلم گذراندم و سپس برای ادامه تحصیل وارد جامعه ناظمیه لکهنو شدم دو سال آنجا تحصیل نمودم و بعد از آن برای تکمیل دروس و تحصیل در سطوح عالی در تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۸۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و به لطف و عنایت حضرت حق جل جلاله و به نظر لطف و کرم بی بی حضرت معصومه (س) در جوار ایشان مشغول تحصیل، تحقیق و تصحیح و نیز ترجمه می باشم. لازم به ذکر است که ورود ما به حوزه قم به این صورت بوده است که آقای سید هاشم حسینی بوشهری مدیر حوزه علمیه در آن زمان مدیر مدرسه حجتیه بودند. همراه با هیات اعزامی به هندوستان آمدند و از بنده و طلاب دیگر امتحان گرفتند، بعد از قبول در امتحان اینجا آمدم و تا به حال مهمان امام خراسان و خواهر ایشان هستم. تا آن زمان که خدای رحمان بخواهد و سکونت در آشیانه آل محمد (ع) را برای خود یک افتخار بزرگ می دانم، زیرا سرچشمه تمام توفیقات است و در بارگاه خداوند

متعال بسیار شکرگذار هستم که توفیق داد برای تالیف و ترجمه و ... دو سال برای تدریس در جامعه تنظیم المکاتب (یکی از بزرگترین و معروفترین حوزه هند) لکهنو و دو سال برای تدریس در مدرسه باب العلم مبارکپور از سازمان مدارس خارج از کشور اعزام شدم و نیز دو بار برای مدت کوتاه برای تبلیغ اعزام شدم. فعلا یک پسر (محمد رضا اظهاری) و دو تا دختر دارم. بچه ها و همسرم بسیار بسیار به من کمک می کنند و تمام کتابهای بنده توسط اینها حروفچینی شده است. پدرم متدین است و با نیازهای شدید مالی به من اجازه داده است که در حوزه بمانم و با نوشتن کتابها خدمت دین و مسلمین را انجام بدهم، شاید به درگاه خدا قبول شود.»

نصاری نجران بین المجادلة والمباهلة

مؤلف این اثر ۲۰۳ صفحه ای، احمد علی عجیبه است و به عربی نوشته شده و کتاب را دار الآفاق العربیة در ۲۰۰۵م منتشر ساخته است.

المباهلة فی الإسلام

نویسنده این کتاب کم حجم، السید مراد سلامه است که کتابش چاپ نیز شده است.

مؤامرات نصاری نجران والمباهلة

خاندان مروت (به عربی: مروة) از خاندان های علمی ادبی شیعه لبنان هستند. خانم لیلی مروة از همین خاندان است و کتاب فوق را نگاشته است. کتاب توسط دار و مکتبه البصائر للطباعة والنشر والتوزیع در سال ۲۰۱۱م منتشر شده است.

مؤلف عاملی این اثر که ده‌ها سال است ساکن بعلبک می‌باشد، در این اثر از تحقیقات و افادات مکتوب برخی همچون علامه شرف‌الدین عاملی نیز بهره‌برده است. مؤلف بین ۶۰ تا ۷۰ سال سن دارد و رئیس «التجمع النسائی الديموقراطی» لبنان و مثل بسیاری از بانوان نویسنده لبنانی دارای تمایلات فمینیستی است.

خلاصه تاریخ نجران

عبدالرحمن عبدالله الهمدانی این کتاب ۷۳۹ صفحه‌ای را درباره تاریخ منطقه نجران نوشته است.

نجران.. جدلیه المكان والشخوص

محمد آل هتیله پیرامون نجران این اثر ۳۵۲ صفحه‌ای را نگاشته و انتشارات جداول للنشر والترجمة والتوزیع آن را در ۲۰۱۶م منتشر ساخته است. جهات باستانی نجران و عنایت برخی مکتشفان و مستشرقان غربی به این ناحیه در کتاب به بحث نهشته شده است.

الرؤية الأیدیولوجیة والبناء الفنی فی روایات خلوصی عویضة

خلوصی عویضة یک رمان نویس فلسطینی است که در سال ۱۹۶۴م متولد شده است. وی آثاری دارد از جمله المباهله که در ۲۰۱۵ و الافعی تطوق الارض که در ۲۰۱۷م منتشر شده است. محمد جمیل یوسف الحرازین کتاب فوق را با بررسی موردی همین دو اثر عویضة نگاشته است.

المباهلة

مرکز تکوین للدراسات والأبحاث در سال ۲۰۱۷م کتاب مباهله اثر مبارک بن مساعد آل شمالان را چاپ کرده است. کتاب در ۲۸۶ص و به زبان عربی است.

یکی از شبههاتی که دینمداران و به ویژه غیر متدین ها به مباحله وارد می کنند این است که مباحله خارج از فضای روح علمی است و در این کتاب به این اشکال نیز پرداخته شده است.

البیان فی تاریخ جازان وعسیر ونجران

اثری است در ۳۵۶ صفحه از عبد الواحد محمد راغب دلال به زبان عربی.

نجران... تاریخ و انسان

محمد طحنون این کتاب را در هشت باب نوشته و مؤسسه الرحاب الحدیثه آن را در سال ۲۰۱۵م در ۳۰۲ صفحه منتشر کرده است.

آیه المباحله

نویسنده این کتاب آیت الله سید علی حسینی میلانی است. کتابه زبان عربی است و عناوین آن بدین قرار است:

تمهید

المقدمه الأولى : بحث المسائل علی أسس متقنه

المقدمه الثانية : الإستدلال بالكتاب والعقل والسنة

بعض التقسیمات فی الإستدلال بالسنة

المقدمه الثالثة : أهمية البحث عن الإمامة

دوران البحث بین علی وأبی بکر

آیه المباحله

المباحله فی اللغة

تعیین من خرج مع الرسول صلی الله علیه وآله وسلم فی المباحله

دلالة آية المباهلة على إمامة علي عليه السلام

مع ابن تيمية في آية المباهلة

خاتمة المطاف

در اینجا زندگینامه آیت الله میلانی را از نظر می‌گذرانیم: فقیه وارسته و محقق فرزانه حضرت آیت الله حاج سید علی حسینی میلانی در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۶۷ هجری قمری مطابق با سال ۱۳۲۷ شمسی در نجف اشرف در میان خانواده‌ای علمی، اصیل و ریشه‌دار و معروف به علم و تقوا و فضیلت دیده به جهان گشود.

پدر بزرگوارش آیت الله حاج سید نورالدین میلانی فرزند ارشد آیت الله العظمی میلانی می‌باشد که در ۱۴ شوال ۱۳۳۶ قمری در نجف اشرف متولد گردید. آیت الله حاج سید نورالدین حسینی میلانی در سال ۱۴۲۵ قمری دارفانی را وداع گفت و پیکر پاکش در سرزمین مقدس قم و در قبرستان شیخان بخاک سپرده شد. مادر ارجمند آیت الله سید علی حسینی میلانی نیز دختر حجت الاسلام والمسلمین سید حسین رضوی تبریزی نجفی (متوفای ۱۳۵۷ قمری) فرزند آیت الله العظمی مجاهد بزرگ سید علی رضوی تبریزی، بانویی پرهیزگار و متهجد و در جهات اخلاقی صاحب امتیازاتی بودند که در سال ۱۳۷۵ قمری در نجف اشرف دارفانی را وداع و در صحن مطهر علوی مدفون گردید. آیت الله العظمی سید محمدهادی میلانی (ره) جد بزرگوار آیت الله حاج سیدعلی حسینی میلانی از مراجع عالیقدر تقلید جهان شیعه می‌باشد.

«من شاید کمتر از ده سال داشتم که جدم آیت الله العظمی سید محمدهادی میلانی با دعوت آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی قمی (رحمه الله علیهما) به کربلا منتقل شدند. مرحوم حاج آقا حسین قمی رهبر قیام مسجد گوهرشاد بود

که بعد از آن قضیه، توسط رضاخان از ایران تبعید شدند. ایشان وقتی که در کربلا ساکن شدند در جهت احیای حوزه مقدسه کربلا، از عده‌ای از علمای نجف دعوت به عمل آوردند که مرحوم جدم از جمله آنها بود. بدنبال هجرت جدمان، همه خانواده به کربلا منتقل شدیم وقتی به کربلا آمدیم من تحصیلاتم را در این شهر شروع کردم و اساتید بزرگوام غالباً از شاگردان جدم می‌باشند.

ادبیات و منطق را در نزد آیت الله سید مرتضی طباطبایی حائری و آقا زاده ایشان حجت الاسلام والمسلمین سید محمد طباطبایی حائری خواندم، مرحوم آقا سید محمد نیز عالمی محبوب و مردم‌دار بود که بخاطر دسیسه‌ای که دشمنان برای او درست کردند ۲۰ سال از عمرش در زندان‌های صدام سپری گردید و اندکی بعد از آزاد شدن رحلت کرد. وی در «مدرسه بقعه» تدریس می‌کردند. این مدرسه بخاطر آنکه مدفن آیت الله آقا سید محمد مجاهد (متوفای ۱۲۴۲ قمری) در آنجا قرار دارد به مدرسه بقعه معروف شده است. اما معالم و معانی و بیان را در نزد حجت الاسلام والمسلمین آقا شیخ عبدالحسین بیضائی که از شاگردان جدم بود فراگرفتم و نیز لمعه را در نزد حجت الاسلام والمسلمین آقا سید محسن جلالی کشمیری در همان مدرسه خواندم، بخشی از رسائل و مکاسب را در نزد حجت الاسلام والمسلمین آقا شیخ محمد صدقی مازندرانی خواندم. مرحوم صدقی مازندرانی دارای ولایت فوق العاده‌ای بود که بعدها به قم آمد و در حوزه قم ساکن و مشغول تدریس گردید و نیز در همین شهر فوت کرد و در قبرستان نو بخاک سپرده شد. سپس برای ادامه تحصیل به نجف اشرف منتقل شده و بخش دیگر رسائل و مکاسب را در نزد آیت الله آقا شیخ مجتبی لنگرانی فرا گرفتیم که ایشان هم به ایران آمد و در اصفهان ساکن گردید و در صحن مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) مدفون هستند،

و بعد به خواست جدم به مشهد مقدس رفتم و کفایه را در نزد آیت الله آقای عندلیب سبزواری که از شاگردان جدم بود فراگرفتم...

جدم مرحوم آیت الله العظمی میلانی (ره) که در سال ۱۳۷۳ قمری جهت زیارت امام رضا (علیه السلام) به ایران آمدند، با اصرار فراوان علماء در مشهد مقدس ماندگار شدند. به پدرم نامه‌ای نوشتند و از ایشان خواستند که فلانی (بنده) را به مشهد بفرستید تا هم درس بخواند و هم در کارها به من کمک نماید و لذا بنده در حدود سال ۱۳۵۰ شمسی به مشهد مقدس آمدم و به مدت سه سال و نیم از محضر جدم بهره‌مند شدم تا اینکه ایشان مریض شد و درس تعطیل گردید. بعد از رحلت ایشان در ماه رجب سال ۱۳۹۴ هجری قمری (۱۳۵۳ شمسی)، جهت ادامه تحصیل به قم آمدم.»

اسامی اساتید نامدار ایشان عبارتند از:

۱. آیت الله العظمی حاج سید محمدرضا موسوی گلپایگانی (متوفای ۱۴۱۴ قمری) در فقه.

حضرت آیت الله میلانی در درس فقه این استاد بزرگوار حاضر شد و مطالب درس او را به زبان عربی نوشت که چندین مجلد آن طبق دستور استادش به چاپ رسید که در این باره وی چنین گفته است:

وقتی در درس آیت الله العظمی گلپایگانی رفتم ایشان کتاب حج را درس می‌گفتند، بعد کتاب بیع را شروع کردند و من مطالب درس ایشان را در همان جلسه به صورت عربی می‌نوشتم. تا اینکه ایشان در جلسه درس اظهار تمایل کردند که دفاتر تقریرات شاگردان را ببینند که من هم جزوه‌ام را خدمت ایشان ارسال کردم. بعد از چندی آقازاده ایشان مرحوم حجت الاسلام حاج آقا مهدی به من گفتند که آقا با شما کار دارند؟ آن موقع من طلبه جوانی بودم، گفتم ولی من با آقا

کار ندارم؟ مجدداً اصرار کرد و گفت: جزوه شما مورد پسند آقا واقع شده و می‌خواهند در این رابطه با شما حرف بزنند. قبول کردم و به منزل ایشان رفتم و معلوم شد دفاتر زیادی را به ایشان داده‌اند که همه را مطالعه کرده‌اند. تا من را دید از اسم من سؤال کرد خودم را معرفی کردم بسیار خوشحال شد و اظهار گلایه کرد که چرا زودتر خودم را معرفی نکردم؛ خلاصه ایشان فرمود: این جزوه شما بسیار خوب است و دلم می‌خواهد ادامه بدهی و هر هفته آن را بیاری تا من ببینم آن وقت ایشان به عنوان تشویق به بنده جایزه خوبی دادند. من هم مرتب مطالب ایشان را می‌نوشتم و خدمت ایشان می‌دادم که جلد اول کتاب بیع با دستور ایشان چاپ شد. تا اینکه انقلاب شروع شد و درس‌ها به مدت یک سال تعطیل شد. بعد از انقلاب ایشان فرمودند چون انقلاب شد و مملکت الان نیاز به قاضی دارد ما درس قضا و شهادت را شروع می‌کنیم که من هم مطالب این درس را نوشتم و بعد از دستور ایشان و تقریظشان بر آن، در ۳ جلد به چاپ رسید.

۲. آیت الله میرزا کاظم تبریزی (متوفای ۱۴۱۶ قمری) در فقه

وی درباره این استاد ارجمندش می‌گوید: حضرت آیت الله العظمی میرزا کاظم تبریزی فقیه و اصولی بزرگی بود و انصافاً در حکمت و فلسفه متبحر بود.

۳. آیت الله العظمی حاج شیخ حسین وحید خراسانی (دام‌الله) در فقه و اصول آیت الله میلانی از شاگردان برجسته آیت الله العظمی وحید خراسانی در فقه و اصول به شمار می‌آیند و به امر و دستور استادش درس خارج فقه و اصول را در حوزه علمیه قم آغاز کرده‌اند و مبنای تدریس خود را در خارج درس اصول، مطالب اصولی استادش قرار داده است و کتاب تحقیق الاصول که از مؤلفات او است مشتمل بر مطالب درس استادش می‌باشد و ۶ جلد از آن را به چاپ رسانده و منتشر ساخته است.

۴. آیت‌الله العظمی حاج سید محمد روحانی (متوفای ۱۴۱۸ قمری) در اصول
۵. آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی (متوفای ۱۴۰۶ قمری) در فقه
حضرت آیت‌الله میلانی همانند سیره همه بزرگان حوزه‌های علمیه همزمان با
تحصیل و کسب علم و دانش نیز به تدریس علوم اسلامی اشتغال ورزیده و هر
کتابی را که فرا می‌گرفت کتاب قبل را تدریس می‌کردند و هم اینک کرسی تدریس
خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم دارند و دهها نفر از طلاب و فضلا در مکتب
علمی ایشان شرکت و از دانش بیکران ایشان بهره‌مند می‌گردند. روش و مبنای
تدریس ایشان به همان سبک و شیوه‌ای است که جدش از آن استفاده می‌کردند.
یعنی ابتدا ایشان متن و عبارت کتاب فقه یا اصول را می‌خوانند و آن‌گاه آیات و
روایات مربوط به هر موضوع را با دسته‌بندی جالبی مطرح و سپس با ذکر اقوال و
بحث و بررسی و نقد آن نتیجه‌گیری می‌نمایند. آیت‌الله میلانی علاوه بر تدریس
دروس رسمی خارج فقه و اصول، به تدریس دروس اعتقادات پرداخته و از آنجایی
که معظم له در این فن مهارت ویژه‌ای دارند همواره مشتاقان فراوانی داشته است
و هم اینک وی یکی از اساتید مبرز و برجسته دوره تخصصی اعتقادات در حوزه
علمیه قم به شمار می‌آیند و موفق به تربیت و پرورش دهها متخصص در مکتب
علمی خویش شده‌اند.

حضرت آیت‌الله میلانی از عالمان و محققان پر تلاش و پرکار و موفق
حوزه‌های علمیه به شمار می‌آیند که علاوه بر تدریس و تربیت شاگردان فاضل،
نیز دارای قلمی شیوا و مستدل بوده و در عرصه‌های گوناگون صاحب خدمات و
آثار علمی، اجتماعی، فکری، فرهنگی فراوانی می‌باشند که فهرست برخی از آنها
عبارتند از:

۱. تأسیس مؤسسه‌ی مرکز الرساله در قم

۲. تأسیس مرکز پژوهش های اعتقادی (مرکز الأبحاث العقائديه)

۳. تأسیس بنیاد فرهنگی امامت

۴. تأسیس مرکز حقایق اسلامی

حضرت آیت الله حسینی میلانی از چهره‌های خدوم، خلاق، خوش قلم، و پرکار علمی حوزه علمیه قم به شمار می‌آیند که تا کنون بیش از صد عنوان از مباحث کلامی، اعتقادی، فقهی و اصولی را به رشته تحریر در آورده و به چاپ مزین شده است.

هم چنین آیت الله میلانی علاوه بر فعالیت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، صدها جلسه سخنرانی پیرامون امامت و ولایت ایراد نموده‌اند که مجموع آن به صورت سی دی‌های صوتی و تصویری در اختیار علاقمندان به این مباحث اعتقادی می‌باشد که هم اکنون بیش از ۶۰۰ حلقه سی دی و فیلم به دو زبان فارسی و عربی به صورت کامل آماده و می‌تواند برای پژوهشگران بسیار مفید باشد.

نرم افزار کنزالحقائق (گنجینه حقایق) نیز مجموعه‌ای متشکل از تألیفات حضرت آیت الله میلانی به زبان های فارسی و عربی می باشد که با امکان جستجو در متن کتاب‌ها دسترسی به مطالب را برای کاربران آسان نموده و نسخه سوم آن در شهریور ماه ۱۳۹۳ خارج شد.

موعظه مباحله

علامه سید علی لاهوری و پدرش سید ابوالقاسم لاهوری از علمای بزرگ شیعه در شبه قاره هند بوده اند. کتاب موعظه مباحله اثر سید علی لاهوری است که به

زبان اردو نوشته و چاپ شده است و در برخی منابع نامش «مواعظ مباحله» ثبت شده است.^۱

عید مباحله

قبلا در فصل اول پیرامون این اشاره ای شد که آیا تعبیر «عید مباحله» درست است یا نه؟ مرحوم سید علی جعفری که قاعدتا از نویسندگان شیعی هند یا پاکستان است و متولد ۱۳۳۹ و متوفای ۱۳۸۵ ق می باشد کتابی را به همین نام نوشته است.^۲

آیه مباحله

آیت الله شیخ محمد تقی شریعتمداری از علمای بزرگ تهران و از بهترین شاگردان و شاید بهترین شاگرد شهید مطهری بود که سال گذشته رخت به دار بقا کشید. وی از خاندان شریعتمداری استرآبادی بود و با اینکه در سه دهه اخیر عزلت گزیده و منزوی بود و جز تعدادی از خواص و شاگردان ویژه از محضرش بهره مند نبودند، اما از برجسته ترین و گمنام ترین علمای جهان تشیع به شمار می رفت. کتاب آیه مباحله را ایشان به فارسی در ۴۴ صفحه نوشته که در دهه شصت چند بار چاپ شده که از جمله چاپ دومش توسط موسسه بعثت در سال ۱۳۶۵ش بوده است.^۳ موسسه بعثت به ویژه با مدیریت مرحوم حجت الاسلام شیخ علی اسلامی سبزواری (متوفای دی ۱۳۹۸ش) از نهادهای پژوهشی انتشاراتی موفق تاریخ انقلاب بوده است.

۱. الذریعة إلى تصانیف الشیعة ط اسماعیلیان، ج ۲۳، ص ۲۷۱ و معجم ما کتب عن الرسول و أهل بیته، ج ۳،

ص ۳۸۳.

۲. معجم ما کتب عن الرسول و أهل بیته، ج ۱۰، ص ۱۵ و ۱۶.

۳. معجم ما کتب عن الرسول و أهل بیته، ج ۱، ص ۱۰۳.

آفتاب درخشنده

این اثر که نامش را «آفتاب درخشان در مباحله نصارای نجران» گفته‌اند و گاهی اوقات هم با نام تاریخ نجران از آن یاد شده، اثر مرحوم میرزا محمد احمدآبادی اصفهانی معروف به طیب زاده است که به فارسی تحریر شده است. کتاب در سال ۱۳۶۶ ق منتشر شده^۱ و احوالی از نویسنده ولایی اش بدین قرار است:

اهل‌البيت و آیه مباحله

شیخ قوام‌الدین وشنوی قمی از علما و نویسندگان معروف حوزه علمیه قم بود که در رابطه با اهل‌بیت (علیهم‌السلام) چند اثر ارزنده نوشته است و یکی از آنها کتاب اهل‌البيت و آیه مباحله است. کتاب در سال ۱۳۹۴ ق منتشر شده و ابوفاضل رضوی شیرازی اردکانی مقدمه‌ای بر آن نوشته است.^۲

مرحوم شریف رازی درباره ایشان در زمان زندگی وی نوشته است: حجه المسلمین و الاسلام و زبده‌المحدثین الکرام آقای حاج شیخ محمد مشهور بقوام‌الدین وشنوه‌ای قمی از علماء ابرار و فضلاء اخیار و اتقیاء کبار و مولفین عالی‌مقدار و گویندگان پرهیزکار حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم است. در سال ۱۳۲۹ ق در قریه وشنوه که در هفت فرسخی شهر قم واقع و از بیلاقات شهر قم و محل اقامت تابستانی مرحوم آیه‌الله‌العظمی بروجردی و سایر مراجع عظام قم است تولد یافته و دوران صباوت را در آنجا گذرانیده و در سال ۱۳۴۵ ق مهاجرت به قم نموده و پس از طی مقدمات و ادبیات از اول سطوح تا دروس نهائی خارج

^۱ . الذریعه، ج ۱۶، ص ۲۶ و معجم ما کتب عن الرسول و أهل بيته، ج ۱، ص ۲۱۴.

^۲ . معجم ما کتب عن الرسول و أهل بيته، ج ۱، ص ۲۵۴ و ۲۵۵.

فقه و اصول را از علامه منتبّع و فقیه متبحر و رجالی بصیر و متکلم خبیر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله در مدت چهل سال استفاده نموده و هم‌اکنون نیز از شرکاء درس فقه و اصول آن جنابست اعتقاد و ایمان و اخلاص فوق‌العاده‌ای به معظم‌له دارد و ایشان هم کمال وثوق و اطمینان را به وی دارند و حقا هم شایسته‌اند زیرا در میان حوزه کم‌نظیر و در روحانیت از معدودین می‌باشد، در مواقع کسالت و یا مسافرت آیت‌الله مرعشی از طرف آن جناب به جای ایشان اقامه جماعت می‌نمایند، بیشتر خطب نهج‌البلاغه را حافظ است اطلاعات زیادی به اخبار و احادیث دارد منبرش تمام یا کلمات و خطب علی‌علیه‌السلام و یا اخبار اهل‌بیت علیهم‌السلام است بسیار متواضع و خلیق است و دارای ملکات فاضله اخلاقی است مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و زعماء دیگر هم به ایشان نهایت وثوق و اعتماد را دارند با اینکه در منازل آنها یا اصلاً نمی‌رود و یا بسیار کم می‌رود ولی همه روز صبح و عصر در منزل آیت‌الله العظمی مرعشی آمده و با شرکاء دیگر تعلیقات و ملحقات احقاق‌الحق را تنظیم می‌نماید. آثار و تالیفات ارزنده‌ای دارد که از نظر دانشمندان می‌گذرانم:

- ۱- حدیث‌الثقلین که دو بار در جامع‌الازهر و دارالتقریب مصر به طبع رسیده است.
- ۲- رساله‌الحجاب در پیرامون حجاب اسلام که در ایران چاپ شده است.
- ۳- رساله در لباس خز و سنجاب و سمور.
- ۴- رساله در حجاب فارسی با اشاره به اقوال عامه و خاصه.
- ۵- کتاب هزار کلمه از کلمات قصار امیرالمومنین علی‌علیه‌السلام با ترجمه فارسی.
- ۸- اربعین در احادیث صادره از اهل‌بیت علیهم‌السلام.
- ۷- کتابی به عنوان مکارم‌الاخلاق.

۸- کتاب مباحله.

۹- کتاب تاریخ اسلام در ۳ جلد.

۱۰- کتابی در مقتل.

۱۱- کتاب احادیث نبویه

رسول الله (ص)؛ مباحلة و حکم.

این کتاب را ا. م. مغنیه نوشته است و مشخص است که نویسنده از خاندان معروف مغنیه در لبنان است که برای ما ایرانی ها شیخ محمدجواد مغنیه و شهید عماد مغنیه از این خاندان معروف تر از بقیه مشاهیر این تبار هستند. کتاب را دار الکتاب اللبنانی در بیروت چاپ کرده است.^۱

تفسیر آیت مباحلة

در یکی از نکات مقدماتی فصل اول گفتیم که گاهی سنیان در تلاش برای تخریب هویت های شیعه اند و گاهی در صدد مصادره آن. این کتاب تفسیر آیت مباحله که حجم اندکی دارد و به زبان اردو است را عبدالشکور لکنهوی نوشته است^۲ و دقیقاً از همین کتابهای مخرب و مصادره ای است.

عبدالشکور کاکوروی لکنهوی در سال ۱۳۸۱ق در ۸۸ سالگی مرده است و حنفی مذهب و ضد شیعه بوده است. او آثاری بدین قرار دارد:

۱. مجموعة تفسیر آیات الإمامة والخلافة

۲. کتاب فی سیرة الخلفاء الراشدين

۳. علم الفقه در ۷ جلد

^۱ . معجم ما کتب عن الرسول و أهل بيته، ج ۲، ص ۸۰ و ۸۱.

^۲ . معجم ما کتب عن الرسول و أهل بيته، ج ۴، ص ۲۵۱.

۴. سیره الحبيب الشفيح من الكلام العزيز الرفيع

۵. ترجمه تاريخ الطبرى

۶. ترجمه إزالة الخفاء عن خلافة الخلفاء

۷. ترجمه أسد الغابه

۸. النفحة العنبرية

کسی که در پی پاسخ گویی به شبهات پیرامون آیات الولایه از جمله آیه مباهله است حتما باید در گام نخست، کتب اهل سنت را پیرامون آیات ولایت ببیند. زیرا در این دست کتب هزاران اشکال علیه آیات ولایت و کاستن از شأن والای امیرالمؤمنین و اهل بیت (ع) مطرح شده است.

کتاب المباهلة

ابوالفضل محمد بن عبد الله بن محمد بن عبدالمطلب شیبانی چنانکه از کتب فهرست و رجال قدیمی مشخص می شود، کتابی با عنوان مباهله نوشته است. ابن طاووس در کتاب شریف اقبال، خبری طولانی درباره روز مباهله را که نزدیک ۲۵ صفحه بزرگ است از همین کتاب نقل کرده است.^۱

در مجموع با اینکه نگارش کتاب پیرامون هویت های شیعه دلیل تشیع نیست و گاه توسط مخالفان برای رد یا مصادره نمادهای هویتی شیعی شاهد نگارش کتاب های این چنینی هستیم، ولی غالبا اینگونه است که نویسندگان این دست کتب، لااقل در زمان تحریر کتاب، شیعه مذهب و پاک اعتقاد بوده اند.

۱. الذریعه، ج ۱۹، ص ۴۷.

کتاب المباهلة

عوامل انحراف از مذهب حق فراوان است، از جمله حسادت، حب جاه، فریفته شدن توسط مال و یا علل دیگر. یکی از افرادی که نوشته‌اند ابتدا شیعه بوده و سپس دچار انحراف شده است، ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی عزافر است. او در میان تالیفاتش کتابی با نام مباهله دارد^۱ که شاید آن را قبل از دوره انحراف عقیدتی اش نوشته باشد.

برهان المجادلة فی تفسیر آیه المباهلة

شیخ محمد اعجاز حسن بدایونی هندی این اثر را به زبان اردو نوشته است.

المباهلة

از معروف‌ترین کتاب‌هایی که پیرامون مباهله در قرن اخیر نوشته شده، کتاب المباهله مرحوم شیخ عبدالله سبیتی از علما و نویسندگان لبنانی است. کتاب در ۱۵۲ صفحه می باشد و در بغداد در ۷۵ سال قبل در سال ۱۳۶۶ق یعنی همان سال چاپ کتاب مباهله مرحوم طیب‌زاده اصفهانی، چاپ و پس از آن چندین بار تجدید چاپ شده است. مرحوم سید صدرالدین شرف الدین فرزند علامه شرف الدین لبنانی بر کتاب مقدمه ای نوشته است. کتاب را مکتبه النجاح شعبه تهران در ۱۴۰۲ق برابر ۱۳۶۱ش تجدید چاپ کرده است و رحمت خدا بر روح مرحوم سید مرتضی رضوی کشمیری مؤسس مکتبه النجاح باد که کتب شیعی فراوانی را در قاهره و نجف و بیروت و تهران چاپ کرد. بخشی از مقدمه کتاب: فی حیاة علی (ع) وفی حیاة الزهراء علیها السلام وفی حیاة ولدیها علیهما السلام نواح کثیرة للحديث

۱. رجال نجاشی، ص ۳۷۸.

عنهم ، وكفايات للاشادة بفضلهم ، وفي كل ناحية من نواحي الفضيلة والكمال ملتقى مع هؤلاء الاربعة ..

وقد التقت في حياتهم وشائج الفضائل والمثل العليا مذ تفتحت اكام حياتهم وعرفوا هذا الوجود ، وإذا نظرنا اليهم من البداية الى النهاية لرأيناهم يتقبلون بين احضان الفضيلة وقد اسدلت عليهم ابرادها تلفهم من الفرع الى القدم فلا يساويهم في سموهم احد ، ولا يدانيهم مخلوق. ولا جرم ان كانوا كذلك وقد تربوا في البيت الذي خرجت منه الدعوة الى الاسلام ، وكفلهم صاحب الدعوة الاسلامية.

وليس عجبا بعد هذا ان كان في كل ناحية من نواحي حياتهم ملتقى للفضائل ، فان لهذه التربية اثر فعال في صبغهم بالصبغة المثالية وتوجيههم الى الفضيلة والكمال...

ولقد كان كل واحد منهم بحكم التربية وبحكم الوراثة معجزة خالدة انفصلت من جسم رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لتكون معجزة في صميم الحياة وان حياة كل واحد منهم تتصل بحياة رسول الله صلى الله عليه وآله ، ووجوده الكامل يتصل بوجوده (ص) المثالي وفضائله تتصل بفضائله ، من الساعة الاولى التي انفصلوا فيها من وجود واستقرار في وجود آخر.

هذه حقيقة ثابتة يستطيع القارئ ان يراها من خلال حياتهم ، وان عرضا موجزا لحياتهم كفيل بان يرينا انه بعد النبوة لانجد فواصل اخرى بين كمال وجوده (ص) وكمال وجودهم ، وان الله تعالى اعدهم للانسانية في اعلى مثاليه كما اعد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من قبل.

وفي الحق انهم المعجزة الخالدة التي كشف الزمن ذيله عنهم ، فجاءوا في وسط المعترك الهائج وليسوا منه ، وجاءوا بين طرفي الزمن وليسوا من الزمن وانما هم

اشعاعاً من نور الله افاضه على هذا الوجود وعلى هذه الانسانية المعذبة يشق الطريق ليهديها في كل اجيالها الى الخير والسعادة ، والى المثل العليا من الكمالات النفسية. موضوع هذا الكتاب ناحية واحدة من نواح كثيرة، وآية واحدة من كتاب الله المجيد من بين آيات كثيرة هي آية المباهلة:

«فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم، فقل تعالوا ندع ابناءنا وبناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين.»

رسالة في حديث المباهلة و آيتها

مباهله را می توان از جهت آیه آن، حدیث مباهله، دعاهاى مباهله، جهت تاریخی، رویکرد کلامی یا حتی عرصه ارتباط آن با حقیقت مورد تحقیق قرار داد. شیخ محمد خالصی زاده که البته درباره برخی آراء و نظراتش در تالیفاتش نظر و اشکال وجود دارد، رساله ای در جهت دو رویکرد فوق یعنی رویکرد آیه و حدیث مباهله نگاشته است. کتاب وی در ۱۹۵۰م در بغداد و در ۱۳۹ صفحه چاپ شده است. وی با این که مدت ها در ایران تبعید و ساکن بود و به فارسی هم آثاری نوشته، ولی قاعدتا این کتابش به زبان عربی است.

المباهلة فى المدينة و فاطمة

این اثر ترجمه عربی کتاب فرانسوی اویی ماسینیون است.

رسالة فى المباهلة مع المخالفين للحق

مباهله چنان که درمقدمات ابتدای کتاب بیان شد یک فعالیت خاص و غیر مختص به تواریخ سابق است و هر کسی که حق است یعنی باطن عوالم طبیعت و ملکوت موافق رویکرد وی است(طبعاً از دید ما جز شیعه اثنی عشری هیچ صنف

و مکتب و مذهب و دینی اینگونه نیست و لذا می‌توان گفت مباحثه از اختصاصات شیعه است) می‌تواند مباحثه را انجام دهد. ملا محمدکاظم هزارجریبی مازندرانی که از علمای اخباری مشرب است، کتابی درباره مباحثه نمودن با سنیان به عنوان بارزترین نماد اصناف ضد شیعه نوشته است.^۱

سلسله الانوار الخمسة

خاندان اعلیٰ لبنان اصالتاً ایرانی هستند. ضیاء اعلیٰ از نویسندگان معاصر این خاندان است و از جمله تالیفاتش کتاب سلسله الانوار الخمسة (علیهم السلام) است که پیرامون حدیث کساء، حدیث غدیر، روز مباحثه و... است. کتاب در سال ۲۰۰۴م در لبنان توسط انتشارات اعلیٰ چاپ شده است.

مباحثه نامه

سیدعبدالله حسینی کتاب با نام المباحثه نوشته که محمدعلی نجفی کرمانشاهی (از نویسندگان کتاب کنونی) آن را ترجمه کرده و تعلیقات مفصلی هم بر آن که می‌تواند عنوان متمیم و تکمیل را داشته باشد، نوشته است. ترجمه کتاب متعلق به سال ۱۳۸۹ است و کتاب کماکان مخطوط می‌باشد. مترجم در مطالب افزوده بر کتاب از مساعدت فکری دوستش آقای خلیل آقایی بهره مند گشته است.

مباحثه در مدینه

این کتاب ترجمه فارسی کتاب «مباحثه در مدینه و فاطمه» اثر لویی ماسینیون است که آقای محمود افتخارزاده (متولد ۱۳۳۳) آن را ترجمه کرده و انتشارات رسالت قلم در تهران آن را در سال ۱۳۷۸ در ۱۱۶ صفحه منتشر ساخته است. در نشریه

۱. الذریعه، ج ۱۹، ص ۴۷.

«کتاب ماه دین»، شماره ۲۲ و ۲۳ مقاله ای در معرفی کتاب ماسینیون آمده که اشاره ای به این ترجمه داشته و نوشته است: مترجم محترم طی مقدمه ای مشبع و مفصل به بحث در سرنوشت سیاسی تشیع پرداخته است و اطلاعات و تحلیل های فراوان و مفیدی را ارائه می دهد که حجم آن (متجاوز از ۵۰ صفحه) و تقریباً برابر با رساله خود ماسینیون است. بر اساس شناسنامه کتاب، به نظر می آید مترجم محترم این کتاب را از ترجمه عربی آن به فارسی بر گردانیده است. پیش از این از مترجم این کتاب تألیفات و ترجمه های با ارزش دیگری نیز به بازار نشر کتاب روانه شده است. البته مترجم همین کتاب را بدون مقدمات معهود، در سال ۱۳۹۶ توسط نشر ثوره در تهران در ۵۸ صفحه با عنوان «مباحله در مدینه: تعامل تاریخی اسلام و مسیحیت» منتشر نموده است.

mubahala-de-medine-et-lhyperdulie-de-fatima

اصل کتاب ماسینیون درباره مباحله در سال ۱۹۵۵م منتشر شده است. سید

حسین تقوی درباره این کتاب می نویسد:

حادثه مباحله... نه فقط در کتب امامیه، بلکه در کتب اهل سنت همچون سیره حلبی، تاریخ یعقوبی، تفسیر مفاتیح الغیب امام رازی، کامل ابن اثیر، کشف زمخشری، فتوح البلدان بلاذری... نیز به تفصیل ذکر و تبیین شده است. در روزگار ما یکی از کسانی که سعی کرده است تا حدی به این حادثه مهم و برخی ابعاد آن بپردازد خاورشناس برجسته پروفیسور لویی ماسینیون است... پرداختن به جهات مثبت و منفی این نویسنده و قضاوت درباره او امری حائز اهمیت است...

۱. کتاب ماه دین، مرداد و شهریور ۱۳۷۸، ش ۲۲ و ۲۳.

رساله حاضر که محصول بررسی‌های پروفسور ماسینیون در این زمینه است در سال ۱۹۴۴ در میلان به چاپ رسید و پیش از آن وی مقاله‌ای به نام «مباهله در مدینه و فاطمه» در سال نامه ایرانوس (۱۹۳۸-۱۹۳۹) در پاریس منتشر کرده بود. عبدالرحمن بدوی محقق و نویسنده معاصر مصر این کتاب را در سال ۱۹۶۳ به زبان عربی در مصر به چاپ رسانید. این کتاب با پیشینه تاریخی مباهله به عنوان مقدمه و سپس هشت فصل سامان گرفته است. نام عربی این کتاب المباهله فی المدینه بین نصاری نجران و محمد(ص) سنه ۱۰ است.

در بخش پیشینه تاریخی وی سعی می‌کند ریشه‌های مباهله را در نزد قوم سامی و دوره تمدن بابل به بعد به عنوان «تنها وسیله رایج و بین المللی برای اثبات حقیقت» نشان دهد.

نویسنده در فصل اول رساله به «معنای لغوی- اصطلاحی مباهله و چگونگی اداء آن» می‌پردازد و با بررسی ریشه‌های عبری و سریانی این کلمه و سپس جنبه صرفی آن در زبان عربی نحوه اجرای مباهله را بیان می‌کند. او عمل مباهله را دارای سه مرحله می‌داند:

«نخست با نشستن دو زانو و قرار دادن دو دست بر روی آنها به گونه‌ای که گوئی آماده حرکت و مبارزه با دشمن است.

دوم، با آماده ساختن دو دست برای سوگند یاد نمودن

سوم، با بلند کردن دو دست به سوی آسمان و ادای الفاظ مخصوصه» (ص ۶۸

کتاب)

در ادامه به مواردی که پس از طلوع اسلام، میان اهل سنت و شیعیان و دروزی

ها به مباهله عمل شده است، اشاره می‌کند.

در فصل دوم اشاراتی درباره آیه مربوط به مباحله، اثبات اینکه مصالحه پیامبر اکرم(ص) و مسیحیان نجران پیش از حادثه مباحله بوده است، اسناد روایی تاریخی درباره مباحله و بررسی آنها آمده است.

فصل سوم به خلاصه گزارش مباحله اختصاص دارد که در آن به بررسی در مورد شهود مسیحی واقعه و اختلاف در آن شهود، شرایط سیاسی هیأت نجران و نتایج سیاسی این واقعه می پردازد.

فصل چهارم در باره نقش اقتصادی نجران و تکامل سیاسی بنو حارث است. فصل پنجم در باب راز و رمز مذهبی مباحله از منظر فرقه های غالی مانند دروزیان و خطابیان و میمیه و عینیه و نصیریه است.

فصل ششم کتاب به تحلیل کتاب مباحله از محمد بن علی شلمغانی مؤسس فرقه عزافریه(که توفیق شریف حضرت حجت (ع) در لعن او صادر شد) فصل هفتم در آداب مباحله در فرقه نصیریه است.

فصل هشتم به منابع روایی تاریخی مباحله به زبان عربی و غیره اشاره رفته است.

تسلط فراوان ماسینیون درباره فرق مختلف اسلامی و نیز شخصیت سلمان(ع) از نکات قابل توجه در این رساله است. وی در این کتاب با نگاهی روشمند به آگاهی فراوان نسبت به ادیان و فرهنگ ها و تاریخ فرق و به خصوص تاریخ اسلام و فرق مختلف اسلامی سعی کرده ابعادی از واقعه مباحله را بنماید.

موضوع مهمی که ذهن و روح یک شیعه آگاه را در مواجهه این رساله می آزارد و حتی نسبت به حقیقت جویی لویی ماسینیون دچار تردید می کند بر شمردن فرقه های غالی به عنوان شیعه است در حالی که فاصله میان اعتقاد و مبانی فکری شیعیان با غلات، چندان است که بر هیچ انسان آشنا به موضوع با انصافی پوشیده

نیست. نیاز چندانی به توضیح نیست که این بدآموزی‌های و در هم آمیختگی‌های ناشی از یکدست‌انگاری سبب اشتباهات فراوان و سوء تفاهم‌ها در شناخت نسبت به شیعیان و برخورد با آنها شده است. متأسفانه باید در اینجا افزود که این یکسان‌اندیشی در متون اهل سنت هم سابقه دارد.^۱

اگر دستها به آسمان بلند می‌شد

این اثر داستانی مختصر را در ۲۰ صفحه مهدی آیت‌اللهی نوشته است و ویراستار آن شهرام شفیعی بوده و چون کتاب مصور است، تصویرگرش هم محمدحسین صلواتیان است. کتاب را موسسه فرهنگی منادی تربیت وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۳ چاپ نموده است.

المباهله بروایه صاحب الاقبال

محقق پرتلاش شیخ محمدرضا مامقانی (متولد ۱۳۳۲ش) با اینکه بیشتر وقت خویش را وقف احیا و تحقیق و چاپ کتاب تنقیح‌المقال پدر بزرگ علامه اش، شیخ عبدالله مامقانی نموده است اما تالیفاتی دیگر نیز دارد که یکی از آنها، کتاب مباهله به روایت سید ابن طاووس است که به عربی و در ۲۰۸ صفحه است و در سال ۱۳۸۵ توسط انتشارات دلیل ما که حقا یک انتشاراتی اسوه و الگو است و باید به صورت خاص از جناب آقای سعدی (دام عزه) تقدیر ویژه کرد، چاپ شده است. این طاووس از پر اعتنائترین علمای تاریخ شیعه به مقوله دعا و زیارت و محاسبه نفس و اهتمام به وقایع ایام است. این کتاب قبل از دلیل ما توسط موسسه المومل الثقافیه منتشر شده بود.

۱. کتاب ماه دین، مرداد و شهریور ۱۳۷۸، ش ۲۲ و ۲۳.

بررسی تطبیقی مباحله پیامبر(ص) با مسیحیان نجران

کمال‌الدین غراب (متولد ۱۳۳۵) که پایان نامه ای نیز در رابطه با مباحله دارد و در سال ۱۳۸۸ از آن دفاع کرده، همان پایان نامه را در تقریباً ۱۳۰ صفحه توسط انتشارات بصیرت و حکمت سینا در تهران در ۱۳۹۰ به چاپ رسانده است. در توضیح کتاب آمده است: این کتاب دربارهٔ مباحله پیامبر(ص) با رهبران مسیحیان ساکن در شبه جزیرهٔ عربستان، یعنی مسیحیان شهر «نجران»، نوشته شده است. مباحله به معنای نفرین متقابل در برابر مقام الهی است و از سنت‌های پیش از اسلام در میان سامیان است، که بر سر ماهیت الهی یا غیرالهی بودن حضرت عیسی(ع) در آخرین سال حیات پیامبر(ص)، به وقوع پیوسته است. در این بررسی تطبیقی، ضمن بررسی نقش مباحله در مجادلات عقیدتی شیعه و سنی، به بررسی آداب و اجرای آن نیز پرداخته شده است. همچنین نمونه‌هایی از مباحله که در تاریخ به وقوع پیوسته، معرفی شده است. در پایان کتاب نیز پاره‌ای از آثار محققان دربارهٔ موضوع، به نقد کشیده شده است.

داستان مباحله

کتاب در ۱۲۶ صفحه توسط آقای نادر فضلی (متولد ۱۳۳۲ش) نوشته شده است. نشر مهرآوران آن را در ۱۳۷۸ چاپ کرده و داستان رویارویی فرهنگی پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم با مسیحیت را در این کتاب خواهیم خواند. این کتاب داستانی ذیل یازده فصل با این عناوین نگاشته شده است: ناقوس جنگ، شعار جنگ، اسقفان زیرک، دسیسه شیطانی، راهب شجاع، بشارت مسیح، احمد و فارقلیطا، نخستین آزمایش، جدال اندیشه‌ها، مبارزه مقدس و نماد تمامی اسلام، اهل بیت پیامبر(ص).

گنجینه معارف و تاریخ دینی ما به حدی غنی است که می‌توان میلیون‌ها کتاب و فیلم و اثر هنری تهیه و تولید نمود.

دو چشم آسمانی

موسسه فرهنگی و انتشاراتی گوهر سیاح در مشهد مقدس این کتاب ۶۲ صفحه‌ای را که به خامه مجید سیاحی است، در سال ۱۳۷۹ منتشر ساخته است.

راهی که می‌ماند

سید مهدی شجاعی از موفق‌ترین نویسندگان ما در عرصه تولید کتب دینی با رویکرد داستانی و با قلم ادبی است. این کتاب ۲۸ صفحه‌ای که با تصویرگری محمدحسین صلواتیان همراه است و در سال ۱۳۷۷ توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده را کتاب نیستان در سال ۱۳۸۵ مجدداً منتشر نموده است.

روی دست آسمان: غدیر، مباحله، مناقب امیرالمومنین علیه‌السلام

این اثر ۲۷۸ صفحه‌ای را واحد پژوهش مجموعه دارالصادق اصفهان، تهیه و تنظیم نموده است. کتاب در سال ۱۳۸۹ چاپ شده و طبعا بیت آیت الله صافی اصفهانی در زمینه انتشار آثار مرتبط با مکتب اهل بیت (ع) کوشا بوده و هست.

شخصیات قلقة فی الاسلام

عبدالرحمن بدوی با اینکه شیعه نیست ولی به برخی تجلیات معارفی شیعه و ایران با دیده تحسین می‌نگریست. وی که نویسنده و مترجم بسیار پرفعالیتی بوده در این کتابش سه کتاب از لویی ماسینیون و یک کتاب از هانری کرین فرانسوی

و یک مقاله از یحیی سهروردی را آورده است. یکی از ۳ کتاب ماسینیون همان کتاب مباحله اش است. کتاب در سال ۱۹۹۵م توسط انتشارات سینا در قاهره مصر در ۳۱۰ صفحه منتشر شده است و نفرین دادار هستی بر عدد منحوس ۳۱۰ باد.

گزارش لحظه به لحظه از ماجرای مباحله

از بهترین کتاب های مختصر فارسی در رابطه با مباحله همین کتاب است که چاپ دهم آن در ۱۳۸۸ منتشر شده است و نویسنده اش استاد محمدرضا انصاری است که باید از این مباحله پژوه ارجمند و فرزندش از این حیث، تقدیر و تشکر نمود.

آن روز، روز مباحله

استاد میر ابوالفتح دعوتی ارموی از روحانیون هنرمند و خوش ذوق معاصر این اثر را پیرامون واقعه مباحله پدید آورده است.

از نجران تا مدینه؛ ۹۰ داستان از مباحله پیامبر با مسیحیان نجران

استاد محمد رضا انصاری سه گانه خویش پیرامون مباحله را با این کتاب تکمیل نموده است. کتاب داستان های کوتاهی را در بر دارد و توسط نشر دلیل ما در ۱۱۸ صفحه، در سال ۱۳۸۲ چاپ شده است.

المباحله فی الكتاب والسنة؛ او معجزه الحوار

این اثر تالیف محمد صالح القشعمی البحرانی است.

اهل بیت از دیدگاه فریقین با نگرشی به آیات مباحله و تطهیر

این اثر را خانم کبری خزعلی نوشته است.

این شتر با حوصله/باهاش می‌ریم مباحله

این اثر که داستان مباحله به شعر است را خانم سمانه رضایی پدید آورده و آقای حامد غفاریان تصویرگری نموده است. کتاب در ۱۲ صفحه بوده و در مشهد مقدس توسط انتشارات برکات اهل بیت (علیهم‌السلام) در سال ۱۳۸۶ چاپ شده است.

بررسی تطبیقی آیه مباحله از منظر فریقین

کتاب کنونی را آقای خداداد شمس‌الدینی لری نوشته است.

سه آیه در شأن مولا علی علیه السلام: مباحله، ولایت، تطهیر

این کتابچه از آثار آیت الله ضیاء‌آبادی است که بخشی از آن اختصاص به موضوع مباحله دارد.

مباحله: سند حقانیت شیعه

نویسنده پرتلاش و دانشمند محقق، استاد ناصر باقری بیدهندی (دامت برکاته) این اثر را تالیف و تدوین نموده است و نظربه اینکه ایشان با محققان و فضایی شبه قاره که بسیاری از آنان شاگرد ایشان اند، ارتباط دارد همین اثر به برخی زبان‌های دیگر هم ترجمه شده است.

چه باید کرد؟ در ولایت، مباحله، بعثت و معصوم‌شناسی

کتاب «المراقبات» آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی یک اثر نفیس و برای افراد خواهان رشد معنوی یک کتاب بالینی است. آقای محمد تحریرچی بخش‌هایی از این کتاب را پیرامون چند موضوع از جمله مباحله ترجمه کرده است. چاپ

اول کتاب در ۶۹۸ صفحه در ۱۳۶۵ و چاپ دوم در ۳۲۸ صفحه در ۱۳۷۰ توسط انتشارات رسالت قلم در تهران منتشر شده است.

امامت و عصمت امامان در قرآن: آیه مباهله

آقای رضا کاردان جلد ۴ از مجموعه امامت و عصمت امامان معصوم ما در قرآن را به بررسی آیه مباهله اختصاص داده است. کتاب به فارسی و در ۶۴ صفحه است که توسط نشر دلیل در سال ۱۳۷۹ چاپ گشته است.

امامت و عصمت امامان (ع) در قرآن

مؤلف این اثر آقای رضا کاردان است که چند تک نگاری خویش را در کنار هم قرار داده و با عنوان فوق منتشر ساخته است. وی ۵ جلد کتاب مجزای خویش را که به بررسی آیاتی چون تطهیر، ولایت، اولوالاامر، مباهله و... پرداخته، یکجا در ۳۰۸ صفحه چاپ نموده است. ناشر موسسه فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت(ع) و سال چاپ ۱۳۸۵ است.

قرآن و امامت اهل بیت(ع): تبیین و تحلیل دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت

انتشارات مهر امیرالمومنین(علیه السلام) این کتاب آقای علیرضا عظیمی فر در سال ۱۳۸۸ در ۴۷۲ صفحه منتشر ساخته است. کتاب، شرح و تفسیر شش آیه «قرآن کریم» درباره «امامت اهل بیت (ع)» از جمله آیه مباهله است. هر یک از این آیات، موضوع فصلی از کتاب قرار گرفته که بعد از طرح آیه مربوطه و بحث درباره اسباب نزول آن نظرات مفسران شیعی درباره آیه و دلالت آن بر امامت اهل بیت در آن فصل مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین نظرات اهل سنت در

تفسیر هر یک از آیات مطرح شده و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. نویسنده در آغاز، کلیاتی در عقاید شیعه امامیه و تعریف مفاهیم اساسی بیان کرده است.

صفیر ولایت: شرح زیارت جامعه‌ی کبیره: برکات صلوات و مباحله

مرحوم آیت الله سیدمحمد ضیاءآبادی یکی از علمای اخلاقی تهرانی بود که در روزگار کرونا به رحمت حق پیوست. از سخنرانی ایشان جزوات متعددی در موضوعات متنوع چاپ و منتشر شده است که این اثر مختصر در ۱۶ صفحه این همان موارد است. ناشران اثر دفتر امور فرهنگی بنیاد خیریه الزهراء و بهاران است و چاپ دوم اثر در ۱۳۸۵ بوده است. خیر ارجمند و ولایی، حاج آقا قانع فر، تعداد فراوانی از این جزوات را از تهران برای ما می فرستاد تا رایگان به دست شیعیان حضرت حیدر کرار(علیه السلام) رسانده و عیار دیانت مردم ولایی افزایش یابد.

خورشید عالم‌تاب: مباحله

جلد هشتم مجموعه خورشید عالم تاب که ویژه نوجوانان است به قلم مهدی وحیدی‌صدر و بازنویسی سیدمصطفی موسوی‌گرمارودی با تصویرگری حسین آسیوند توسط انتشارات تاسوعا در ۲۴ صفحه منتشر شده است. چاپ دوم این کتاب در ۱۳۸۸ بوده است.

در این کتاب ۱۱ داستان از زندگانی و معجزات پیامبر اسلام محمد مصطفی(ص) مناسب نوجوانان آورده شده است و اولین داستان این کتاب به مباحله میان پیامبر و مسیحیان شهر نجران اختصاص دارد، مباحله، درخواست لعن و نفرین الهی برای اثبات حقانیت است و بین دو طرفی رخ می‌دهد که هر کدام ادعای حقانیت دارند. مباحله، سوءقصد، وای بر کم فروشان، مال اندوزی، درخت خرما،

غیبت و تهمت، چشم چرانی، آیه دوستی، اجازه ورود، دعای مستجاب و پیشوای رستگاران عنوان داستانهای این کتاب است.

آیه المباحله

آقای رافد تمیمی کتابی را به عربی در ۶۴ صفحه پیرامون آیه مباحله نگاشته است و نشر مشعر آن را در سال ۱۳۹۴ منتشر ساخته است.

عزیزان پیامبر خدا (ص)

یکی دیگر از نمونه کتاب‌های مخصوص کودکان در رابطه با واقعه مباحله کتاب عزیزان پیامبر خدا(ص) است که توسط فاطمه محمدی تهیه و با تصویرگری سمیه بیگدلی منتشر شده است. ناشر زینا و سال چاپ ۱۳۹۱ و تعداد صفحات ۱۲ است. با اینکه در مجموع در گذشته تاریخ بشر و در حال و قاعدتا در آینده نیز در مجموع دانش و فن و هنر مردان بیش از زنان بوده، هست و خواهد بود، ولی وقتی انسان به کتاب‌های مصور مخصوص کودکان می‌نگرد، خوش سلیقگی زنان را در این عرصه بیش از مردان می‌بیند.

...و سرانجام صلیب می‌شکند

آقای نادر فضلی که کتاب داستان مباحله را نوشته و قبلاً آن را معرفی کردیم، کتاب «...و سرانجام صلیب می‌شکند» را با نگاهی مهدوی به ماجرای مباحله تدوین کرده است. چاپ سوم کتاب را انتشارات منیر در ۳۲۴ صفحه چاپ کرده است.

شما آمین بگوئید

این کتاب داستانی مصور ۱۲ صفحه‌ای را عباس رضانی نوشته و لیلا باباخانی تصویرگری کرده است. کتاب بر اساس آیه‌های ۵۹ تا ۶۱ سوره آل عمران یعنی واقعه مباحله است. ناشر کتاب، کتاب تارا در تهران است.

خورشید مدار ۶۶ درجه

محمودرضا فرقانی ورنوسفادرائی در پی روایتی دگرگونه! از مباحله بوده و این اثر را پدید آورده است. کتاب در ۱۳۸ صفحه و توسط نشر نارگل در تهران منتشر گشته است.

الامامة و الولاية فى القرآن الكريم

این اثر به زبان عربی توسط جمعی از مولفان گرانقدر حوزه علمیه قم حضرات آیات سید علی‌اکبر موسوی یزدی، محمد محمدی گیلانی، محمد یزدی، حسین مظاهری، محمدتقی مصباح یزدی و محمدعلی تسخیری در پانزده فصل تنظیم شده و به بررسی موضوع امامت از رهگذر قرآن کریم و سنت شریف با هدف روشن شدن حقیقت و پاسخ‌گویی به شبهه‌های برخی از دانشمندان که منکر وجود آیات قرآنی برای اثبات امامت و ولایت بوده‌اند، پرداخته است. این اثر توسط آقای احمد ناظم به فارسی برگردان و با عنوان امامت و ولایت در قرآن از سوی انتشارات مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، در سال ۱۳۹۷ همزمان با سی و یکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران منتشر شده است.

در فصل نهم کتاب، داستان مباحله پیامبر(ص) با اهالی نجران و دلالت آیه مباحله بر فضیلت اهل‌بیت(ع) و شبهات واردشده پیرامون آن، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

ولاية أهل البيت عليهم السلام فى القرآن والسنة

خانم حسینه حسن الدریب از زیدیان یمن است که توفیق الهی رفیق راهش گشت و به مذهب تشیع اثنی عشری مشرف شد. وی در این کتابش به آیاتی فراوان از جمله آیه مباحله پرداخته است. کتاب توسط مرکز الأبحاث العقائدیة در قم در ۱۴۳۰ق منتشر شده است.

فرهنگ‌نامه مباحله (روشی در رویارویی با دگراندیشان)

دارالحدیث قم با اینکه هنوز هزار راه نرفته دارد، ولی آثار فراوانی را منتشر ساخته است. موسس این نهاد پژوهشی حجت الاسلام محمدی ری‌شهری بود که چند ماه قبل به دیار باقی شتافت. طبعاً چون بسیاری از آثار این مرکز کم یا زیاد برگرفته از میزان الحکمه است، نام موسس در روی جلد اکثر آثار می‌آید. فرهنگ‌نامه مباحله نیز توسط ایشان و آقایان سیدرسول موسوی و حسن فرزندگان تدوین شده و مترجم آن آقای حمیدرضا شیخی و ویراستار، محمد دلال موسوی است. آقای محمد مهدی احسانی فر در برخی حواشی تحقیقی و استنادی اثر سهیم بوده است. چاپ دوم کتاب در ۱۵۲ صفحه در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است.

ولایت و امامت در قرآن

این کتاب به بررسی آیات: ولایت، امانت، تطهیر، مباحله، مودت، صادقین، ابتلا و اکمال می‌پردازد. نویسنده آقای مهدی مقامی و ویراستار غلامرضا محمدزاده و ناشر موسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره در مشهد است و حجم اثر ۱۶۰ صفحه است. چاپ دوم آن در سال ۱۳۹۶ به بازار کتاب وارد شده است.

فضائل و اعمال روز مباحله

روز مباحله دارای فضایل و اعمال و آدابی است که آقای امین اوحدی کتاب بالا را در همین زمینه تدوین نموده است. کتابیه زبان فارسی و توسط انتشارات منیر در تهران چاپ شده است. چاپ سوم اثر در ۸۸ صفحه و در سال ۱۳۹۶ منتشر گشته است.

دعوت مردی که راست می‌گفت

این کتاب ۲۴ صفحه ای داستان مباحله برای بچه هاست. نویسنده آقای ابراهیم محمدحسن‌بیگی و تصویرگر خانم نگین حسین‌زاده و ناشر کتاب جمکران و سال چاپ ۱۳۹۵ است.

شکوه مباحله

بنیاد پژوهشهای اسلامی در مشهد این اثر مختصر ۲۴ صفحه ای را که به قلم آقای حمید امیری است در سال ۱۳۹۷ چاپ نموده است.

ماه ولایت: آشنایی با ایام غدیریه در پانزده روز شاد آسمانی

این اثر را سیدصادق میرشفیعی نوشته و توسط نشر طوبای محبت در ۱۰۲ صفحه در سال ۱۳۹۷ در قم منتشر شده است.

این کتاب خواننده را با ایام غدیر و مهم‌ترین روز شادی اهل‌بیت (ع) که مورد غفلت نیز واقع شده آشنا می‌سازد. در این اثر به بررسی چند حدیث مهم شیعه از جمله سد ابواب و ثقلین نیز پرداخته شده است. مؤلف برای آشنایی بیشتر خواننده با واقعه‌ی غدیر آیه محبت و تبلیغ و شأن نزول این آیات را نیز بیان می‌نماید. مؤلف با تأکید بر این که غدیر یک حماسه است نه یک واقعه، آداب مهم این روز

را نیز بیان کرده با تمسک به آیه ولایت، تطهیر حدیث شریف کساء از سه واقعه مهم تاریخ شیعه غدیر قربان و مباحله صحبت می‌نماید. واعظ شهیر استاد حبیب‌الله فرحزاد مقدمه ای بر این اثر نگاشته است.

مباحله: آثار و شرایط تحقق آن

آیت الله سیدمحمد ضیاءآبادی یک سخنرانی در تاریخ ۲۳ ذی‌الحجه‌الحرام ۱۴۲۲ برابر با ۱۷ اسفند ماه ۱۳۸۰ داشته است که در ۲۶ صفحه با عنوان فوق، به کوشش معاونت فرهنگی جمعیت نیکوکاران منتسب به حضرت ولی عصر(عج) توسط انتشارات بهاران در تهران منتشر شده است.

مباحله

مباحله، رویدادی پرطنین در تاریخ شکوهمند صدر اسلام است که موردتوجه پژوهشگران عرصه‌های مختلف دین، از جمله متکلمان، مفسران، مورخان، محدثان، فقیهان و شاعران قرار گرفته است. این کتاب می‌کوشد با نگاهی به زوایای گوناگون مباحله، تصویری عمومی، زیبا و چندوجهی از آن ارائه دهد.

مؤلف مهدی شریعتی تبار و ناشر بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی در مشهد و ویراستار محمدرضا نجفی و زبان اثر فارسی و سال چاپ ۱۳۹۸ و حجم کتاب ۲۲۸ صفحه است.

مباحله صادقین

آقای سید محمود علوی در این اثر دو آیه نازل شده درباره امامت یعنی آیه ۶۱ سوره آل عمران و آیه ۱۱۹ سوره توبه را با استفاده از منابع اهل سنت شرح و تفسیر

نموده است. کتاب در سال ۱۳۸۳ توسط انتشارات نغمات در قم در ۱۵۲ صفحه چاپ شده است.

نگاهی به تفسیر آیه مباهله

این اثر ترجمه همان کتاب آیه المباهله آیت الله میلانی است که پژوهشی در تفسیر و شان نزول آیه مباهله می باشد. هیئت تحریریه انتشارات الحقایق آن را ترجمه نموده و چاپ سومش در ۱۳۹۸ در ۱۹۲ صفحه منتشر شده است.

در این اثر از منظری تفسیری و روایی و با استناد به روایات تفسیری مندرج در منابع روایی اهل سنت، به بحث درباره شأن نزول آیه مباهله و تطبیق مفاد این آیه شریفه بر فضایل اهل بیت پیامبر اسلام(ص) به ویژه امیرالمومنین علی(ع) پرداخته شده است. نویسنده متن روایات وارد شده در کتب معتبر روایی نزد اهل سنت و دیدگاه عالمان آنها را در مورد آیه مباهله را منعکس کرده و اعتراف و اذعان بسیاری از این عالمان را در نزول این آیه در شأن خمسه طیبه را مورد بحث و بررسی تفسیری و روایی قرار داده است. وی همچنین دلالت این آیه را بر امامت و ولایت امام علی(ع) را بر طبق دیدگاه‌های متکلمان بزرگ شیعه امامیه مانند شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی علم‌الهدی، خواجه نصیرالدین طوسی و برخی دیگر از علمای مشهور اهل سنت در این زمینه بررسی نموده و شبهات مخالفان شیعه را در این رابطه مطرح و پاسخ مستدل شبهات آنان را ذکر نموده است.

پانزده روز با غدیر: روزشمار وقایع قربان تا غدیر و غدیر تا مباهله

فارغ از بحث حج حاجیان، دو عید غدیر و قربان بر تمام مناسبت‌های ماه ذیحجه سایه افکنده اند. در حالی که زیننده است به وقایعی دیگر از جمله واقعه

بسیار پراهمیت مباحله بیشتر عنایت و التفات و توجه داشته باشیم. آقای محمد صدری روزشمار وقایع قربان تا مباحله را با محوریت عید سعید غدیر در ۶۴ صفحه تدوین نموده و انتشارات عطر عترت در قم آن را در سال ۱۳۹۰ منتشر کرده است.

نفس نفیس در مباحله

این کتاب ۱۷۸ صفحه ای که نامی بس زیبا دارد را آقای هادی آصفی نگاشته و با تصحیح عباس تفکری آرانی و تقریظ محمدرضا سنگری توسط انتشارات منیر در تهران در سال ۱۳۹۵ چاپ شده است.

چند گفتار: عترت، مباحله، غدیرخم...

وزش موج تسنن گرایی و تمایلات وهابی گری به ویژه از زمان رضاخان پهلوی شروع شد و معروف است که افرادی چون سنگلجی و قلمداران و ابوالفضل برقی کم یا زیاد به این موج سیاه انحرافی افتادند. در اصفهان بیش از همه سیدمحمدجواد موسوی غروی مبلغ این مرام بود و در آثارش به تضعیف ولایت می پرداخت. کتاب چند گفتار وی با ویراستاری پسرش علی اصغر، در ۳۶۰ صفحه توسط نشر نگارش در تهران چاپ شده است و مملو از مطالب غلط و نادرست است.

آثار منتخب جشنواره ادبی مباحله

در سال ۱۳۹۵ جشنواره ادبی مباحله به همت بنیاد مباحله و با همراهی حوزه هنری سازمان تبلیغات برگزار شد و حاصل آن دریافت اشعار و متون ادبی فراوانی بود. دبیر جشنواره آقای علی انسانی بود و کتاب کنونی منتخب آثار همانجشنواره است که با ویراستاری محمود حبیبی کسبی چاپ شده است. ناشر، سوره مهر و سال چاپ همان سال ۹۵ است.

فصل دوم: کتاب‌ها ❖ VI

این کتاب ۱۱۶ صفحه‌ای شامل ۳۷ قطعه شعر و ۹ قطعه نثر ادبی است. از شاعران نام‌آشنای حاضر در این مجموعه می‌توان این افراد را نام برد: محمدعلی مجاهدی، علی انسانی، غلامرضا سازگار، عباس خوش‌عمل کاشانی، علی فردوسی، پیمان طالبی، الهام عمومی، نغمه مستشار نظامی، مطهره عباسیان، هاشم کرونلی، عالیه مهرابی و



فصل سوم:
پایان نامه ها



درآمد

پایان نامه های فارسی و عربی و انگلیسی و اردو پیرامون مباحثه فراوان است که در این بخش چند مورد که برخی از آنها نیز مانند بعضی از کتابهایی که معرفی شود، رویکردی عام داشته و بخشی از آن مختص مباحثه است، معرفی می شود. نظریه اهمیت واقعه مباحثه از یک سو نیز تنوع و وسعت شبهاتی که پیرامون مباحثه مطرح شده، غالباً هم از سوی اهل سنت این شبهات مطرح شده و می شود، ظرفیت پایان نامه و رساله ها پیرامون مباحثه بالغ بر چند هزار مورد می تواند باشد.

مباحثه از نظر قرآن و حدیث

نویسنده : اعظم جمال آبادی

استاد راهنما : صدیقه رضایی

استاد مشاور : حسین لطیفی

دانشگاه : حوزه علمیه خراسان

واحد : مدرسه علمیه بلاغ مشهد

آیه مباحثه یکی از آیاتی است که دلالتش بر امامت و عصمت ائمه و اهل بیت پیامبر (ص) واضح و روشن می باشد. این آیه در عین این که تفسیر و تبیین خویش را از حضرت مسیح (ع) بیان می نماید، واقعیت عمیقتری را نیز بیانی می کند و چهره حقیقی خاندان عصمت و طهارت (ع) را باز می نماید. در این تحقیق سعی و تلاش شده است با بهره گیری از منابع موجود، به تفسیر و تبیین برخی از زوایای پنهان و آشکار این آیه دست یابند. تحقیق حاضر درشش فصل به نگارش درآمده است: فصل اول: طرح آیه مباحثه و مورد بررسی قرار دادن از جهات مختلف (واژگان، شأن نزول، مفردات و ...) فصل دوم: معرفی نجران و بررسی آن از لحاظ

فرهنگی، اقتصادی، سیاسی. فصل سوم: اشاره به چگونگی وقوع مباحله، بین پیامبر و اهل بیتشان با مسیحیان نجران فصل چهارم: بررسی آیه مباحله از دیدگاه و منظر شیعه. فصل پنجم: بررسی آیه مباحله از دیدگاه و منظر اهل سنت. فصل ششم: مورد بررسی قرار دادن واژه «لعن» و «ست»، از لحاظ ادبی، لغوی، قرآنی و روایی.

تحلیل محتوای روایات مباحله

پدیدآور: راضیه فهیمی

کارشناسی ارشد/۱۴۰۰

رشته: الهیات و معارف اسلامی

استاد راهنما: فتحیه فتاحی زاده - زهرا صرفی

دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده الهیات

مباحله از ریشه بهل به معنای لعنت کردن است و به ماجرای در صدر اسلام اشاره دارد که در آن مسیحیان نجران بعد از پذیرش دعوت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به مباحله، در روز موعود یعنی ۲۴ ذی‌الحجه سال نهم هجری از مباحله خودداری کردند و تن به مصالحه دادند. آیه ۶۱ سوره آل عمران درباره مباحله است و روایات بسیاری در منابع اسلامی در این موضوع وارد شده است. به‌رغم انتشار پژوهش‌های مختلف در این زمینه، با توجه به اهمیت آن هنوز نیازمند پژوهش‌های جامع‌تر و دقیق‌تری است. از این‌رو پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوا، روایات مباحله را بدون هیچ پیش‌فرض ذهنی و با نگاهی دقیق موردبررسی قرار می‌دهد. برای استخراج روایات به منابع روایی متقدم فریقین مراجعه شده است. در میان منابع دو اثر اختصاص و ارشاد شیخ مفید به جهت اتقان

منبع، تقدم زمانی و تفصیل در بیان روایت مباحله، اصل قرار داده شدند. مضامین اصلی استخراجی در اختصاص ۸۷ مورد و در ارشاد ۴۷ مورد بوده که در یک دسته‌بندی کلی مضامین مشابه ذیل یکدیگر قرار گرفته و به‌طور کلی ۲۴ محور اصلی در روایات مباحله ارائه گردیده است که پنج مورد از مهم‌ترین و پرتکرارترین آن‌ها عبارت‌اند از: ویژگی‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در آموزه‌های مسیح، دیدگاه مسیحیت و اسلام در باب مقام عیسی علیه‌السلام، اوصاف اهل‌بیت علیه‌السلام، عواقب مباحله، مفاد صلح‌نامه. با توجه به محورهای مذکور مباحله تصدیقی بر سه اصل اعتقادی توحید، نبوت و امامت است. فلسفه وجودی مباحله به سبب اثبات اصل اساسی توحید است زیرا امر به مباحله به جهت نگاه شرک‌آلود مسیحیان نسبت به مقام عیسی علیه‌السلام اتفاق افتاد. همچنین مباحله با توجه به اهمیت جایگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تصدیقی بر نبوت ایشان به حساب می‌آید و با توجه به ذکر اهمیت حضور اهل‌بیت در عرصه مباحله و تطبیق امیرالمؤمنین به‌عنوان جان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در قرآن می‌توان مباحله را جریانی پراهمیت در اثبات امر ولایت حضرت علی علیه‌السلام دانست.

نقد و بررسی دیدگاه قاضی عبدالجبار پیرامون آیه مباحله

پدیدآور: سجاد رضاپور

کارشناسی ارشد / ۱۳۹۵

رشته: علوم انسانی

استاد راهنما: محمدهادی مفتاح

دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی

قاضی عبدالجبار یکی از مفسرین اهل سنت با گرایش اعتزالی است. وی درباره ی آیه مباحله دیدگاه خاصی را مطرح می کند مبنی بر اینکه علی بن ابی طالب علیه السلام در جریان روز مباحله حضور نداشته است. لذا در این پایان نامه که به روش توصیفی - تحلیلی به نگارش در می آید به نقد دیدگاه وی در خصوص عدم حضور امیرالمومنین علیه السلام در روز مباحله پرداخته شده است و مهمترین دست آورد آن، این است که تنها کسی که نظر قاضی عبدالجبار را تایید نموده رشید رضا در المنار می باشد و دیگر مفسرین فریقین بر حضور امیرالمومنین در جریان روز مباحله اتفاق نظر دارند هرچند در رابطه ی مصداق " انفسنا " اختلاف نظرهایی مشاهده می گردد. از سویی دیگر مورخین نیز در منابع تاریخی ادله ی مستندی در رابطه با حضور امیرالمومنین در روز مباحله ارائه داده اند و نیز محدثین فریقین به این امر تاکید داشته اند و احادیث فراوانی در کتب حدیثی فریقین در این باره مشاهده می گردد.

نقد و بررسی شبهات رشید رضا درباره آیه مباحله در تفسیر المنار

پدیدآور: سیدغلام حسینی

کارشناسی ارشد/۱۳۹۳

رشته: الهیات و معارف اسلامی

استاد راهنما: غلامحسین اعرابی

دانشگاه قم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

در قرآن کریم آیات متعددی به مسأله امامت، ولایت و فضیلت اهل بیت(علیهم

السلام) پرداخته است از جمله آیه شریفه مباحله که می توان از آن برای اثبات

فضیلت اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) مخصوصاً برای امامت، ولایت و جانشینی حضرت علی(ع) استدلال کرده که نه تنها شیعه بلکه علماء و دانشمندان اهل سنت قائلند که این آیه درباره اصحاب مباحله یعنی پیامبر امیرالمؤمنین و فاطمه الزهراء حسن و حسین (علیهم السلام) می باشد و به این فضیلت بزرگ برای اهل بیت(علیهم السلام) اعتراف و اقرار دارند و به بیان جایگاه رفیع امامت و ویژگی های امام استناد جسته اند. در مقابل برخی از مفسران اهل سنت از جمله رشید رضا در تفسیر المنار به طرح شبهاتی در زمینه استدلال و ادله مطرح شده به این آیات پرداخته اند. ما در این رساله در ضمن هفت فصل به کلیات، تفسیر المنار و جایگاه رفیع امامت و ولایت پرداخته و آیات و وجوه مورد استناد شیعه را بیان کرده و شبهات ایشان را نقد و بررسی خواهیم کرد. فصل اول: به کلیات و بحث های کلی اختصاص دارد. فصل دوم: تفسیر المنار، مکتب تفسیری، شخصیت رشید رضا فصل سوم: ادله امامت، ولایت امام علی(علیه السلام) و فضیلت اهل بیت(علیهم السلام) در قرآن و روایات فصل چهارم: آیه شریفه مباحله در روایات و کتب تفسیری فصل پنجم: نقد و بررسی شبهات رشید رضا در مورد آیه شریفه مباحله فصل ششم: نکات تفسیری، نتایج و ویژگی های اعجاز مباحله فصل هفتم: نتیجه گیری لازم به ذکر است در پاسخ گویی و نقد و بررسی شبهات رشید رضا از تفسیر گرانسنگ و شریف المیزان بیشترین بهره برده شده است.

تحلیل و بررسی جایگاه اهل بیت (ع) در آیات مباحله، علم الکتاب و اعتصام در آثار علامه مجلسی(ره)

پدیدآور: سید مسرت عباس رضوی

کارشناسی ارشد/۱۳۹۷

رشته: الهیات و معارف اسلامی - تاریخ اهل بیت (ع)

استاد راهنما: محمدمهدی قائمی امیری

جامعه المصطفی العالمیه

شناخت اهل بیت(ع) از مهم ترین ضرورت های شناختی درباره دین و نیز لازمه دینداری است چرا که اهل بیت(ع) عدل قرآن و تمسک به آنان جز ضروریات و اعتقاد همراه شناخت آنان از ویژگیهای شیعه است. قرآن کریم که منبع اصلی و ثقل اکبر است در این زمینه طی آیات متعددی به لزوم اعتصام به آنان نیز مقامات اهل بیت(ع) پرداخته است که توجه به این آیات بعنوان منبع مورد اتفاق همه مسلمین بسیار حایز اهمیت و راهگشا جهت سعادت مسلمین است. علامه مجلسی(ره) بعنوان محدثی بزرگ در تاریخ شیعه، در برداشت از این آیات، با توجه به روایات وارده در این باب، سهم بسزایی در فهم آیات دارد. لذا تلاش این تحقیق بر آنست که از آیات مباحله، علم الکتاب و اعتصام، با تکیه بر آراء علامه مجلسی(ره) و نیز روایات وارده در این باب به تحلیل و تبیین جایگاه و شئون اهل بیت(ع) بپردازد و در این میان شبهه ها و پاسخ های آن نیز مد نظر بوده است.

بررسی شأن نزول آیات پیرامون مسیحیان نجران و آیات مباحله با تأکید بر تفسیر «منهج الصادقین» ملا فتح الله کاشانی(ره)

پدیدآور: ابوالفضل وحیدی آرانی

کارشناسی ارشد/۱۳۹۸

رشته: الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث

استاد راهنما: رحمت الله عبدالله زاده آرانی

استاد مشاور: محمدحسن صانعی پور

دانشگاه پیام نور استان اصفهان، مرکز پیام نور آران و بیدگل

تفسیر گران سنگ «منهج الصادقین فی الزام المخالفین» اثر ملافتح الله کاشانی(ره) یکی از جامع ترین تفاسیر روایی شیعه است که در قرن دهم هجری به زبان فارسی و عامیانه پسند و در فضایی که سلاطین صفوی زمینه های رشد افکار شیعی را ایجاد نموده بودند، به رشته تحریر درآمده است. این تفسیر علاوه بر استفاده از مصادیق و سیاق آیات قرآن، از احادیث و روایات شأن نزولی که از سوی پیامبر(صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم(علیهم السلام) وارد شده بود نیز استمداد جسته است. این تحقیق و پژوهش درصدد بیان اهمیت نقش اسباب و شأن نزول آیات الهی بطور اعم و اخص در مباحث تفسیری از دیدگاه مؤلف و نگرش دیگر مفسران متأخر و متقدم، است. لذا به منظور تبیین مواضع و تشریح دیدگاه ملافتح الله کاشانی(ره) در خصوص جایگاه اسباب و شأن نزول در مباحث تفسیری قرآن، بحث خود را در زمینه مصداقی از آیات ۵۹ تا ۶۰ سوره مبارکه آل عمران که موضوع ورود مسیحیان نجران به مدینه و گفتگوی ایشان با پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) و نقطه نظراتشان راجع به چگونگی خلقت حضرت عیسی(علیه السلام) و آدم(علیه السلام) و انجام جدال احسن و همچنین شأن نزول آیه مباحله، ارائه می نماید. در تحلیل این آیه نیز ضمن بیان اهداف مباحله که خود یک معجزه بود، شأن نزولی را برای فضایل والای اهل بیت(علیهم السلام)، با تأکید بر دیدگاه تفسیری ملافتح الله کاشانی(ره) در «منهج الصادقین فی الزام المخالفین» و تطبیق و تحلیل دیدگاه ایشان با دیگر مفسران شیعه و سنی پرداخته شده است. روش اجرائی این تحقیق، توصیفی-تحلیلی بوده که مطالب آن با بهره گیری از روش کتابخانه ای و از طریق مراجعه به کتب مربوطه و مقالات و سراچه ها و آثار تفاسیر قرآن کریم و سایر آثار مکتوب، تنظیم و تدوین شده است.

بررسی تطبیقی مباحله پیامبر (ص) با مسیحیان نجران (۱۰هـ- ۶۳۹م) در دو فرقه تشیع و تسنن

پدیدآور: کمال الدین غراب

کارشناسی ارشد/۱۳۸۸

رشته: علوم انسانی

استاد راهنما: محمود مهدوی دامغانی

استاد مشاور: صادق واحدی فرد

دانشگاه پیام نور (وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری)

فعالیت های دینی و اجتماعی پیامبر پس از هجرت

نویسنده: رقیه آل خانیان

استاد راهنما: احمدی طایفه مریم

استاد مشاور: روح افزائی ژیللا

دانشگاه: حوزه علمیه خراسان

واحد: مدرسه علمیه الزهراء(س) - بجنورد

در این نوشته مطالبی با عنوان فعالیت های دینی و اجتماعی پیامبر (ص) پس از هجرت در دو بخش با اسامی بخش اول: فعالیت های اجتماعی پیامبر (ص) پس از هجرت و بخش دوم: فعالیت های دینی پیامبر (ص) پس از هجرت به نگارش آورده شده است. که هر بخش شامل چندین فصل است که عبارتند از: در بخش اول پنج فصل با اسامی فصل اول: در مورد مسجد به عنوان پایگاه اجتماعی است که شامل ساخت مسجد و خانه های اطراف آن خبری از آینده عمار، فضیلتی از علی (ع) می باشد. فصل دوم: پیوند اخوت و برادری و زمان و مکان این پیمان را

مشخص می کند و آنکه تعیین افراد برای پیمان برادری از سوی رسول خدا (ص) می باشد و اسامی گروهی از افراد شرکت کننده در آن بیان شده و فهرست گروهی مهاجرین و انصار را که با هم پیمان برادری بستند در جدولی مخصوص آمده و در پایان به آثار و پیامدهای مثبت این پیوند وحدت آور اشاره شده است. فصل سوم: درباره کنترل دشمنان است که در آن به قتل مفسدی به نام سلام بن ابی الحقیق به وسیله جان خزرج اشاره شده است و دوراندیشان قریش به دنبال پناهندگان در سرزمین حبشه می گردند و همچنین پیامبر دستور تأدیب قاتلان معلمان قرآن را می دهد و غزوه «ذی قرد» و بازگشت به مدینه و نذر نامشروع یک زن مسلمان و گفتار پیامبر (ص) در آن آمده است. فصل چهارم: اشاره به قراردادهای پیمان هایی که پیامبر مقابل می بستند از جمله بیعت رضوان و صلح حدیبیه که اشاره به متن پیمان و مواد برجسته آن شده و همچنین بیعت زنان و مردان قریش با پیامبر (ص) پس از فتح مکه که هند وحشی قاتل عمومی پیامبر نیز جزء آنها بود. فصل پنجم: شامل فلسفه جهاد در اسلام و آثار دنیوی اخروی آن است که از جمله آثار دنیوی آن عزت و سرافرازی و حیات و تحرک و تقویت روحیه خودکفایی و جداشدن حق از باطل و انسجام و وحدت ملی و شناخت دوست از دشمن و پیروزی است به آنها اشاره شده و آثار معنوی و اخروی آن که شامل حیات معنوی، نجات از عذاب الهی، بخشش گناهان، ورود به بهشت، قرب پروردگار است به آنها اشاره شده و در آخر به نمونه هایی از جهاد پیامبر (ص) تحت عنوان غزوه و سریه اشاره شده که شامل غزوه بدر، جنگ احد، غزوه خندق یا «احزاب»، غزوه خیبر، سریه عمرین کعب و حارث بن عمیر، جنگ مؤته، فتح مکه، بنی قینقاع، حمراءالاسد، جنگ تبوک به عنوان آخرین غزوه پیامبر (ص) می باشد. بخش دوم شامل هفت فصل می باشد؛ فصل اول: مراعات امور مربوط به حاکم دینی و عظمت در اخلاق را در

بر دارد که شامل حسن خلق، رسول زاهد، صبر و استقامت. فصل دوم: دعوت جهانی به اسلام که اسلام را دینی جهانی برشمرده و پیامبر برای این اقدام نامه هایی به سران کشورهای مختلف فرستاده که از آن میان نامه پیامبر به خسرو ایران و فرستادن سفیری به سرزمین روم اشاره شده است. فصل سوم: به بیان داستان تغییر قبله پرداخته و در ابتدا حقیقت قبله را بیان کرده و سپس اشاره به درخواست پیامبر برای تجدید قبله از سوی خداوند را دارد و به بیان اینکه چرا کعبه قبله مسلمانان شد و به یک کرامت علمی از پیامبر اشاره شده و اینکه کعبه قبله گاه مدینه تنها نیست. فصل چهارم: اشاره به کوبیدن سنت های غلط و جاهلی دارد که تحت داستانی از زید پسر خوانده پیامبر اکرم (ص) بیان شده که ابتدا زید را پسر خوانده پیامبر (ص) معرفی کرده سپس پیامبر (ص) با مطلقه او ازدواج می کند و در پایان به توضیح آیاتی که در این زمینه نازل گردیده و رفع شبهه از آنها می پردازد. فصل پنجم: دعوت به مباحله همراه با نزول آیه مباحله از سوی پروردگار است که با حضور نمایندگان نجران در مدینه همراه بود و به شرح داستان آن و حضور پیامبر با اهل بیتش و شکست نجرانیان اشاره دارد. فصل ششم: داستان حجه الوداع و حرکت پیامبر (ص) به مکه جهت انجام مراسم حج و انجام مراسم و سپس بازگشت رسول خدا (ص) و داستان غدیر خم که در برگرفته اعلان نزول پیک وحی برای معرفی امامت و علل صبر و انتظار پیامبر (ص) برای اعلان آیه مورد نظر و معرفی امامت و اعلام ولایت عمومی و جهانی امیرالمؤمنین علی (ع) و در نهایت یادآوری لیاقت های علی (ع) برای امامت. فصل هفتم: به بیان احتیاط های اساسی پیامبر با تجهیز سپاه اسامه داشتند و در خواست قلم و دوات برای نوشتن مطالبی که با جلوگیری مخالفان ولایت نانوخته ماند و به بیان سخنرانی ها و هشدارها از فتنه ها و معرفی دو اصل جاودانه و معرفی علی (ع) و قرآن و

جلوگیری از نقشه های سیاسی می پردازد که در انتهای فصل به داستان رحلت پیامبر در حالی که علی (ع) و فاطمه (س) در کنار بستر پیغمبر بودند اشاره شده. امید است مورد توجه حضرت حق قرار گیرد.

پاسخ به شبهات آلوسی بغدادی در زمینه آیات نازل در شأن اهل بیت (ع)

نویسنده: مسعود فکری

استاد راهنما: محمد هادی معرفت

مقطع : کارشناسی ارشد

استاد مشاور : رضا استادی و علی اکبر غفاری صفت

رشته : الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

دانشگاه : امام صادق (ع)

هدف از این پژوهش، بررسی شبهات آلوسی بغدادی در زمینه آیات نازل در شأن اهل بیت علیهم السلام است. پایان نامه حاضر با استفاده از روش کتابخانه ای انجام یافته و مباحث آن در چهار بخش عمده تنظیم شده است. بخش اول با عنوان کلیات، مشتمل بر دو بحث است. معرفی آلوسی و تفسیر روح المعانی و بحثی درباره شأن نزول. بخش دوم به امامت خاصه در قرآن از نظر آلوسی اختصاص دارد و طی آن سخنان آلوسی در تفسیر چهار آیه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. آن آیات عبارتند از: آیه مباهله، آیه ولایت، آیه تطهیر و آیات مربوط به غدیر خم. بخش سوم به سخنان آلوسی در تفسیر آیاتی که حاکی از فضایل اهل بیت علیهم السلام می باشد اختصاص دارد. این بخش مشتمل بر دو فصل است. فصل اول ویژه آیاتی است که آلوسی در ذیل آنها به استدلال می پردازد و

فصل دوم آیاتی را مد نظر قرار داده است که آلوسی بدون استدلال آنها را رد کرده است. بخش چهارم به اعترافات آلوسی به فضایل اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد و این اعترافات را طی دو فصل (فضایل خاص و فضایل عام) نقل کرده است. نگارنده در خاتمه پایان نامه با استناد به حدیث ثقلین، بر تلازم قرآن و عترت تاکید کرده است.

آیه مباحله و مباحث کلامی آن

نویسنده: محمدعلی محسنی گلپایگانی

استاد راهنما: محمد باقر حجتی

کارشناسی ارشد/ ۱۳۸۰

رشته: الهیات

دانشگاه: دانشگاه تهران

در این نوشتار، ضمن بیان مباحث لغوی و تفسیری آیه مباحله، و آیه قبل از آن (یعنی: آیات ۵۹، ۶۰ و ۶۱ سوره آل عمران)، مطالب زیر اثبات شده است:

۱- قضیه مباحله در ۲۴ ذیحجه سال نهم هجری اتفاق افتاده است.

۲- حقانیت اسلام، و نبوت حضرت محمد(ص)، و نیز بطلان عقاید مسیحیان

در مورد الوهیت حضرت عیسی(ع)

۳- به اجماع و اتفاق نظر دانشمندان اسلام، و روایات متواتر شیعه و سنی، تنها

مصدق آیه مباحله، حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین(ع) می باشند؛ و بر این

اساس، مصداق «أبناءنا» در آیه شریفه، امام حسن و امام حسین(ع)، و مصداق

«نساءنا» حضرت فاطمه(س)، و مصداق «أنفسنا» حضرت امیر المؤمنین علی(ع)

می باشد. بنابراین، در آیه مباحله، امام حسن و امام حسین(ع)، فرزندان رسول

خدا(ص) محسوب شده اند؛ و روایات فریقین، و استناد ائمه اطهار(ع) نیز همین مطلب را تأیید می کند. - و حضرت فاطمه(س)، یگانه زن برگزیده خدا و رسول او(ص)، و سیده زنان امت، بلکه با توجه به روایات فریقین، سیده و بانوی بزرگوار زنان جهان، و زنان بهشت است. - و حضرت علی(ع) به منزله نفس پیامبر بوده، و در کمالات و صفات ذاتی، مثل خود پیامبر(ص) می باشد؛ و به موجب همین آیه شریفه، تمام مقامات رسول خدا(ص) منهای آنچه دلیل آن را خارج نماید (مثل نبوت و خاتمیت و نزول وحی)، برای امیرالمؤمنین علی(ع) نیز ثابت است.

۴- حضرت علی(ع)، افضل و برتر از همه صحابه پیامبر(ص)، بلکه برتر از همه انبیای گذشته و فرشتگان می باشد؛ و روایات متفق علیه فریقین، و استناد خود ائمه اطهار(ع) نیز همین مطلب را تأیید می کند.

۵- همچنین در این رساله، به بعضی از اشکالات و شبهات مخالفان پیرامون آنچه بیان گردید، پاسخ داده شده است.

۶- دلیل جواز مباحله برای افراد با صلاحیت، و کیفیت و زمان انجام آن از زبان امامان(ع) بیان گردیده، و نمونه ای از شیعیان که در مورد امامت با مخالف خود مباحله کرده است، و خداوند توانا، آن مخالف را به عذاب عاجل مبتلا ساخت، ارائه شده است.

تفسیر تطبیقی آیه مباحله و شبهات جدید

نویسنده: گلزار احمد جعفری

استاد راهنما: محمد فاکر میبیدی

کارشناسی ارشد/ ۱۳۸۴

استاد مشاور: احمد مرادخانی

رشته: علوم قرآن و حدیث

دانشگاه: جامعه المصطفی

این تحقیق با موضوع «تفسیر تطبیقی آیه مباحله و شبهات جدید» از چهار بخش کلی تشکیل شده است: بخش اول: تبیین اجمالی آیه مباحله این بخش از چهار فصل تشکیل شده و مهم‌ترین لغات، سیاق و شأن نزول آیه مباحله، مسئله تثلیث و عقیده مسیحیان درباره الوهیت مسیح را مورد بررسی قرار داده است. بخش دوم: در این بخش پس از ذکر یک مقدمه، روایات مذهب اهل بیت (علیه السلام) و اهل سنت در چهار فصل دسته بندی شده است: فصل اول: روایات مربوط به شأن نزول آیه مباحله. فصل دوم: روایاتی که آیه مباحله را مربوط به اهل بیت می‌داند. فصل سوم: احتجاج کنندگان به آیه مباحله درباره افضل بودن اهل بیت (علیه السلام). فصل چهارم: اثبات افضل بودن ولایت حضرت علی (علیه السلام). بخش سوم: آیه مباحله نزد مفسران فریقین در این بخش، نخست نگاه مفسران بزرگ و معروف مذهب اهل بیت (علیه السلام) همچون (شیخ طوسی، علی بن ابراهیم قمی، محسن فیض کاشانی، هاشم بحرانی، علامه طباطبائی و...) و سپس آرای مفسران بزرگ و معروف اهل سنت از قبیل، (محمد بن جریر طبری، محمد بن احمد قرطبی، ابن کثیر دمشقی، جلال الدین سیوطی و الوسی) مورد بررسی قرار گرفته است. بخش چهارم: نقد و بررسی مهم‌ترین شبهات و پرسش‌های مربوط به آیه مباحله در این بخش با مراجعه به کتب تفسیری، حدیثی و اعتقادی به چند شبهه و سؤال در مورد آیه مباحله، پاسخ داده شده است.



فصل چهارم: مقالات



درآمد

مقاله از جهتی بر کتاب ترجیح دارد. زیرا حجم مقاله کمتر است و باید زبده تر در آن نوشت. علت دوم به روز بودن مقالات نسبت به کتاب نویسی است. همچنین معمولاً نویسندگان مقاله افرادی غیر از صاحبان نشریات هستند. از این رو باید طبق ضوابط نشریه و مجلات و روزنامه‌ها مقاله بنویسند و آزادی نگارش در صفحات کتاب را ندارند. به ویژه با پدید آمدن مجلات دارای رتبه علمی، نگارش مقاله سخت تر از قبل نیز شده است.

در این فصل تعدادی از مقالاتی که در رابطه با موضوع مباحله نوشته شده را معرفی می‌کنیم و در ذیل اغلب آنها چکیده مقاله یا بخشی از آن را می‌آوریم و گاهی هم به زندگی نامه برخی نویسندگان اشاره ای خواهیم داشت. به ندرت برخی مقالات مخطوط را نیز یاد می‌کنیم. در یادکرد مقالات نظام الفبایی رعایت شده و ترتیب آوردن آثار بر اساس زمان چاپ مد نظر نبوده است.

روشن است که مقالات نوشته شده پیرامون مباحله، افزون بر این مقدار است و بسیاری از آنها هنوز نمایه نشده اند و نیز مقالاتی در این راستا به زبان های غیرفارسی هم داریم که جمع آوری همه آنها حتمی تواند دستمایه تالیف کتابی با عنوان «مقاله شناسی مباحله» شود.

آراء تفسیری مفسران معاصر پیرامون آیه مباحله

نویسندگان: محمدجواد نجفی و سید محمدتقی موسوی کراماتی

مطالعات تفسیری، سال ششم بهار ۱۳۹۴ شماره ۲۱.

چکیده

مفسران معاصر از شیعه و سنی در نگرش تفسیری خود از جنبه های مختلف تاریخی، ادبی، کلامی و حقوقی آیه مباهله را مورد توجه قرار داده اند که هر کدام با هدف اثباتی و انکاری آن را در رهیافت و نتایج متنوعی، معناشناسی نموده اند. در این مقاله کوشش شده با یک رویکرد کاملاً تطبیقی آراء مفسران معاصر در بحث های مختلف به ویژه اعتقادی جمع آوری شود و نوع نگرش و تحلیل آنها مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. بررسی ها نشان می دهد که مفسران از شیعه و اهل سنت طیفی از دیدگاه های گوناگون را مطرح کرده اند که بخشی از آنها قابل جمع است و بخش دیگری از آن در طول یکدیگرند و اختلاف های کلامی نتوانسته همگرایی در برخی زمینه های دیگر را منتفی کند. همچنین برداشت از آیه منحصر به ابعاد کلامی نیست بلکه زمینه رهیافت های اجتماعی و حقوقی نوینی هم وجود دارد که می تواند مورد وفاق قرار گیرد و در یک نگرش انتقادی، میزان استواری و سستی آنها بر پایه معیارهای سه گانه تاریخ، ادب و کلام سنجیده شود.

آیه مباهله، سند افتخار

نویسنده: شمس الله صفرلکی

فرهنگ کوثر ۱۳۷۸ شماره ۲۵

آیه مباهله و امامت علی (ع)

نویسندگان: زهرا امرایی؛ محمدجواد رضایی ره،

پژوهش های ادیبانی، بهار ۱۳۹۲ - شماره ۱.

چکیده:

آیه شصت و یکم سوره آل عمران که در جریان مباهله پیامبر با مسیحیان نجران نازل شده و مشهور به آیه «مباهله» است، از روشن ترین دلایل قرآنی بر

فضیلت اهل بیت عصمت و به ویژه امیر مومنان (ع) است. در این آیه آمده است: «... فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله على الکذبین». علمای شیعه، به اتفاق، با استناد به قرائن درون متنی و برون متنی مصداق «انفسنا» را علی (ع) به تنهایی یا محمد (ص) و علی (ع) می دانند. اما دانشمندان سنی در این باره اختلاف نظر دارند. بخش اعظم آنها با توجه به روایات مربوط به شان نزول آیه هماهنگ با دانشمندان شیعه، مصداق آن را علی (ع) به تنهایی یا پیامبر (ص) و علی (ع) شمرده اند. شیعیان به موجب این آیه علی (ع) را برترین انسان پس از پیامبر اکرم (ص) دانسته و به همین دلیل با حضور او احدی را شایسته رهبری امت اسلام نمی دانند، همان طور که با حضور شخص پیامبر کسی را شایسته رهبری نمی دانند. پاره ای از دانشمندان سنی با این استدلال مخالفت کرده و شبههاتی درافکنده اند. در این مقاله این دیدگاهها به تفصیل طرح شده و پاسخ شبهات مخالفان عرضه شده است.

ابعاد و زوایای تاریخی - تربیتی مباهله

نویسنده: ابراهیم صالحی حاجی آبادی

وضعیت چاپ : چاپ نشده

داستان مباهله، تنها یک حقیقت تاریخی صرف نیست، بلکه با تامل و دقت در آن می توان اصول و مبانی تربیتی مهمی را از آن استخراج کرد، مبانی تربیتی مهمی که جامعه ای اسلامی برای پیشرفت و نهادینه کردن اصول خود به این امور تربیتی نیاز مبرم دارد. اموری که نه تنها توسط پیامبر اسلام -صلی الله علیه و آله- که برخی از آنها نیز توسط بزرگان نجران رعایت و مورد پذیرش و عمل قرار گرفت و اینگونه توانستند شهر و دین خود را از انقراض و نابودی نجات دهند. در

این مقاله ده اصل از اصول تربیتی و مهم از جمله انعطاف پذیری، تقدم مصلحت عموم بر مصلحت فرد، فرصت برای انتخاب، احترام به باورها و اعتقادات مخالفین، انصاف داشتن و ... مورد توجه قرار گرفته است، اصولی که در جامعه‌ی اسلامی یا مغفول مانده یا نیازمند بازخوانی و باز سازی جدی است.

اثبات و حقانیت اهل بیت پیامبر علیهم السلام در مباحله

آیت الله جوادی آملی.

منبع : javadi.esra.i

امامت در آیه مباحله از دیدگاه امامیه و اشاعره

نویسندگان: محمد معینی فر و لیلاسادات داوودی.

پژوهش نامه مذاهب اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، دوره ۵، شماره ۱۰.

چکیده:

آیه مباحله یکی از مهم ترین آیات قرآنی است. این آیه که درباره مباحله مسلمانان با مسیحیان نجران است، هم حقانیت پیامبر(ص) را ثابت و هم رفعت، مقام و علو درجه اهل بیت را بیان می کند. به همین دلیل علما و مفسران بسیاری از مذاهب مختلف اسلامی درباره این آیه بحث کرده اند. با توجه به اهمیت موضوع، در این مقاله آیه مباحله به روش توصیفی تحلیلی از دیدگاه امامیه و اشاعره بررسی شده است. از مهم ترین یافته های این تحقیق این است که اشاعره و امامیه بر حضور حسنین، حضرت فاطمه و علی(ع) در مباحله و دلالت «ابنائنا» بر حسنین و «نساءنا» بر فاطمه زهرا(س) اذعان دارند. همچنین امامیه و بیشتر علمای اشعری مصداق «انفسنا» را علی(ع) می دانند؛ ولی بعضی از اشاعره آن را سبب افضلیت ایشان نمی دانند و در مورد افضلیت امام دو دسته شده اند: ۱. تقدیم در خلافت،

تقدم در فضیلت است؛ زیرا تقدیم مفضول بر افضل محال است و ۲. تقدم در خلافت دلیل بر افضلیت نیست. گروه دوم مجبور شده اند که قائل به جواز تقدیم مفضول بر فاضل شوند و دلایلی برای آن ذکر کنند که هیچ یک از دلایشان تمام نیست.

بازخوانی رواداری های پیامبر با مسیحیان نجران در تعاملات فکری در ماجرای مباهله

نویسنده : مهدی هادیان.

بهائی شناسی، تابستان ۱۳۹۹ - شماره ۱۴.

چکیده:

بازخوانی سیره نبوی در برخورد با مخالفان فکری، به ویژه آن هنگام که آن حضرت در اوج قدرت بود و اسلام بر شبه جزیره عربستان استیلا یافته بود، می تواند حدود رواداری با افکار مخالف را برای امروز مسلمانان صاحب قدرت مشخص سازد. یکی از مهم ترین حوادث سال های پایانی عمر پیامبر، ماجرای مباهله است. مباهله علاوه بر آنکه سندی بر حقانیت اهل بیت علیهم السلام و یکی بودن نفس پیامبر با امیرمؤمنان علیهما السلام و از دلایل امامت ایشان محسوب می شود، به جهت آنکه در دوران پس از فتح مکه و قدرت ظاهری پیامبر رخ داده است، حاوی نکات مهمی در روش برخورد با مخالفان فکری است. از مهم ترین شاخص های تعامل پیامبر با مسیحیان نجران در این ماجرا، سعه صدر در شنیدن استدلال های طرف مقابل، بیان دلایل متقن و عالمانه، بهره بردن از منابع مورد قبول طرف مقابل در گفت و گو و درعین حال رأفت و محبت به طرف مقابل و پرهیز از خشونت و فشار در گفت و گوهای علمی است. درعین حال اجازه برگزاری برخی مناسک

دینی طرف مقابل و عدم جلوگیری از آن، از دیگر ویژگی های نحوه مواجهه پیامبر با مخالفان فکری خود در ماجرای مباحثه است.

نتایج

(۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای اثبات حقانیت خود در مقابل گروه هایی نظیر نصرانیان نجران که به تقابل فکری با حضرتش برخاسته بودند، مسیر گفت و گو و استدلال را بر مسیر اجبار و تهدید ترجیح داد.

(۲) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنر خوب شنیدن را در تقابل با نجرانیان به کار بست و اجازه داد تا آنان سخنان خود را در مسجد پیامبر و در حضور مسلمانان دیگر مطرح کنند و سپس به کلام آنان پاسخ داد. چنین رویکردی باعث شد تمام جامعه به استدلال های طرفین در گفت و گو پی ببرند و جایی برای طرح ادعاهای دروغین بعدی باقی نماند.

(۳) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به نجرانیان، یعنی مخالفان فکری خود، اجازه داد تا در مسجد آن حضرت که از مقدس ترین اماکن مسلمانان در آن روز بود و هنوز هم همین شأن را داراست، نماز بگذارند و مناسک دینی خود را اجرا کنند. هرچند این مناسک مورد تأیید پیامبر و اسلام نبود.

(۴) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با احترام از مقدسات مسیحیان نجران یاد کرد؛ درعین حال سخن باطل آنان در مورد عیسی علیه السلام را نپذیرفت و با استدلال و منطق، سخنان باطل آنان را رد کرد.

(۵) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با پیشنهاد مباحثه و بردن عزیزترین و نزدیک ترین افراد به خود که درعین حال پاک ترین افراد جامعه اسلامی نیز بودند حجت را بر مخالفان فکری خود تمام کرد. پیامبر آن چنان به حقانیت خود ایمان داشت که می دانست در صورت انجام مباحثه، نصرت الهی او را دربر خواهد گرفت.

درعین حال مخالفان پیامبر با دیدن چنین صحنه ای از انجام مباحله سرباز زدند و به فکر سازش با پیامبر افتادند.

۶) بعد از روشن شدن حقیقت و عدم پذیرش آن از سوی برخی از نجرانیان، پیامبر راه پرداخت جزیه و مالیات اضافی به جامعه اسلامی را به نجرانیان پیشنهاد داد و آنان این راه حل را پذیرفتند.

۷) رویکرد پیامبر در اوج قدرت سیاسی و اجتماعی با مخالفان فکری خود یعنی مسیحیان نجران، برای حاکمان سیاسی و اجتماعی مسلمان در روزگار حاضر درس آموز است. در برخورد با بهائیان به عنوان مخالفان فکری اسلام و کسانی که دوره اسلام را پایان یافته تلقی می کنند، رفتار منطقی و اخلاقی و درعین حال محکم و قاطع پیامبر با مسیحیان نجران، الگوی مناسبی است که باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

اهل بیت در قرآن، مباحله

نویسنده: محمدعلی مقدادی

بشارت ۱۳۷۸ شماره ۱۵.

شهر نجران در صدر اسلام از شهرهای مهم یمن به شمار می رفت و در آن شهر اقوام مختلفی می زیستند، از جمله مسیحیان نجران که تعصب و شرارت آنان زبان زد مردم آن روزگار بود، به طوری که در حدیث آمده است: «شَرُّ النَّصَارَى نَصَارَى نَجْرَانَ؛ مسیحیان نجران بدترین مسیحیانند»

حتماً می دانید مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسی (ع) پسر خداست!!!، خداوند بزرگ، پیامبر اسلام را از انحراف عقیده آنان آگاه ساخت، چرا که عیسی (ع) یک انسان است و انسان، جسم است و جسم، نیازمند است و معقول نیست انسانی

که خود نیازمند است، آفریدگار باشد. به علاوه خدای بزرگ، شریک ندارد، زیرا او بی‌نیاز مطلق است و فرد محتاج به شریک، نیازمند می‌باشد.

سال دهم هجرت است. آوازه اسلام به دورترین نقاط رسیده است. مظلومان و ستم‌دیدگان گروه گروه به بارگاه اسلام عزیز وارد و مسلمان می‌شوند. مسیحیان نجران تعدادی از اسقف‌های خود را به منظور جلوگیری از پیشرفت اسلام به سوی مدینه منوره روانه تا با رسول خدا(ص) درباره عیسی بن مریم به بحث بنشینند. پیامبر اسلام(ص) با استدلال قوی به آنان می‌فهماند که حضرت عیسی، خدا نیست، بلکه فرستاده خدا است و خدا نه پسر دارد نه شریک و تثلیث ۱ و سه‌گانه پرستی شما باطل است. اما اسقف‌ها به عقیده باطل خود اصرار می‌ورزند و تسلیم حق نمی‌شوند.

پیامبر اسلام(ص) آنان را به مباحله دعوت می‌کند. تعدادی از اسقف‌های مسیحی می‌گویند: اگر محمد(ص) اهل بیت خود را به مباحله بیاورد، معلوم می‌شود که او به آئین اسلام اعتقاد راسخ دارد؛ پس نباید با او مباحله کرد.

روز مباحله فرا می‌رسد. پیامبر خدا(ص) به سوی میعادگاه حرکت می‌کند حضرت علی، فاطمه زهرا، حسن و حسین، صلوات‌الله علیهم اجمعین، وی را همراهی می‌کنند. (محل مباحله در ناحیه شمال شرقی مسجد النبی قرار دارد و هم اکنون مسجدی زیبا در همان محل بنا گردیده که به نام مسجد مباحله و یا مسجد اجابه مشهور است.)

هنگامی که پیامبر و اهل بیت بزرگوارش به محل مباحله می‌رسیدند، اسقف نجران می‌گوید: «إِنِّي لَأَرَى وُجُوهًا لَوْ سَأَلُوا اللَّهَ أَنْ يَزِيلَ جَبَلًا مِنْ مَكَانِهِ لَأَرْأَهُ فَلَا تَبْتَهَلُوا؛ من چهره‌هایی را مشاهده می‌کنم که اگر از خدا بخواهند کوهی را از روی زمین برکنند، خدا خواهش آنان را اجابت می‌کند، پس با آنان مباحله نکنید.»

اسقف‌ها و کشیش‌های مسیحی از انجام مباحله سرباز می‌زنند و زیر بار مباحله نمی‌روند، زیرا می‌دانند که شکست آنان قطعی است.

بنابر این تنها دو راه برای مسیحیان باقی ماند: ۱. مسلمان شوند. ۲. جزیه بپردازند. پیامبر(ص) فرمودند: مسلمان شوید تا همانند آنان و در رتبه آنان قرار گیرید. مسیحیان گفتند: ما جزیه می‌پردازیم. پس به دستور پیامبر(ص) مقرر گردید تا همه ساله تعداد ۲۰۰۰ جامه به عنوان جزیه بپردازند؛ ۱۰۰۰ جامه در ماه صفر و ۱۰۰۰ جامه باقیمانده در ماه رجب داده شود و نیز تعداد ۳۰۰ زره آهنین نیز به پیامبر تحویل دهند.

بدین ترتیب قرآن کریم دیگر بار فضیلت اهل بیت پیامبر را بیان کرد و جایگاه فرازمند خاندان عصمت و طهارت را به بشریت معرفی نمود. مسیحیان معتقدند خالق هستی سه تاست: ۱. خدا «پدر» ۲. عیسی «پسر» ۳. روح القدس.

بررسی آیه مباحله از دیدگاه فریقین

نویسنده: مجتبی الهیمان.

پژوهش‌های دینی ۱۳۸۵ شماره ۴.

چکیده

در این مقاله نویسنده در مقام تفسیر این آیه و شأن نزول آن و جهت احتجاج به آن و دلالت آن به عصمت و امامت حضرت علی (ع) و خلافت بلافصل آن جناب از پیامبر (ص) و معنای مباحله و اقوال مفسرین امامیه و عامه درباره فضیلت آن حضرت بحث خواهد نمود و ثابت خواهد کرد که تنها فردی که صلاحیت داشته که نبوت را در مسیرش حفظ و از دستبرد دنیاپرستان حفظ کند، امام علی(ع) بوده است.

بررسی دیدگاه آلوسی در آیه مباحله از منظر مفسران شیعه

نویسنده: محسن قاسم پور.

علوم قرآن و حدیث بهار و تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۸۴

چکیده:

آیه مباحله از برجسته ترین آیات قرآن کریم است که منزلت و فضیلت اهل بیت رسول خدا(ص) را آشکار می سازد. حضرت رسول به استناد وحی الهی، علی(ع) را نفس خود دانسته است که به روشنی گویای حقانیت ولایت و امامت خاندان رسالت و به ویژه امام علی(ع) است. علی رغم این نکته روشن، آلوسی از مفسران اهل سنت در تطبیق انفسنا به علی(ع) مناقشه کرده است. رویکرد این مفسر به این آیه به اندیشه های نظری وی معطوف است. از سوی دیگر، ریشه باور این مفسر به دیدگاه کسانی مانند ابن تیمیه و امام فخر رازی برمی گردد و مواجهه او با این آیه تقریر دیگری از دیدگاه مفسران سلفی است. مفسران شیعی، با استناد به مبانی کلامی، استدلالهای عقلی و نیز با تکیه بر روایات و سبب نزول آیه بر این باورند که کوچک ترین تردیدی در تطبیق انفسنا بر امام علی(ع) وجود ندارد. این مقاله با دسته بندی مواجهه آلوسی در برابر روایات اهل بیت، موضع این مفسر را در آیه مباحله بررسی کرده است.

بررسی پادرمیانی رخداده مباحله در فرود آمدن سوره آل عمران

نویسندگان: رضا حاجیان حسین آبادی و پرویز رستگار جزی.

حدیث پژوهی، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، دوره ۱۲، شماره ۲۴.

چکیده:

بی تردید برای فهم قرآن، مخاطب باید با زوایای نزول قرآن، فرهنگ، آداب و رسوم، محیط، شان و اسباب نزول واقف شود. بدون توجه به آنچه گفته شد، چنان فهمی حاصل نخواهد شد. این نوشتار برای بررسی ارتباط آیات اولیه سوره آل عمران و رخداد مباحله در سه بخش با طرح تاریخ گذاری سوره آل عمران و رخداد تاریخی مباحله، بررسی دلالتی و سندی آیات و روایات، نامه نگاری و ورود قبایل به مدینه، فهمی روشن و صحیح از عدم هم زمانی نزول آیات سوره آل عمران و رخداد مباحله به دست دهد. هم مضمونی آیه ۶۱ آل عمران با رخداد مباحله، سبب خلط سبب نزول و هم زمانی در نزول شده است. با بررسی سندی و دلالتی، در نظر گرفتن روایات ترتیب نزول و رخدادهای قطعی تاریخی در آیات، سوره آل عمران در سال سوم نازل شده است. به رغم اینکه مباحله از اتفاقات قطعی تاریخی است، با نزول آل عمران هم زمان نیست. مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با بهره گیری از آیات، روایات و مستندات تاریخی نگاشته شده است.

بررسی تاریخی آیه مباحله و بازتاب های کلامی آن

نویسنده: علی معموری

شیعه شناسی، پاییز ۱۳۸۶، دوره ۵، ش ۱۹.

چکیده:

... سنت مباحله از دیرباز در بین اقوام سامی رواج داشته و افزون بر قرآن در کتاب های مقدس دیگر نیز به مواردی از آن اشاره شده است. مباحله مذکور در قرآن، به ماجرای گفتگو و مناظره مسیحیان «نجران» با پیامبر (صلی اله علیه و آله) اختصاص دارد که سرانجام، به دلیل امتناع مسیحیان از پذیرش دعوت پیامبر (صلی اله علیه و آله) طرفین توافق کردند دست به مباحله زنند و از خدا بخواهند راستگو را از دروغگو تمایز دهد. این مباحله در میانه راه به دلیل امتناع مسیحیان

متوقف شد و به انجام نرسید؛ اما همراهی اهل بیت پیامبر (صلی اله علیه و آله) با ایشان در این حادثه، زمینه گسترده ای برای مجادلات کلامی بین فرق و مذاهب اسلامی پدید آورده است. بیشتر مفسران از این آیه برای اثبات فضیلت اهل بیت (علیهم السلام) استفاده کرده اند و شیعه، علاوه بر آن، از این آیه برای اثبات معتقدات دیگری چون عصمت و امامت بلافصل امام علی (علیه السلام) استفاده کرده است. در این مقاله، به بررسی دیدگاه های کلامی پیرامون آیه مباهله پرداخته شده است. ابتدا واژه مباهله از نظر لغوی و اصطلاحی تعریف شده است، سپس ماجرای تاریخی مباهله پیامبر (صلی الله علیه و آله) با مسیحیان نجران از منابع تاریخی و اسباب نزول گزارش شده است. در بخش اصلی مقاله، به برداشت های کلامی از آیه مباهله در اثبات افضلیت اهل بیت (علیهم السلام) و اولویت امام علی (علیه السلام) به خلافت، از نظر شیعه پرداخته شده و دیدگاه های رقیب نیز گزارش و بررسی شده است.

بررسی تطبیقی آیه مباهله در تفسیر تسنیم و المنار

عبدالرضا بختیار وند

وضعیت چاپ: چاپ نشده

چکیده:

منظور از آیه مباهله، شصت و یکمین آیه از سوره ی آل عمران در قرآن کریم می باشد. مضمون آیه شریفه به این صورت است: " (فَمَنْ حَاكَمَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ). هر چند محور اصلی این آیه مربوط به مباحثه ی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) با مسیحیان نجران در

مورد اعتقادات آنان نسبت به حضرت عیسی (علیه السلام) و اثبات نبوت و حقانیت پیامبر اسلام می باشد، اما کلمات و اصطلاحات به کار برده شده در آیه و شأن نزول آن، باعث تنازعی لفظی بین مفسرین شیعه و سنی شده است. اصلی ترین محل نزاع مربوط به چهار استفاده مهم امامیه از این آیه شریفه است: ۱. حضور اهل بیت در جریان مباحله. ۲. اثبات فضیلت برای حسنین علیهما السلام با واژه ی «ابناءنا». ۳. اثبات فضیلت برای حضرت زهرا سلام الله علیها به عنوان «نساءنا». ۴. اثبات فضیلت برای امام علی علیه السلام به عنوان «نفس پیامبر» با کلمه «انفسنا». امامیه تلاش کرده اند که با اثبات این ۴ مطلب، فضیلت اصحاب کساء را با توجه به نص قرآن به اثبات برسانند و در مقابل عده ای - هر چند اندک - از مفسرین اهل سنت به طور کلی یا اجمالی چنین استدلال هائی را نپذیرفته اند. از آنجا که قرار نیست در این نوشتار به تمام اقوال مفسرین اشاره شود و تنها دو تفسیر المنار و تسنیم مورد توجه قرار گرفته اند، چهار مطلب مطرح شده با توجه به این دو تفسیر - همراه با اشاره ضمنی به برخی تفاسیر دیگر شیعه و سنی - مورد بررسی علمی قرار می گیرند. واژگان کلیدی: حضور اصحاب کساء در جریان مباحله، دلالت آیه مباحله بر فضیلت اصحاب کساء، مقایسه و نقد تفسیر المنار و تسنیم در تفسیر آیه ۶۱ سوره آل عمران.

بررسی تطبیقی فضایل اهل بیت در آیه مباحله

نویسنده: عبدالله حاجی علی لالائی.

نویسنده مسئول: محمد تقی اسدی.

مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، بهمن و اسفند ۱۳۹۷ - شماره ۱۱.

چکیده:

سنت مباحله از دیرباز در بین اقوام رایج بوده است، اما مباحله در این آیه یکی از موارد منحصر به فرد و دارای ویژگی‌های خاصی است که اختصاص به مناظره پیامبر| و مسیحیان نجران دارد. همراهی اهل بیت(ع) با پیامبر| در این حادثه، نتایج مهمی در پی داشت که باعث اختلافاتی بین مذاهب مختلف، به ویژه بین شیعه و سنی در تفسیر از این آیه شریفه شد. جمعی از مفسران اهل تسنن این فضیلت را می‌پذیرند، ولی برخی دیگر در بیان فضیلت اهل بیت در آیه تشکیک می‌کنند که پذیرفتنی نیست؛ زیرا با اینکه پیامبر(ص) می‌توانست اصحاب دیگر را همراه خود برای مباحله ببرد، ولی تنها پنج تن آل عبا را به همراه آورد و این نشانه بارز بر افضلیت حضرت علی، حضرت زهرا و حسنین(ع) بر دیگران است.

بررسی روایات فریقین در موضوع مباحله و تحلیل دیدگاه مولفان المنار در این زمینه

نویسندگان: احمد حاتمی کن کبود و علی اکبر بابایی.

پژوهش نامه مذاهب اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، دوره ۲، ش ۴.

چکیده:

آیه مباحله از جمله آیاتی است که بر فضیلت و عظمت اصحاب کساء دلالت داشته و در منابع فریقین روایات متعددی در این زمینه نقل شده است که محدثان، مفسران و دانشمندان مذاهب اسلامی، بر دلالت آنها بر جایگاه ویژه اصحاب کساء و اختصاص آیه مباحله به آنان اذعان کرده اند. با وجود اینکه می‌توان دلالت آیه مباحله و شان نزول آن را بر فضیلت و عظمت اهل بیت (ع) میان مذاهب اسلامی محل اتفاق دانست، اما در این بین، مولفان المنار با انکار روایات دال بر اختصاص این آیه به اصحاب کساء، و با استناد به روایتی از ابن عساکر، آیه را به افراد دیگری نیز ارتباط داده اند. در این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی روایات دال بر ارتباط

آیه با اصحاب کساء را، از منابع معتبر اهل سنت و شیعه نقل می کنیم و سخن بزرگان اهل تسنن در دلالت آیه مباحله و روایات مرتبط با آن بر فضایل اصحاب کساء را بیان می کنیم و سپس دیدگاه و ادعای مولفان المنار تبیین، بررسی و نقد می شود.

تحلیل استناد به آیه مباحله در مناظرات رضوی

نویسنده: احد داوری چلقای.

فرهنگ رضوی، سال نهم، زمستان ۱۴۰۰ شماره ۳۶.

چکیده

مناظره با عالمان و دانشمندان مختلف یکی از ویژگی های عصر امام رضا (ع) است که آن حضرت با روش های مختلف و با استناد به منابع مورد قبول طرفین به سؤالات آن ها پاسخ داده و حقانیت دین اسلام یا عقاید شیعه را اثبات کرده است. یکی از مناظره های آن حضرت مربوط به تبیین برترین فضیلت امام علی (ع) در آیات قرآن است که امام با استناد به آیه مباحله (آل عمران، ۶۱) به سؤالات مأمون پاسخ داده و وی را در برابر استدلال صواب، به تسلیم وادار کرده است. این مقاله با کمک منابع کتابخانه ای و پس از بررسی متون مختلف نقل شده از مناظره مأمون و امام رضا (ع) درباره آیه مباحله، به تحلیل آن پرداخته است و می خواهد به این سؤالات پاسخ دهد که این مناظره در چه منابعی ذکر شده و صحیح ترین روایت آن کدام است؟ مبانی امام در مناظره چیست و چه نکات نظری و عملی از تحلیل متن مناظره به دست می آید؟ یافته های پژوهش نشان می دهد حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در این مناظره با ملاحظه قراین پیوسته لفظی (واژه ها و الفاظ آیه)، قراین پیوسته غیرلفظی (ماجرای تاریخی مباحله) و استفاده از روایات

نبوی ناظر به موضوع، بزرگ ترین فضیلت قرآنی امام علی (ع) را قرار گرفتن نفس آن حضرت به منزله نفس پیامبر در آیه مباهله دانسته و به شبهات پاسخ داده است.

تحلیل روش شناختی نقدهای علامه جوادی آملی در خصوص آیه مباهله بر تفسیر المنار

نویسنده مسئول: محمد حسین بیات

نویسنده: حسین محقق

پژوهش های تفسیر تطبیقی بهار و تابستان ۱۳۹۹- شماره ۱۱.

چکیده:

یکی از برجسته ترین تفاسیر شیعه، تفسیر «تسنیم» نوشته علامه جوادی آملی و از تفاسیر مهم و طراز اول قرآن در بین تفاسیر اهل سنت، تفسیر «المنار» تألیف رشیدرضا می باشد. این دو تفسیر از دو خاستگاه فکری و اعتقادی متفاوت برآمده اند اما نسبتاً از شیوه ها و اسلوب های مشترکی برخوردارند، به همین دلیل تفسیر المنار حضور قابل توجهی در تفسیر تسنیم دارد و در جای جای تسنیم شاهد مواجهه های مختلف علامه جوادی با آرای رشیدرضا هستیم. نظر خاص المنار در خصوص شأن نزول و بیان مصادیق در خصوص جریان مباهله از مطالبی است که به طور مبسوط در تفسیر تسنیم به نقد کشیده شده است. نگارندگان پژوهش بر آنند که با روش تحلیلی مواجهه دو مفسر در مورد این آیه را مورد مذاقه روش شناختی قرار داده تا میزان سقیم یا غیر سقیم بودن آراء دو مفسر از این منظر مورد تحلیل قرار گیرد. یافته های این پژوهش حکایت از آن دارد که المنار در موضوع مباهله جانب دارانه و با پیش فرض عمل کرده تا جایی که از مفسران، محدثان و مورخان اهل سنت بلکه از صاحبان صحاح نیز به نحو قابل توجهی فاصله گرفته و گویی آراء ابن تیمیه را بر تمام گروه های قبلی ترجیح داده است، لذا آیت الله جوادی از اساس کلام

رشیدرضا را مردود دانسته و علاوه بر ابطال اندیشه و روش وی، گرایش‌ها و تعصبات ناصوابش را یادآور شده است.

تحلیل مدخل آیه مباحله در دانشنامه الیور لیمن

نویسندگان: سید محمدرضا میرهادی تفرشی و علی کربلایی پازوکی

پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه، سال دوم بهار و تابستان ۱۳۹۹ شماره ۳.

چکیده

کتاب «قرآن، یک دایره المعارف» با سرویراستاری پروفسور الیور لیمن معروف به «دایره المعارف قرآنی الیور لیمن» به تحقیق پیرامون موضوعات قرآنی پرداخته تا به عنوان یک منبع در اختیار دانش پژوهان و محققان قرار گیرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۳۱). این دایره المعارف با همکاری نویسندگانی با عقائد و باور های مختلف بلکه متضاد تالیف و تهیه شده است. برخی از آنان مسلمان، عده ای غیرمسلمان، و گروهی به هیچ چیز اعتقاد ندارند. به علاوه آنکه همه موضوعات و مسائل مربوط به قرآن در این دایره المعارف آورده نشده و به ادعای سرویراستار آن هدف، پرداختن به مهمترین مفاهیم و موضوعات قرآنی بوده است که تایید یا رد این ادعا در این مقاله نمی گنجد و پژوهش و تحقیق مستقل دیگری را می طلبد. از جمله موضوعاتی که این دایره‌المعارف به آن پرداخته، آیه مباحله (آل عمران/۶۱) است که توسط یکی از نویسندگان این کتاب، به نام رفیق بُرجک بطور خلاصه مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله در پی نقد و بررسی دیدگاه های این دایره المعارف در رابطه با آیه مباحله است که به قلم نویسنده یاد شده به رشته تحریر درآمده است.

تحلیل مناسبتی آیه مباحله با دیگر آیات فضایل اهل بیت (ع)

نویسندگان: سیدسجاد غلامی و کاوس روحی برندق.

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، بهار و تابستان ۱۳۹۷، دوره ۴، ش ۱.

چکیده:

آیه «مباحله» (آل عمران: ۶۱) از مهم‌ترین ادله قرآنی، در خصوص فضیلت و برتری اهل بیت (ع) محسوب می‌گردد. مفسران و دانشمندان فریقین در طول تاریخ از جهات مختلفی درباره این آیه بحث و گفتگو کرده‌اند، یکی از جنبه‌هایی که به آن پرداخته نشده است، ارتباط مناسبتی و درون قرآنی آیه مباحله با دیگر آیات امامت، ولایت و فضائل اهل بیت (ع) است. این جستار درصدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با پرداختن به قواعد روابط مناسبتی بین آیات مذکور، به تحلیل ارتباط مناسبتی آیه مباحله با عمده‌ترین آیات فضایل در زمینه امامت و ولایت اهل بیت (ع) بپردازد. پس از تحلیل و ارزیابی روابط مناسبتی آیه مباحله با دیگر آیات مذکور به این نتیجه دست یافته شد آیه مباحله با عمده‌ترین آیات فضایل اهل بیت (ع) ارتباط دارد ولی گونه‌های قواعد ارتباطی آیه مباحله با هر یک از آیات مورد بحث از جهت تعداد روابط مناسبتی متفاوت و با یکدیگر مختلف است و به صورت موردی آیه مباحله مبین مصداق آیه مباحله آیه مودت، آیه ولایت، آیه اولی الامر و آیه عهد می‌باشد؛ چنانکه آیه عهد بیانگر شرط وجودی آیه مباحله است و نیز آیه مباحله زمینه ساز ابلاغ امامت امام علی (ع) در آیه تبلیغ است و سرانجام بین مضمون آیه مباحله و آیه تبلیغ دلالت عقلی برقرار است. تازه‌های تحقیق نتیجه پژوهش حاصل پژوهش حاضر در کشف انواع ارتباطات و مناسبات آیه مباحله با عمده‌ترین آیات فضایل اهل بیت (ع) این است که: آیه مباحله با عمده‌ترین آیات فضایل اهل بیت (ع) ارتباط دارد ولی گونه‌های قواعد ارتباطی

آیه مباهله با هر یک از آیات مورد بحث از جهت تعداد روابط مناسبتی متفاوت و با یکدیگر مختلف است. به این صورت که: (۱) آیه مباهله با آیه مودت دو نوع رابطه مناسبتی پنهان یا غیر آگاهانه و آگاهانه وجود دارد. آیه مباهله مبین مصداق مشخص «فی القربی» است و بین دو آیه مباهله و مودت رابطه تساوی حاکم است. (۲) آیه مباهله مبین مصداق مشخص «الذین آمنوا» در آیه ولایت است. (۳) آیه مباهله مبین روشن تر مصداق اولی الامر در آیه اولی الامر می باشد. (۴) از سویی آیه مباهله مصداق مشخص آیه عهد را روشن کرده است و از سوی دیگر آیه عهد بیانگر شرط وجودی آیه مباهله است. (۵) آیه مباهله زمینه ساز ابلاغ امامت امام علی (ع) در آیه تبلیغ است. (۶) بین مضمون آیه مباهله و آیه تبلیغ دلالت عقلی برقرار است؛ عقل با پی بردن به شخصی که در آیه مباهله به عنوان نفس و جان پیامبر (ص) معرفی شده است، بدین معنا نایل می شود که آن شخص در جایگاه و مقام رفیعی از حیث قرب الله است و دارای مقام بلندی است و آن شخص می تواند به عنوان جانشین پیامبر (ص) در میان دیگر صحابه معرفی گردد.

تحلیل و نقد تفسیر دروزه از آیه مباهله

نویسندگان: حدیثه سلیمانی و محسن نورایی

تفسیر پژوهی، سال هفتم بهار و تابستان ۱۳۹۹ شماره ۱۳.

آیه «مباهله» فضیلت بزرگی برای همراهان پیامبر (ص) در جریان مباهله اثبات می نماید. لذا مورد مناقشه برخی از مفسران قرار گرفته است. هر چند اکثریت آنها این فضیلت را می پذیرند؛ ولی عده ی محدودی از مفسران اهل سنت در صد شبهه افکنی هستند تا این فضیلت را از پنج تن آل عبا؛ (پیامبر (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)) خارج ساخته و یا زنان نبی (ص) و یا اصحاب ایشان را با آنان شریک نمایند. محل نزاع آنها مصداق

اصطلاحات «ابنائنا»، «نسائنا»، و «انفسنا» و دلالت آیه بر فضیلت اهل کساء می باشد. یکی از این افراد، «دروزه» می باشد که با شیوه تفسیر به ترتیب نزول، قرآن را تفسیر نموده و مدعی است که با کمک این شیوه، می توان به فهم بهتری از آیات دست یافت. این نوشتار به روش توصیفی- تحلیلی با منابع کتابخانه ای در تحلیل و نقد دیدگاه «دروزه» در تفسیر آیه «مباهله» خواهد گفت که وی نه تنها فهم بهتری از آیه بیان نکرده، بلکه در تفسیر آن، خلاف تاریخ صدر اسلام و تاریخ نزول، دیدگاه شیعه را ساختگی و جعلی خوانده است. وی در حالی به عدم حضور و تولد حسنین (ع) در جریان مباهله اشاره می کند که منابع اهل سنت گواهی می دهند که فضیلت همراهی با پیامبر (ص) در جریان مباهله تنها اختصاص به اهل بیت (ع) ایشان دارد.

تفسیر آیه «مباهله» از دیدگاه اهل بیت (ع) و اهل سنت

ایلقار اسماعیل زاده

طلوع ۱۳۸۳ شماره ۱۰ و ۱۱

جایگاه آیه مباهله در مطالعات کلامی فریقین

نویسنده: سید محمدتقی موسوی کراماتی.

پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه، سال اول پاییز و زمستان ۱۳۹۸ شماره ۲.

چکیده

آیه مباهله، جزء نمایان ترین آیاتی است که از دیرباز در متن گفتگوهای کلامی فریقین رایج بوده است. متکلمان امامی بر آن بوده اند که در پرتو دلالت معنایی آیه مباهله، پشتوانه ای قرآنی برای بنیان های مرامی شیعه فراهم سازند. امامت، افضلیت امام و عصمت، از درخشان ترین دریافت هایی است که در پژوهش های

کلامی شیعه از آن یاد شده است اما در مقابل، متکلمان اهل سنت به جز اثبات نبوت، سایر وجوه معنایی که شیعه بدان استناد می جوید؛ برنتابیده است و در پیمایش کلامی خویش، کوشیده است با رویکردی سلبی با ادله ای چون پیامبر، مقصود معنایی انفسنا، کودک بودن حسنین و ترجیح مفضول بر فاضل، دلالت آیه را در حد یک فضیلت ساده فرو کاهد. اما متکلمان امامی با بهره گیری از ادله عقلی، نقل های روایی، دریافت های تفسیری، قواعد ادبی و گزارش های تاریخی در جایگاه دفاع از دریافت های معنایی که از آیه مباهله دارند؛ آراء متکلمان عامه را به چالش کشیده اند که برآیند آن در اثبات افضلیت تابناک اهل بیت ظهوری روشن دارد.

خوانش فقهی جدید از آیه مباهله -۱

نویسنده: خالد الغفوری.

کوثر معارف بهار ۱۳۹۱ - شماره ۲۱.

چکیده:

در مقاله حاضر به بررسی آیه مباهله (آل عمران: ۶۱) از دیدگاهی فقهی پرداخته ایم. هدف از نگارش این مقاله نیز گردآوری، جمع بندی و بررسی شاخه ها و فروع مختلف فقهی و دیدگاههای متفاوت علمای مسلمان در مورد این آیه و بررسی و تطبیق این دیدگاهها در حد توان و قدرت نگارنده می باشد. در همین جهت تلاش ما این است که آیه مذکور را به طور کامل بررسی کنیم و تا حد امکان دلالتهای پنهان در آن را مشخص سازیم و دلالتهای جدیدی از آن را که به نوعی به جهان امروزی نیز مرتبط است - مانند مشارکت زن مسلمان در رخدادهای مهم و سرنوشت ساز جامعه - استخراج نماییم.

خوانش فقهی جدید از آیه مباهله - ۲

نویسنده: خالد الغفوری.

کوثر معارف تابستان ۱۳۹۱، شماره ۲۲.

چکیده:

در مقاله حاضر به بررسی آیه مباهله (آل عمران: ۶۱) از دیدگاهی فقهی پرداخته‌ایم. هدف از نگارش این مقاله نیز گردآوری، جمع بندی و بررسی شاخه‌ها و فروع مختلف فقهی و دیدگاههای متفاوت علمای مسلمان در مورد این آیه و بررسی و تطبیق این دیدگاهها در حد توان و قدرت نگارنده می‌باشد. در همین جهت تلاش ما این است که آیه مذکور را به طور کامل بررسی کنیم و تا حد امکان دلالتهای پنهان در آن را مشخص سازیم و دلالتهای جدیدی از آن را که به نوعی به جهان امروزی نیز مرتبط است - مانند مشارکت زن مسلمان در رخدادهای مهم و سرنوشت ساز جامعه - استخراج نماییم.

داستان مباهله

نویسنده: یعقوب جعفری نیا

درسهایی از مکتب اسلام، دی ۱۳۸۳، سال ۴۴ - شماره ۱۰.

۱. مباهله، مخصوص پیامبر نبود و در هر زمان کسی که به مرام و عقیده خود اطمینان کامل دارد، می‌تواند مباهله کند و البته در موضوعات کوچک نباید مباهله کرد، بلکه مباهله مخصوص موارد مهمی است که اساس دین در خطر باشد.
۲. هر چند که در آیه شریفه، «نساء» و «انفسنا» به صورت جمع آمده ولی به اجماع مفسران، پیامبر خدا فاطمه زهرا علیهاالسلام را به عنوان مصداق «نساء» و علی بن ابیطالب علیه‌السلام را به عنوان مصداق «انفسنا» آورد و این منقبتی

عظیم و فضیلتی بزرگ برای حضرت علی علیه‌السلام است که پیامبر از او به عنوان جان خود یاد می‌کند و هیچ کس جز علی این فضیلت را ندارد.

۳- نجران نام شهری در یمن بود که مرکز مسیحیان آن منطقه بود و در آنجا معبدی داشتند که مورد احترام همه مسیحیان بود و به آنجا کعبه نجران می‌گفتند و راهبان واسقفهای بزرگ نصارای منطقه در آنجا بودند و هیئتی که به مدینه برای دیدار با حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد از علمای همانجا بودند و به طوری که دیدیم، حاضر به مباحله نشدند و با پیامبر مصالحه کردند.

بخشی از زندگینامه استاد:

آیت الله آقای حاج شیخ یعقوب جعفری (جعفری‌نیا) فرزند محمد حسین در ۱۱ بهمن ماه ۱۳۲۵ در شهر مراغه در یک خانواده متوسط مذهبی به دنیا آمد و از سن ۶ سالگی در یکی از مکتب خانه‌های قدیمی شهر به خواندن قرآن مشغول شد و پس از آن در حوزه علمیه مراغه به تحصیل ادبیات فارسی و عربی و متون درسی پرداخت و تا کتاب معالم الاصول را در آنجا خواند. برخی از اساتید ایشان در آن زمان عبارت بودند از: مرحومان شیخ رضا ماجدی، شیخ حسین پیشنماز، شیخ احمد امینی و شیخ حسین هبتی.

وی در سال ۱۳۴۲ به حوزه علمیه قم عزیمت کرد و ادامه تحصیل داد. برخی از اساتید ایشان در سطح عبارت بودند از: آیه الله آقای حاج شیخ محسن دوزدوزانی، آیه الله آقای حاج سید یوسف مدنی، آیه الله آقای شیخ یدالله دوزدوزانی، آیه الله آقای ستوده، آیه الله آقای مکارم، آیه الله آقای سبحانی و مرحوم آیه الله آقای سید رضا صدر.

درآمدی بر آیه مباحله

نویسنده: سید سبحان بطحایی

چاپ نشده

دراسة مقارنة فى معرفة مصداق «أنفسنا» فى آية المباهلة من وجهة نظر الفريقين

نویسنده: هاشم اندیشه.

مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ - شماره ۱۵.

چکیده:

انه قد وقع النزاع فى تبیین مصداق لفظه أنفسنا بین علماء السنة مع إجماعهم على ان الآية قد نزلت فى اهل بیت المصطفى(ص) و فى كلمات كثير منهم هو على بن ابى طالب(ع) و هو قريب من الصواب و قد احتج علماء الشيعة على خلافة على(ع) مباشرة بعد النبى(ص) بهذه الآية و هذا لا يتم الا بكون مصداق أنفسنا عليا(ع) ومن العامة من هو قال بان الانفس فى الآية هو النبى نفسه و البعض الآخر ذهب الى اقوال اخرى لا تبدو صحيحة اذ معرفة مصداق لفظه أنفسنا فى الروايات المنقولة من طريق السنة تظهر بان ما رامه الشيعة هو الاقرب الى الواقع. و ما قاله بعض العامة غير تام و ان شبهاتهم فى سبب النزول و معرفة مصداق لفظه أنفسنا قابل للاجابة و النقود.

دستور مباهله

نویسنده: احمد بهشتی

عنوان کامل: عیسی پیام آور اسلام / بخش نهم: مسیح در قرآن (۱۸): دستور

مباهله

درسهایی از مکتب اسلام، آذر ۱۳۸۱، سال ۳۲ - شماره ۹.

دلالت آیه مباحله بر خلافت بلافضل امیرالمؤمنین

نویسندگان: سید علی میلانی و اصغر غلامی.

امامت پژوهی، پاییز ۱۳۹۰ - شماره ۳.

به سبب دلالت روشن و صریح آیه مبارکه مباحله، عالمان شیعه همواره برای اثبات امامت و خلافت بلافضل امیرالمؤمنین علیه السلام به این آیه استناد و استدلال می‌کنند؛ چنان که پیشوای هشتم ایشان حضرت علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية و الثنا - این آیه شریفه را از جهت دلالت بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بهترین و روشن‌ترین آیه در قرآن دانسته‌اند و با استناد به این آیه و عمل رسول خدا ص پس از نزول آن، ثابت می‌کنند که امیرالمؤمنین علیه السلام پس از رسول خدا ص بافضیلت‌ترین خلق خداوند سبحان است.

رهیافت تاریخی بر چرایی تفاوت گزارش سیره نویسان نخستین: بررسی رخداد مباحله در سیره ابن هشام

نویسندگان: زهرا رضازاده عسگری، محمد نصیری و نرگس ترادیون.

پژوهشنامه امامیه، بهار و تابستان ۱۳۹۹، دوره ۶، شماره ۱۱.

چکیده:

اهمیت نگاه انتقادی به منابع اولیه در تاریخ و سیره‌نگاری و پرداختن به ضعف‌ها و قوت‌های آن با توجه به ارجاعات پژوهشی، ضروری به نظر می‌رسد. بازتاب‌نگارش سیره پیامبر (ص) در تتبعات تاریخی، با عنایت به ارتباط آن در خط مشی و بینش اعتقادی مخاطبان، به مراتب مهم‌تر از نقل تاریخ در بخش‌های دیگر آن است. این مقاله با تتبع در منابع تاریخی به شیوه تحلیلی و توصیفی به چرایی

گزارش نشدن رخداد مباحله در آثار برخی سیره نویسان متقدم و نیز اختلاف های گزارش ابن هشام با سایر مورخان در رخداد مباحله پرداخته است. به نظر می رسد علل اختلاف در سال وقوع مباحله، ادعای سکوت پیامبر (ص) در پاسخ به پرسش های نمایندگان نجران، حذف نام اهل بیت (ع) و نقل ناتمام اصل رخداد در سیره ابن هشام، ناظر به احتمالاتی چون فقدان استماع سیره نویسان از رخداد، تاثیر حکومت وقت در نگارش سیره، جهت گیری های مذهبی و کلامی در نقل روایت باشد.

عظمت اهل بیت در آیه مباحله

نویسنده: عبدالله جوادی آملی

مجله الکترونیکی اسراء، ۱۳۸۸ شماره ۶

ذوات مقدسی که در مباحله، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را همراهی می کردند، یعنی امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و حسنین (علیهم السلام)، اصحاب کسا، شایسته عضویت در مباحله، اهل بیت پیغمبر و به تعبیر استاد علامه طباطبائی (رحمه الله) صاحب ادعایند. دلیل مطلب این که خداوند در ذیل آیه مزبور به لفظ متکلم مع‌الغیر فرمود: “فنجعل لعنت الله علی الکاذبین”. پس معلوم می شود همراهان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تماشاگر صحنه مباحله نبودند بلکه گزارشگر حقائق دینی بودند، زیرا گزارشگر است که یا صادق است یا کاذب. اگر آنان گزارشگر وحی و رسالت نبودند و از غیب سخن نمی گفتند، نه صادق بودند و نه کاذب؛ چون صدق یا کذب، فرع بر اخبار مخبر است...

آیه مبارکه مباحله و جریان مربوط به آن مبین عظمت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است و نشان می‌دهد که اهل بیت رسول گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) مدعی، صادق و مستجاب الدعوه‌اند. البته اساس و محور

اصیل مباحله، دَعْوَى و دعوت بوده است، چنانکه سیره علمی آن حضرت معارف شهودی بحث را تأمین می‌کند.

عید مباحله و نگاهی به میراث مکتوب آن روز مبارک

این مقاله ارزنده به قلم استاد حسین متقی است که در پیوست انتهای کتاب خواهد آمد.

فاطمه علیها السلام تجلی تمام زنان مقدس قرآنی (بر اساس آیه مباحله)

نویسنده: محمد جواد سلمانپور.

فصلنامه مشکوه، شماره ۸۳.

بی تردید یکی از آیاتی که در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده، آیه مباحله است. آیه شریفه در جریان یکی از وقایع مهم تاریخ اسلام که به مباحله معروف است نازل شده است. گروهی از نصاری از نجران برای مناظره درباره اسلام و ادعای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نزد ایشان آمدند. سرانجام کار برای اثبات حقانیت یکی از دو طرف به آنجا انجامید که هر دو گروه در برابر خداوند دعا کنند تا لعنت و عذاب خدا بر دروغگویان و منحرفان از حق نازل شود. وقت خاصی معین شد. در روز موعود مردم جمع شدند، در حالی که هنوز بر مسیحیان نجران معلوم نبود که پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسانی را برای مراسم دعا و مباحله حاضر می‌کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش آمد در حالی که علی، حسن، حسین و فاطمه زهرا علیهم السلام را با خود می‌آورد. بدین سان پیامبر صحنه پر شکوهی آفریده بود. مسیحیان نجران چون حالت پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام را دیدند

لرزه بر اندامشان افتاد و به رایزنی با پیشوای خود، اسقف ابا حارثه پرداختند. بزرگ آنان گفت: «من چهره هایی را مشاهده می کنم که اگر لب به دعا و نفرین بگشایند و بخواهند کوهی را از زمین برکنند آن کوه را متلاشی کرده، برمی دارند. سوگند به مسیح که اگر آنان لب به نفرین ما بگشایند برای ما خانواده و مال و منالی باقی نخواهد ماند».

پس آنان را از مباحله باز داشت. لذا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شتافتند و گفتند: «ای ابوالقاسم! از ما بگذر، خداوند از تو بگذرد». سپس شرایط پیامبر را پذیرفتند و به نجران باز گشتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله اعلام داشت: اگر آنان برای مباحله پیش می آمدند مسیحیان نابود می شدند.

فاطمه (ع) در قرآن؛ نگاهی به جایگاه فاطمه زهرا در آیه مباحله از نظرگاه اهل سنت

نویسنده: محمد یعقوب بشوی

بانوان شیعه، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۴.

چکیده:

آیه مباحله بر صداقت و عصمت گفتاری و رفتاری اصحاب کساء(علیهم السلام) دلالت دارد. به اعتراف دانشمندان فریقین، روایات متواتری وجود دارند که پیامبر گرامی(صلی الله علیه وآله)به جای (انفسنا)، حضرت علی(علیه السلام) را و به جای (نسائنا)، حضرت فاطمه(علیها السلام)را و به جای (ابنائنا) حضرت امام حسن و حضرت امام حسین(علیهم السلام) را برای مباحله با نصاری نجران به عنوان گواه نبوت از میان همه امت به همراه بردند. برخی از دانشمندان اهل سنت این امر را متفق علیه و برخی دیگر اجماعی می دانند. روایات مباحله با بیش از ۵۱ طریق

متفاوت از ۳۷ تن از بزرگان دین روایت شده اند. برخی دانشمندان اهل سنت شبهاتی را نیز مطرح کرده اند، اما این شبهات هیچ پایگاه علمی ندارند...

مباحله

نویسنده: سید مهدی شجاعی.

ماهنامه موعود جوان، ش ۱۶ و مجله بشارت، ش ۱، سال ۱۳۷۶.

بخشی از مقاله:

مدینه اولین باری است که میهمانانی چنین غریبه را به خود می‌بیند. کاروانی متشکل از شصت میهمان نا آشنا که لباس‌های بلند مشکی پوشیده‌اند، به گردنشان صلیب آویخته‌اند، کلاه‌های جواهرنشان بر سر گذاشته‌اند، زنجیرهای طلا به کمر بسته‌اند و انواع و اقسام طلا و جواهرات را بر لباس‌های خود نصب کرده‌اند.

وقتی این شصت نفر برای دیدار با پیامبر، وارد مسجد می‌شوند، همه با حیرت و تعجب به آنها نگاه می‌کنند. اما پیامبر بی اعتنا از کنار آنان می‌گذرد و از مسجد بیرون می‌رود.

هم هیأت میهمان و هم مسلمانان، از این رفتار پیامبر، غرق در تعجب و شگفتی می‌شوند. مسلمانان تا کنون ندیده‌اند که پیامبر مهربانشان به میهمانان بی توجهی کند. به همین دلیل، وقتی سرپرست هیأت مسیحی، علت بی‌اعتنایی پیامبر را سؤال می‌کند، هیچ‌کدام از مسلمانان پاسخی برای گفتن پیدا نمی‌کنند.

تنها راهی که به نظر همه می‌رسد، این است که علت این رفتار پیامبر را از حضرت علی بپرسند، چرا که او نزدیک‌ترین فرد به پیامبر و آگاه‌ترین، نسبت به دین و سیره و سنت اوست. مشکل، مثل همیشه به دست علی حل می‌شود. پاسخ او این است که:

«پیامبر با تجملات و تشریفات، میانه‌ای ندارند؛ اگر می‌خواهید مورد توجه و استقبال پیامبر قرار بگیرید، باید این طلاجات و جواهرات و تجملات را فرو بگذارید و با هیأتی ساده، به حضور ایشان برسید.»

این رفتار پیامبر، هیأت میهمان را به یاد پیامبرشان، حضرت مسیح می‌اندازد که خود با نهایت سادگی می‌زیست و پیروانش را نیز به رعایت سادگی سفارش می‌کرد. آنان از این که می‌بینند، در رفتار و کردار، این همه از پیامبرشان فاصله گرفته‌اند، احساس شرمساری می‌کنند. میهمانان مسیحی وقتی جواهرات و تجملات خود را کنار می‌گذارند و با هیأتی ساده وارد مسجد می‌شوند، پیامبر از جای بر می‌خیزد و به گرمی از آنان استقبال می‌کند.

مباهله

نویسنده: افسانه قارونی

بشارت ۱۳۸۴ شماره ۴۹.

مباهله

نویسنده: مجید فولادی.

مبلغان مرداد و شهریور ۱۳۹۷ - شماره ۲۳۰.

مباهله در تاریخ اسلام برای اولین بار میان پنج تن آل عبا (و مسیحیان نجران به وقوع پیوست و آن زمانی بود که نجرانیان با رسول خدا (به مناظره پرداختند و هنگامی که سخن از حضرت عیسی (به میان آمد، با رد توحید، عیسی را فرزند خدا نامیدند و در اعتقاد باطل خود پافشاری نموده، استدلالهای روشن خداوند در قرآن را رد کردند و به مخاصمه و مجادله با پیامبر (پرداختند. در این هنگام بود که خداوند متعال در برابر لجاجت مسیحیان، به رسول خود دستور داد تا با آوردن عزیزان خود

به میدان مباحله، حقانیت اسلام و نبوت خویش را ثابت کند؛ اما مسیحیان نجران که در ابتدا مبارزه با رسول حق را به وسیله مباحله پذیرفته بودند، با دیدن چهره‌های نورانی اهل بیت (و آشکار شدن آثار عذاب الهی، از مباحله دست کشیده، خواستار مصالحه شدند. اما آنچه عظمت در آیه مباحله وجود دارد یک طرف، عظمت امیرالمؤمنین علی (در این آیه نیز یک طرف ماجراست؛ چراکه خداوند متعال از امام علی (، به نفس رسول خدا) تعبیر فرموده است. امام فرمودند: برترین فضیلت قرآنی امیرالمؤمنین علی (در آیه «مباحله» است که خداوند سبحان می‌فرماید: (فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم و نساءنا و نساءکم و أنفسنا و أنفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین)؛ پس پیامبر (حسین) را فرا خواند که دو پسر او بودند و فاطمه (را که در این آیه «نساءنا» شمرده می‌شود و امیرالمؤمنین علی (را که بنا به حکم الهی همان نفس پیامبر) بود، آورد و ثابت شده است که هیچ کسی از مخلوقات خدا بزرگ‌تر و برتر از پیامبر) نیست، پس بنا به حکم الهی در این آیه، حضرت علی (نیز از همه برتر است.

مباحله

نویسنده: مرتضی علیزاده نجار

مجله امام شناسی

مباحله بزرگترین سند فضیلت پنج تن آل عبا

نویسنده: مهرداد شاهسنایی

وضعیت چاپ: چاپ نشده

در این مقاله می‌خوانیم: تعریف مباحله، فضیلت مباحله به وسعت تاریخ، مباحله در کلام معصومین، نفس پیامبر علی است، نکات مهمی از آیه مباحله، تفصیل واقعه

تاریخی مباحله ، مباحله در تفاسیر ، تاریخ وحدیث ، اعلام آمادگی علمای شیعه برای مباحله با مسیحیان ... زمخشری وفخر رازی و بیضاوی و بسیاری از علمای اهل سنت گواهی داده اند به همین دلیل مباحله که علی علیه السلام و فرزندان او بعد از پیامبر از تمامی اهل زمین بهترند و برترند. مباحله یک عملی است که در طول تاریخ بوده و هست یعنی منحصر به زمان پیامبر و مسیحیان نجران نمی شود بلکه در طول تاریخ بوده و هست. مباحله موسی علیه السلام و مخالفینش و مباحله یکی از اصحاب بزرگوار حضرت سیدالشهدا (بریر) با دشمنش از دیگر مباحله هایی است که در کتب تاریخی آمده است.

مباحله به روایت متون کهن

نویسنده: عبدالحسن بزرگمهرنیا

ماهنامه موعود، شماره ۱۰۶ .

در تاریخ ۲۳ سالهٔ بعثت پیامبر اکرم و نبی معظم، روزهای بسیار مهم و سرنوشت‌سازی وجود دارد که هر یک از رخداد‌های آن به تنهایی برای اثبات حقانیت اسلام، نزد دوست و دشمن کافی است. یکی از این رویدادهای مهم و ممتاز «روز مباحله» است که در آن توحید، نبوت و امامت در کامل‌ترین چهره‌ها جلوه کرده و حقیقت ناب و نورانی خود را نشان داد.

در این واقعهٔ عظیم و رویداد سترگ، مسلمانان به حقایقی پنهان از دین خود دست یافتند و فهمیدند که نام نورانی پیامبر خاتم(ص) و خاندان عزیز او در کتاب‌های آسمانی پیامبران پیشین آمده و همهٔ انبیای سلف بشارت ظهور او را داده‌اند. آیا مسلمانان نباید چنین روزی را جشن بگیرند؟ روزی را که در آن نه تنها اهل کتاب به حقانیت اسلام اقرار و اعتراف کردند، بلکه کتاب‌های آسمانی از صحیفهٔ حضرت آدم تا انجیل حضرت عیسی بن مریم(ع) گشوده و قرائت و نام‌های

نورانی آل محمد(ص) از متن آن خوانده شده است. و چنین حادثه‌ای شگرف و شگفت تنها یک بار در تاریخ بعثت پیامبر(ص) پیش آمد و هرگز تکرار نشد.

مباحله پیامبر اکرم(ص) با مسیحیان نجران: علی(ع) نفس پیغمبر(ص)

نویسنده: علی اصغر نراقی.

پژوهش دینی زمستان ۱۳۸۰ - شماره ۳.

چکیده:

یکی از آیات مشهور در فضیلت علی(ع)، آیه مباحله است که در جریان مباحله بین پیامبر(ص) و مسیحیان نجران در سال دهم هجری نازل گردید. طبق روایات تفسیری(شیعه و سنی)، در این آیه علی(ع) به منزله جان پیامبر(ص) است. طبیعی است که جانشین پیامبر(ص) کسی باید باشد که از دیگران به ایشان، شبیه تر و نزدیک تر باشد. و تعبیر «نفس پیامبر(ص)» که در این آیه بر علی(ع) قابل انطباق است، وافی به این مقصود است.

مباحله حدیث فضیلت

نویسنده: هادی الیاسی

ماهنامه شبستان اندیشه.

مباحله در کلام معصومین (علیهم السلام)

نویسنده: رضا اسلامی

کتاب مباحله.

به دنبال امتناع علی علیه السلام از بیعت با ابوبکر، میان آن حضرت و ابوبکر بحث و گفتگویی درگرفت. ابوبکر با تمسک به حدیثی از رسول خدا درصدد توجیه

کار خویش بود و در مقابل علی علیه السلام با او احتجاج می کرد و از او در مورد شایستگیهای خود اعتراف می گرفت و شبیه همین احتجاج را آن حضرت با اصحاب شوری بعد از مرگ عمر نیز داشت. هر دو حدیث به حدیث مناشده معروف است و در هر دو جا آن حضرت به واقعه مباحله و همراهی خود و همسر و دو فرزندش با رسول خدا اشاره می کند و آنها سخن او را تأیید می کنند.

در حدیث اول آمده است: «فانشدک بالله اُبی برز رسول الله و بأهلی وولدی فی مباحله المشرکین ام بک و باهک و ولدک» قال ابوبکر: «بل بکم». و در حدیث دوم آمده است: «نشدتکم بالله هل فیکم احد اخذ رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بیده وید امرأته و ابنیه حین اراد ان یباهل نصاری اهل نجران غیری؟ قالوا: لا.

حدیث نقل شده در مورد دوم بدین تعبیر نیز وارد شده است:
«افتقرون أن رسول الله صلی الله علیه و آله حین دعا اهل نجران الی المباحله انه لم یأت الا بی و بصاحبتی و اِبنی؟
قالوا اللهم نعم».

در روایت معروف دارقطنی که ابن حجر در الصواعق المحرقة نیز آورده است، حدیث مناشده چنین نقل شده است:
«انشدکم الله هل فیکم احد اقرب الی رسول الله فی الرحم منی و من جعله نفسه و ابناءه ابناءه و نساءه نساءه غیری؟
قالوا: اللهم لا».

غیر از حدیث مناشده در موارد دیگر نیز امیرالمؤمنین به واقعه مباحله اشاره کرده است و از آن موارد است که آورده اند جماعتی نزد آن حضرت آمدند و گفتند از بالاترین مناقب خود برای ما بگو پس حضرتش به ترتیب از واقعه «سدالبواب»،

مباحله، ابلاغ سوره براءت بر مشرکین، تعبیر قرآن از او به «اذن» [در آیه «و تعیها اذن واعیه» (الحاقه / ۱۲)]

نزول آیه «اجعلتم سقایه الحاج...» (توبه / ۱۹) در حق او و واقعه غدیر خم یاد می‌کند و در ضمن شرح واقعه مباحله می‌فرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دست من و حسن و حسین و فاطمه را گرفت و برای مباحله بیرون رفت.

در روایتی دیگر که شبیه بدین روایت است امام صادق علیه السلام می‌فرماید: از امیرالمؤمنین در مورد فضائش سؤال شد آن حضرت برخی را شمرد. بدو گفتند بیشتر بگو. حضرت فرمود دو پیشوای دینی از مسیحیان نجران به نزد رسول خدا آمدند و در مورد عیسی با آن حضرت سخن گفتند. آنگاه خداوند این آیه را فرستاد «ان مثل عیسی عندالله کمثل آدم...» سپس پیغمبر وارد خانه شد و دست علی و حسن و حسین و فاطمه «سلام الله علیهم اجمعین» را گرفت و بیرون آمد و کف دستش را به سوی آسمان گرفت و انگشتانش را باز کرد. آنها را به مباحله فراخواند. در حدیث مفصلی که آن حضرت هفتاد منقبت از مناقب خود را می‌شمارد به عنوان سی و چهارمین منقبت خود می‌فرماید: نصاری چیزی را ادعا کردند پس خداوند در مورد آنان این آیه را فرستاد «فمن حاجک فیه...» پس نفس من نفس رسول خداست و «نساء» همان فاطمه است و «ابناء» حسن و حسین می‌باشند سپس آن قوم پشیمان شدند و از رسول خدا خواستند که آنان را از مباحله معاف دارد و رسول خدا آنها را معاف داشت. قسم به خدایی که تورات را بر موسی و فرقان را بر محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرستاد اگر با ما به مباحله برمی‌خواستند هر آینه به صورت میمون‌ها و خوک‌هایی مسخ می‌شدند.

در ادامه احادیثی از تعدادی دیگر از حضرت ائمه اطهار (علیهم السلام) آمده

است:

- ۲ - در کلام امام حسن بن علی علیه السلام
- ۳ - در کلام امام حسین بن علی علیه السلام
- ۴ - در کلام امام صادق علیه السلام
- ۵ - در کلام امام موسی بن جعفر علیه السلام
- ۶ - در کلام امام علی بن موسی الرضا علیه السلام.

مباهله در مدینه و فاطمه

نویسنده: لوئی ماسینیون

آقای سید حسین تقوی در مقاله معرفی کتاب مباهله ماسینیون می نویسد که پروفیسور ماسینیون کتابش را در سال ۱۹۴۴ در میلان به چاپ رساند و البته قبل از آن مقاله ای به نام «مباهله در مدینه و فاطمه» در سالنامه ایرانوس (۱۹۳۸) - (۱۹۳۹) در پاریس منتشر کرده بود.

مباهله در منابع تاریخی اهل سنت

نویسنده: فاطمه کرمی.

مبلغان، مهر - آبان ۱۳۹۲ - شماره ۱۷۰.

مباهله یکی از وقایع قطعی و مسلم تاریخ پیامبر اسلام(ص) است که به دلیل اهمیت خاصی که داشته است، بسیاری از مورخان در منابع خود به آن اشاره کرده اند. ما در ابتدا نظر مورخان را در مورد مفهوم و سال مباهله می آوریم و سپس ماجرای آن را مورد بررسی قرار می دهیم.

در نهایت با بررسی منابع تاریخی به این نتیجه می رسیم که اکثر مورخین اهل سنت اتفاق نظر دارند که پیامبر گرامی اسلام(ص) هنگام مباهله عزیزترین و محبوب ترین افراد خاندان خود را با خود بردند و هیچ کس دیگری از خاندان

یا اصحاب را در این واقعه شرکت ندادند. که نشانگر این مطلب است که منظور خدا و پیامبرش از خاندان پیامبر(ص) کیان اند و سفارشات قرآن به رعایت و محبت به ذوی القربی شامل چه کسانی می شود.

مباحله

نویسنده: سید عباس رفیعی پور علوی علویجه

فرهنگ کوثر ۱۳۸۸ شماره ۷۹.

بیست و چهارم ذی الحجة الحرام، یکی از روزهای مهم، در تاریخ اسلام است. این روز به نام «مباحله» معروف است که در حقیقت برای شیعه بزرگترین سند افتخار و فضیلت می باشد. در چنین روزی، پیامبر اعظم(ص) آماده مباحله با مسیحیان «نجران» شد و حوادثی اتفاق افتاد که آنان مجبور شدند به مسلمانان جزیه پردازند...

امیرمؤمنان(ع) به فرمان پیامبر(ص) این پیمان نامه را نوشت: «به نام خداوند مهر پیشه دوست پرور. این نامه ای است از محمد رسول خدا به ملت نجران و حومه آن.

حکم و داوری محمد(ص) درباره تمام املاک و ثروت مردم نجران، این شد که اهالی نجران هر سال دو هزار دست لباس که قیمت هر یک از چهل درهم بیشتر نباشد، به حکومت اسلامی پردازند. می توانید نیمی از آن را در ماه صفر و نیم دیگر را در ماه رجب پرداخت کنید و هرگاه از ناحیه یمن جنگ شعله ور گشت، ملت نجران باید به عنوان همکاری با دولت اسلامی، سی زره، سی اسب و سی شتر، به عنوان عاریه مضمونه در اختیار ارتش اسلام بگذارند و پذیرایی نمایندگان پیامبر(ص) در سرزمین نجران به مدت یک ماه به عهده آنان است و هر موقع نماینده ای از ناحیه وی به سوی آنان آمد، از او باید پذیرایی کنند. جان و مال و

سرزمین‌ها و معابد ملت نجران در امان خدا و رسول او است، مشروط بر اینکه از همین حالا از هر نوع رباخواری خودداری کنند و در غیر این صورت، ذمه محمد از آنان بری بوده، تعهدی در برابر آنان نخواهد داشت».

این نامه روی پوست سرخی نوشته شد و دو نفر از یاران پیامبر(ص) به عنوان گواه، زیر آن را امضا کردند و پیامبر(ص) آن را مهر کرد و تحویل هیئت نجران داد. هنگامی که پیامبر(ص) با اهل بیتهش به مسجد بازگشت، جبرئیل نازل شد و گفت: محمد! خدای عزوجل به تو سلام رسانید و فرمود:

هنگامی که بنده من موسی(ع) با دشمن خود، قارون مباحله کرد، قارون، خانواده، ثروت و یارانش در زمین فرو رفتند. به عزت و جلالم سوگند! اگر تو و افراد خانواده‌ات که زیر آن عبا بودند، مباحله می‌کردید، همه طرفداران آنها نابود می‌شدند.

آن‌گاه پیامبر(ص) به سجده افتاد و صورتش را روی زمین نهاد، سپس برخاست و دست‌هایش را به سوی آسمان بلند کرد و سه بار خدای سبحان را سپاس گفت. از حضرت درباره این سجده پرسیدند. پیامبر(ص) فرمود: «به سبب اینکه خداوند این کرامت را به اهل بیت من ارزانی داشت». آن‌گاه آنچه را جبرئیل نازل کرده بود، برای آنان نقل کرد.

«مباحله»، معجزه جاودان پیامبر اعظم(ص) است و اختصاص به مسیحیان نجران ندارد؛ چنان‌که مورد مباحله، منحصر به جریان مسیح(ع) نیست، بلکه هر شأنی از شئون دین که حق محض است، اگر انکار شود، راه مباحله برای آن همچنان باز است و در برخی روایات، آداب آن ذکر شده است.

مباحله روشن‌ترین دلیل باورهای شیعه

عبدالکریم پاک‌نیای تبریزی

مبلغان، اسفند ۱۳۸۲ - شماره ۵۰

مروری به داستان مباحله

نویسنده: احمد بهشتی

عنوان کامل: عیسی پیام آور اسلام / مروری به داستان مباحله
درسهایی از مکتب اسلام، بهمن ۱۳۷۱، سال ۳۲ - شماره ۱۱.

مسجد الإجابیه یا مسجد مباحله

نویسنده: محمدصادق نجمی

میقات حج ۱۳۸۱ شماره ۴۱.

یکی از مساجد کهن و تاریخی در مدینه منوره، که مورد توجه حجاج و زائران بوده و هست، مسجدی است به نام «مسجد الإجابیه» که در سال های اخیر، در محاورات مردم به اشتباه و بدون توجه به پیشینه تاریخی اش، به عنوان «مسجد مباحله» معرفی گردیده و از این جهت که مراسم مباحله رسول خدا صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران، در این محل به وقوع پیوسته، مورد اهتمام خاص قرار می گیرد.

از آنجا که این اشتباه و تحریف، اثرات منفی و نتایج زیان باری دارد، لازم دانستیم آنچه از منابع حدیثی و تاریخی درباره این مسجد به دست آمده، در اختیار علاقمندان قرار دهیم تا ضمن جلوگیری از یک عمل خلاف واقع و پیش گیری از نفوذ و ادامه یک حرکت عوامانه، به کسانی که در این مسجد حضور پیدا می کنند و به نماز و دعا می پردازند، متذکر شویم که این حضور باید توأم با واقع بینی و آگاهی کامل باشد و بدانند که در چه جایگاهی قرار گرفته اند و انگیزه قداست و

شرافت این محل از چیست و امتیاز این مسجد با مساجد دیگر از کجا و به چه دلیل است.

بخشی از زندگی نامه مرحوم نجمی:

اینجناب محمد صادق نجمی به سال ۱۳۱۵ شمسی در روستای «هریس» از توابع شبستر به دنیا آمد. پدرم ثقة الاسلام حاج میرزا احمد آقا هریسی و چند تن از اجدادم از علما و روحانیون مورد اعتماد مردم بوده اند. مادرم از سادات کوه کمری است. پدر وی «حاج میری آقا» عموی آیت الله العظمی حجت (ره) می باشد. اینجناب تا حدود ۱۵ سالگی در همان روستا که دارای مردمی متدین می باشند؛ رشد کرده ام. روستائی که در اثر فراوانی آب از طراوت و خرمی برخوردار است. مردم این روستا علاقه‌مند به مذهب و اهل بیت (ع) و پایبند به اصول اخلاقی می باشند و سابقه طولانی وجود خانواده های متعدد و بزرگی از سادات و روحانیون در این محل موجب شد تا آنان به دین علاقه‌مند شوند و از ایمان راسخ برخوردار گردند. مراجع و عالمان بزرگ و معروفی مانند: «آیت الله العظمی سید حسین کوه کمری (ره)» و «سید علی آقا»؛ پدر آیت الله العظمی حجت در این روستا متولد شدند و دوران کودکی خود را در این محل سپری کرده اند.

دوران کودکی ام را در دامان چنین پدر و مادری و در چنین محیط مذهبی سپری کردم و شالوده فکری و اعتقادی من در چنین محیطی پی ریزی شد. هشت یا نه ساله بودم که به مکتب خانه رفتم. تحصیل را با روخوانی قرآن شروع کردم و پس از آن با بخشی از ادبیات فارسی آشنا شدم. در آن روز در مکتب خانه های آذربایجان: «گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ و صاف، ابواب-الجنان، تنبیه الغافلین و ...» آموزش داده می شد. در تدریس برخی از این کتابها، علاوه بر فراگیری ادبیات فارسی، آموزش مسائل اخلاقی نیز مورد توجه بود.

پس از این دوره، در نزد پدرم «جامع المقدمات، سیوطی و شرح جامی» را فرا گرفتم. تقریباً در پانزده سالگی پدرم مرا به مدرسه «طالبیه تبریز» برد و از آن زمان به بعد من هم به صف طالبان علوم دینی پیوستم. شوق فراوانی نسبت به تحصیل علوم دینی داشتم. پس از یک سال و چند ماه توقّف در تبریز و تکمیل کردن درس هایی که نزد پدرم آغاز کرده بودم، سرانجام در اواخر تابستان سال ۱۳۳۲ شمسی (با این که از لحاظ تأمین معاش وضع مناسبی نداشتم) ره سپار حوزه علمیه قم شدم و با فضل خداوند در مدرسه فیضیه سکونت گزیدم. ورود این جانب به قم، مصادف بود با ماه محرم سال ۱۳۷۲ قمری، چهار ماه پس از ورودم به قم، در ماه جمادی الاولی، حضرت آیت الله العظمی حجّت رحلت کرد.

دوران تحصیل اینجانب از این تاریخ تا سال ۱۳۵۹ شمسی، یعنی تقریباً سی سال ادامه داشت. در این مدّت علاوه بر تحصیل و تدریس دروس متداول حوزه علمیه، به تألیف و ترجمه کتاب های متعدّدی موفق شدم و هذا من فضل ربّی. بیش ترین تحصیل این جانب در حوزه علمیه قم و بخشی دیگر در حوزه علمیه مشهد بود؛ زیرا تقریباً نه ماه پس از ورودم به قم که هوا رو به گرمی می رفت، والدینم به قصد زیارت مشهد، وارد قم شدند و من نیز به همراه آنان به مشهد مقدّس عزیمت نمودم. در این سفر، پدرم مقدمات توقّفم را در تعطیلات تابستانی در حوزه علمیه مشهد؛ فراهم کرد و اجازه اقامتم را در یکی از حجره های مدرسه «خیرات خان» از متولی این مدرسه آقای دربندی دریافت نمود. این برنامه که مصادف با اولین ماه های ورود «آیت الله العظمی میلانی» از عراق به مشهد مقدّس برای تعطیلات تابستانی بود، در سال های بعد هم برایم الگو شد و اکثر تعطیلات تابستانی را در مشهد مقدّس مشغول تحصیل و مطالعه می شدم. تألیف کتاب:

«سیری در صحیحین» از ثمرات این حوزه مقدس و از عنایات حضرت علی بن موسی الرضا(ع) می باشد.

مصدق «انفسنا» در آیه مباهله از دیدگاه شیعه و سنی

نویسندگان: محمد رضا پیری و محمد ابراهیم ایزد خواه،

نشریه پاسخ، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۱۵ و ۱۶

مفسران شیعی و بسیاری از مفسران اهل سنت، در تفسیر آیه مباهله، امام علی(ع) را نفس پیامبر(ص) شمرده اند. البته این که امام علی(ع) نفس پیامبر(ص) است؛ به معنای حقیقی عینیت ذاتی دو نفس نیست، بلکه مراد از نفسیت امام علی(ع)، مساوات آن حضرت با پیامبر در فضائل و کمالات است. از این تساوی، عصمت امام علی(ع)، نیز استفاده می شود.

شیعیان، براساس دلایل گوناگون عقلی، قرآنی، روایی و تاریخی، معتقدند که امام علی(ع) وصی و خلیفه بلافصل پیامبر اکرم(ص) است و حوادث بعد از رحلت نبی مکرم اسلام(ص) و خلافت سه تن از صحابه، هرگز به این جایگاه ایشان خدشه ای وارد نمی کند. یکی از دلایل روشن، بر وصایت امام علی(ع) «آیه مباهله» است. جریان «مباهله» زمانی مطرح شد که گروهی از مسیحیان نجران، نزد پیامبر(ص) آمدند و خواهان مباحثه و مناظره در زمینه حقانیت دین اسلام شدند. پیامبر(ص) با آنان مواجه کرد و آن چه آنان از استدلال و استناد طلب کردند، پیامبر ارائه کردند اما آنان مجاب نشده و حقانیت ادعای پیامبر(ص) را باور نکردند. در آن زمان رسم بر این بود که اگر دو نفر یا دو گروه بر سر مسئله ای اختلاف دیدگاه داشتند و نمی توانستند یکدیگر را قانع و حقانیت خود را اثبات کنند، براساس تشریفات، همدیگر را «نفرین» می کردند؛ پس از نفرین، هر فرد یا گروهی که بر حق نبود، مورد عذاب خداوند قرار می گرفت و حقانیت فرد یا گروه دیگر به اثبات

می رسید. از این رو، پیامبر(ص) آنان را به مباحله فرا خواند. پس از این واقعه بود که آیه مباحله نازل شد. (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ)

استدلال به این آیه برای اثبات عصمت، وصایت و خلافت امام علی(ع) به عبارت «و انفسنا و انفسکم» باز می گردد که خداوند امام علی(ع) را «نفس پیامبر(ص)» عنوان کرده است. بنابر دیدگاه بسیاری از اهل سنت، مقصود از «نساتنا»، حضرت فاطمه(ع)، مقصود از ابناثنا امام حسن و امام حسین و مقصود از «انفسنا» امام علی(ع) است و در واقع پیامبر اکرم(ص) در جریان مباحله، امام علی(ع) را «نفس خویش» معرفی کرده است...

معرفی کتاب مباحله در مدینه (ماسینیون)

نویسنده: سید حسین تقوی

کتاب ماه دین، مرداد و شهریور ۱۳۷۸ - شماره ۲۲ و ۲۳.

در سال دهم هجری پیامبر اسلام(ص) همانند مکاتبه های دیگر خود با سران دول و مراکز مذهبی جهان، نامه ای به اسقف اعظم نجران، نماینده رسمی کلیسای روم در حجاز به نام «ابو حارثه» نوشت و طی آن وی و مردمش را به اسلام دعوت کرد و تأکید فرمود که در صورت عدم پذیرش اسلام پرداخت جزیه الزامی خواهد بود، این نامه توسط نمایندگانی از سوی پیامبر اسلام تسلیم اسقف اعظم نجران گردید و اسقف بر اساس مشورت های خود با افراد مختلف از جمله فردی به نام شرحبیل و نظر او مبنی بر اینکه احتمالاً پیامبر اسلام از فرزندان اسماعیل است- همان موعودی باشد که پیشوایان مذهبی مسیحی مکرراً به او اشارات داشتند: «روزی منصب نبوت از نسل اسحاق به نسل اسماعیل منتقل می شود.

حادثه مباحله، زمینه ای بسیار مناسب و مؤثر در تحقق رویداد جاودانه غدیر بود و ذهنیت جامعه اسلامی را برای پذیرش شخصیت علی(ع) به عنوان ولی مطلق مسلمانان مساعد نمود.

این حادثه مهم نه فقط در کتب امامیه، بلکه در کتب اهل سنت همچون سیره حلبی، تاریخ یعقوبی، تفسیر مفاتیح الغیب امام رازی، کامل ابن اثیر، کشف زمخسری، فتوح البلدان بلاذری... نیز به تفصیل ذکر و تبیین شده است.

در روزگار ما یکی از کسانی که سعی کرده است تا حدی به این حادثه مهم و برخی ابعاد آن پردازد خاورشناس برجسته پروفیسور لویی ماسینیون است. اگر چه پرداختن به جهات مثبت و منفی این نویسنده و قضاوت درباره او امری حائز اهمیت است لیکن فرصتی دیگر می طلبد و البته برخی محققان مسلمان بدان پرداخته اند. رساله حاضر که محصول بررسی های پروفیسور ماسینیون در این زمینه است در سال ۱۹۴۴ در میلان به چاپ رسید... عبدالرحمن بدوی محقق و نویسنده معاصر مصر این کتاب را در سال ۱۹۶۳ به زبان عربی در مصر به چاپ رسانید. این کتاب با پیشینه تاریخی مباحله به عنوان مقدمه و سپس هشت فصل سامان گرفته است. نام عربی این کتاب المباحله فی المدینه بین نصاری نجران و محمد(ص) سنه ۱۰ است.

در بخش پیشینه تاریخی وی سعی می کند ریشه های مباحله را در نزد قوم سامی و دوره تمدن بابل به بعد به عنوان «تنها وسیله رایج و بین المللی برای اثبات حقیقت» نشان دهد.

نویسنده در فصل اول رساله به «معنای لغوی- اصطلاحی مباحله و چگونگی اداء آن» می پردازد و با بررسی ریشه های عبری و سریانی این کلمه و سپس جنبه صرفی آن در زبان عربی نحوه اجرای مباحله را بیان می کند.
او عمل مباحله را دارای سه مرحله می داند:

«نخست با نشستن دو زانو و قرار دادن دو دست بر روی آنها به گونه ای که گوئی آماده حرکت و مبارزه با دشمن است.

دوم، با آماده ساختن دو دست برای سوگند یاد نمودن سوم، با بلند کردن دو دست به سوی آسمان و ادای الفاظ مخصوصه» (ص ۶۸ کتاب)

در ادامه به مواردی که پس از طلوع اسلام، میان اهل سنت و شیعیان و دروزی ها به مباحله عمل شده است، اشاره می کند.

در فصل دوم اشاراتی درباره آیه مربوط به مباحله، اثبات اینکه مصالحه پیامبر اکرم(ص) و مسیحیان نجران پیش از حادثه مباحله بوده است، اسناد روایی تاریخی درباره مباحله و بررسی آنها آمده است.

فصل سوم به خلاصه گزارش مباحله اختصاص دارد که در آن به بررسی در مورد شهود مسیحی واقعه و اختلاف در آن شهود، شرایط سیاسی هیأت نجران و نتایج سیاسی این واقعه می پردازد.

فصل چهارم در باره نقش اقتصادی نجران و تکامل سیاسی بنو حارث است.
فصل پنجم در باب راز و رمز مذهبی مباحله از منظر فرقه های غالی مانند دروزیان و خطابیان و میمیه و عینییه و نصیرییه است.

فصل ششم کتاب به تحلیل کتاب مباحله از محمد بن علی شلمغانی مؤسس فرقه عزا فریه(که توفیق شریف حضرت حجت (ع) در لعن او صادر شد)

فصل هفتم در آداب مباحله در فرقه نصیریه است.

فصل هشتم به منابع روایی تاریخی مباحله به زبان عربی و غیره اشاره رفته است.

تسلط فراوان ماسینیون درباره فرق مختلف اسلامی و نیز شخصیت سلمان(ع) از نکات قابل توجه در این رساله است. وی در این کتاب با نگاهی روشمند به آگاهی فراوان نسبت به ادیان و فرهنگ ها و تاریخ فرق و به خصوص تاریخ اسلام و فرق مختلف اسلامی سعی کرده ابعادی از واقعه مباحله را بنمایاند.

موضوع مهمی که ذهن و روح یک شیعه آگاه را در مواجهه این رساله می آزارد و حتی نسبت به حقیقت جوئی لویی ماسینیون دچار تردید می کند بر شمردن فرقه های غالی به عنوان شیعه است در حالی که فاصله میان اعتقاد و مبانی فکری شیعیان با غلات، چندان است که بر هیچ انسان آشنا به موضوع با انصافی پوشیده نیست. نیاز چندان به توضیح نیست که این بد آموزیهای و در هم آمیختگی های ناشی از یکدست انگاری سبب اشتباهات فراوان و سوء تفاهم ها در شناخت نسبت به شیعیان و برخورد با آنها شده است.

متأسفانه باید در اینجا افزود که این یکسان اندیشی در متون اهل سنت هم سابقه دارد.

مترجم محترم طی مقدمه ای مشبع و مفصل به بحث در سرنوشت سیاسی تشیع پرداخته است و اطلاعات و تحلیل های فراوان و مفیدی را ارائه می دهد که حجم آن (متجاوز از ۵۰ صفحه) و تقریباً برابر با رساله خود ماسینیون است.

بر اساس شناسنامه کتاب، به نظر می آید مترجم محترم این کتاب را از ترجمه عربی آن به فارسی برگردانیده است. پیش از این از مترجم این کتاب تألیفات و ترجمه های با ارزش دیگری نیز به بازار نشر کتاب روانه شده است.

معناشناسی لفظ «نساء» در آیه ۶۱ سوره آل عمران

نویسنده: سید حسین سید موسی.

آموزه های قرآنی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ - شماره ۲۴.

چکیده:

در اینکه مقصود از نساء در آیه ۶۱ سوره آل عمران (آیه مباحله) چه کسی است، بین مفسران اختلاف است. عده ای بر این باورند که مصداق آن همسران می باشند، ولی شیعه به اتفاق و بسیاری از مفسران اهل سنت بر این رسول الله باورند که مصداق نساء در آیه، حضرت زهرا- است. سوال اساسی این جستار آن است که آیا واژه نساء درباره دختران کاربرد دارد یا نه؟ این پژوهش با بررسی کلمات لغت شناسان عرب و آیات قرآن و روایات اسلامی و متون ادبی به این نتیجه رسیده است که کاربرد نساء در لغت عرب برای دختران، رایج است و در مقام مباحله به وظیفه خود عمل کرده است، نه اینکه بر خلاف مفاد پیامبر آیه در مقام فضیلت تراشی برای دخترش باشد.

معنای نفس در آیه مباحله و معنای مولی در حدیث غدیر

نویسنده: محمدرضا مشائی (شهاب)

فصلنامه مشکوه، شماره ۴۴.

در حقیقت ردی است بر برخی مطالب مقاله «امامت در قرآن و سنت» مجله مشکوه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد.

نقد دیدگاه ابن تیمیه در شأن نزول آیه مباحله

نویسنده: علی ملا موسی میبدی.

سراج منیر، پاییز ۱۳۹۲، سال سوم - شماره ۱۱.

این نوشته به بیان و نقد آرای ابن تیمیه در شأن نزول آیه مباحله می پردازد. وی در کتاب منهج السنه آیه مباحله را به عنوان یکی از خصائص حضرت امیرالمؤمنین(ع) مورد نقد قرار داده است. او با اعتراف به نزول آیه مباحله در شأن اهل بیت و شمول اهل بیت به حضرت علی و فاطمه زهرا و امام حسن و حسین(ع)، حضور ایشان را در جریان مباحله فضیلتی برمی شمارد، با این حال معتقد است پیامبر نیازی به دعای اهلبیت(ع) برای مباحله نداشت و این حضور از خصایص حضرت علی(ع) به شمار نمی آید؛ چون عنوان «نفس» در آیه مباحله دلالت بر مساوات ندارد و عنوان (أَبْنَاءَنَا وَبِسَاءَنَا وَأَنْفُسَنَا) در آیه مباحله عام است که شامل غیر اهل بیت(ع) هم می شود؛ زیرا کسی به غیر ایشان در آن زمان برای مباحله نبود. این نوشتار با نقل روایات و کلمات علمای اهل سنت، ادعاهای ابن تیمیه را بی اساس و باطل می داند، و آیه مباحله را دلیلی محکم بر فضیلت حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) می شمرد.

واقعه مباحله

حسین سلطان محمدی

مبلغان، اسفند ۱۳۸۱ - شماره ۳۸.

واکاوی ابعاد واقعه «مباحله» از منظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی، شهریور ۱۳۹۸.

در ماجرای مباحله، امیرمؤمنان(ع) به منزله جان و نفس رسول الله صلی الله علیه و آله معرفی می شوند، این موضوع استناد آیه‌ای دارد و همه نسبت به آن اتفاق نظر دارند؛ چرا که روایت نیست که بگویند خبر واحد است و قبول نداریم،

بلکه همه مفسران شیعه و اهل سنت می‌دانند که آیه مباحله درباره پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام، حضرت زهرا سلام الله علیها و حسنین علیهما السلام نازل شده است.

اگر در فضایل بی انتهای امیرالمؤمنین علیه السلام تنها همین آیه مباحله بود، برای فضیلت او کافی بود؛ زیرا ﴿أَنْفُسَنَا﴾ بر آن حضرت تطبیق شده است و فضیلتی برای امیر مؤمنان علی علیه السلام است. در حقیقت این آیه این پیام را می‌رساند که علی علیه السلام جان پیامبراکرم صلی الله علیه و آله است؛ با وجود چنین شخصیتی آیا می‌توان توجه به دیگری کرد؟

واکاوی معنای «نسائنا» در آیه مباحله (جایگاه فاطمه علیها السلام در آیه مباحله از مصداق تا معنای «نسائنا»)

نویسنده مسئول: سید محمود طیب‌حسینی.

نویسنده: نسرین انصاریان.

مطالعات اسلامی زنان و خانواده، بهار و تابستان ۱۳۹۸ - شماره ۱۰.

چکیده:

یکی از برجسته‌ترین آیات قرآن درباره جایگاه اهل بیت(ع) نسبت به پیامبر (ص) و فضیلت آنان که مورد اتفاق نظر شیعه و اهل تسنن است، آیه ۶۱ سوره آل عمران موسوم و مشهور به آیه مباحله است. با این حال، از طرف برخی مفسران اهل سنت نسبت به بخش‌هایی از این آیه مباحث و برداشت‌هایی انجام گرفته که جای بحث دارد. به عبارت دیگر، چند محور از این آیه مورد بحث بوده و نسبت به دیدگاه مفسران شیعه که به اتفاق نظر آیه شریفه را به عنوان یکی از آیات فضایل اهل بیت(ع) معرفی کرده‌اند جدی است. یکی از این محورها که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته، معنای «نسائنا» در این آیه است. این پژوهش با روش ادبی و

توصیف و تحلیل به تبیین واژه «نساء» پرداخته و با بررسی دیدگاه لغویان و مفسران، طی یک بررسی موضوعی در قرآن به این نتیجه دست یافته که هر چند مفهوم «نساء» شامل همه زنان اعم از بالغ و نابالغ، و همسر و جنس زن و ... می‌شود؛ اما «ال»، «تنوین» و مضاف‌الیه، معنای آن را خاص‌تر می‌کند، بر این اساس و با توجه به سیاق آیات، در قرآن مجید هر جا واژه «نساء» با واژه «ابناء» هم‌نشین شده، مقصود از آن دختران است. بنابراین مقصود از «نسائنا» در آیه مباحثه نیز به دلیل هم‌نشینی با «أبنائنا» دختران پیامبر (ص) است و مطابق روایات از میان دختران آن حضرت، مقصود حضرت فاطمه (س) است و شامل زنان آن حضرت نمی‌شود. یکی از برجسته‌ترین آیات قرآن درباره جایگاه اهل بیت (ع) نسبت به پیامبر (ص) و فضیلت آنان که مورد اتفاق نظر شیعه و اهل تسنن است، آیه ۶۱ سوره آل‌عمران موسوم و مشهور به آیه مباحثه است. با این حال، از طرف برخی مفسران اهل سنت نسبت به بخش‌هایی از این آیه مباحث و برداشت‌هایی انجام گرفته که جای بحث دارد. به عبارت دیگر، چند محور از این آیه مورد بحث بوده و نسبت به دیدگاه مفسران شیعه که به اتفاق نظر آیه شریفه را به عنوان یکی از آیات فضایل اهل بیت (ع) معرفی کرده‌اند جدی است. یکی از این محورها که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته، معنای «نسائنا» در این آیه است. این پژوهش با روش ادبی و توصیف و تحلیل به تبیین واژه «نساء» پرداخته و با بررسی دیدگاه لغویان و مفسران، طی یک بررسی موضوعی در قرآن به این نتیجه دست یافته که هر چند مفهوم «نساء» شامل همه زنان اعم از بالغ و نابالغ، و همسر و جنس زن و ... می‌شود؛ اما «ال»، «تنوین» و مضاف‌الیه، معنای آن را خاص‌تر می‌کند، بر این اساس و با توجه به سیاق آیات، در قرآن مجید هر جا واژه «نساء» با واژه «ابناء» هم‌نشین شده، مقصود از آن دختران است. بنابراین مقصود از «نسائنا» در

آیه مباحله نیز به دلیل همنشینی با «أبنائنا» دختران پیامبر (ص) است و مطابق روایات از میان دختران آن حضرت، مقصود حضرت فاطمه (س) است و شامل زنان آن حضرت نمی‌شود.

همراهان پیامبر در مباحله در منابع اهل سنت

نویسنده: سیدآصف کاظمی

مجله آفاق.



فصل پنجم: موارد دیگر



درآمد

به غیر از کتاب، پایان‌نامه و مقاله، انواع دیگری از تولیدات محتوایی و هنری را که به بحث مباحله پرداخته است می‌توان دید. مثلاً گفتگو و مصاحبه با خبرگزاری‌ها یا رسانه‌های دیگر، درذیل موارد سه‌گانه فوق‌نمی‌گنجد، ولی به هر حال جزو محصولات پیرامون مباحله است. همچنین نوشتن تحقیقات در این زمینه و انتشارش در وبلاگ یا کانال‌های تلگرامی، ایتایی و واتس‌آپی یا هر طریق دیگر نیز در همین ذیل قرار می‌گیرد، اگر چه انتساب علمی و ثبات استنادی آنها به قوت مقاله و کتاب چاپ شده نیست. در پایگاه حوزه نیوز یا سایت راسخون یا پایگاه اندیشوران حوزه مطالب انبوه دیگری پیرامون مباحله وجود دارد که پرداختن بدانها مجال موسع دیگری می‌طلبد.

در این فصل صرفاً چند مورد خاص مثل لوح فشرده یا برنامه رادیویی یا متن و گفتگوی منتشر شده در خبرگزاری‌ها را آورده و سپس چند مورد شعر عربی و فارسی را ذکر خواهیم کرد. با توجه به اینکه اشعار را غالباً از پایگاه اینترنتی مباحله یا خبرگزاری‌ها گرفته ایم.

مسئله مباحله

این محصول، لوح فشرده‌ای است مبتنی بر نگاه و دیدگاه حضرت آیت‌الله سبحانی دامت برکاته، که توسط موسسه فرهنگی و هنری نور راسخون وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه تهیه و منتشر شده است.

ویژه برنامه «جان‌نبی»

این برنامه یکی از برنامه‌های مخصوص روز مباحله بوده است که توسط گروه مناسبت‌های ویژه رادیو قرآن به سردبیری و تهیه‌کنندگی فاطمه کاشانی، چند

سال قبل تهیه شده است. عنوان ویژه برنامه، برگرفته از تعبیر انفسنا در آیه مباحله است که خداوند سبحان جان پاک امیرالمومنین را جان پاک رسول خود خوانده است. ویژه برنامه های صدا و سیمایی در زمینه مباحله طی چند دهه اخیر فراوان بوده و این یک مورد را از باب نمونه یاد کردیم.

اهل سنت و آیه مباحله

مطلبی است از آقای حسین کریمی، که خبرگزاری مهر در سال ۱۳۹۵ منتشر کرده است.

مباحله روز اثبات حقانیت امام علی (ع) و آل عبا است

این مطلب نیز در خبرگزاری شبستان منتشر شده است و چنانکه در ابتدای این بخش گفتیم، موارد فراوانی از گفتگوهای خبرگزاری ها با افراد مختلف را پیرامون مباحله می توان به دست داد.

در وادی شعر و ادب

الحمانی الافوه!

ابوالحسین علی بن محمد بن جعفر الکوفی الحمانی المعروف «بالأفوه» شاعر قرن سوم شعری دارد که با تعبیر نفس پیامبر اشاره به آیه مباحله دارد:

وانزله منه علی رغمه العدی

کههارون من موسی علی قدم الدهر

فمن کان فی اصحاب موسی و قومه

کههارون لازلتهم علی ظلل الکفر

و آخاهم مثلاً لمثل فاصبحت
اخوته كالشمس ضمت الى البدر

فأخى عليا دونكم و أصاره
لكم علما بين الهداية و الكفر

و انزله منه النبي كنفسه
رواية ابرار تأدت الى البشر

فمن نفسه منكم كنفس محمد
الا بأبي نفس المطهر الطهر

صاحب بن عباد

و كم دعوة للمصطفى فيه حققت
و آمال من عادى الوصى خائب

فمن رمد أذاه جلاه داعيا
لساعته و الريح فى الحرب عاصب

و من سطوة للحر و البرد دوفعت

بدعوته عنه و فيها عجائب

و فى اى يوم لم يكن شمس يومه
اذا قيل هذا يوم تقضى المأرب

أفى خطبة الزهراء لما استخصه
كفاء لها و الكل من قبل طالب

أفى الطير لما قد دعا فأجابه
و قد رده عنه غبى موارب

أفى رفعه يوم التباهل قدره
و ذلك مجد ما علمت مواظب

أفى يوم خم اذا شاد بذكره
و قد سمع الايصاء جاء و ذاهب

کسایى مروزی

فهم کن گر مؤمنى فضل امیرالمؤمنین
فضل حیدر، شیر یزدان، مرتضای پاکدین

فضل آن کس کز پیمبر بگذری فاضل تر اوست
فضل آن رکن مسلمانی، امام المتّقین

ای نواصب، گر ندانی فضل سرّ ذوالجلال
آیت قربی نگه کن و آن اصحاب الیمین

«قل تعالوا ندع» بر خوان، ور ندانی گوش دار
لعنت یزدان ببین از «نبتهل تا کاذبین»

سنایی غزنوی

مرتضایی که کرد یزدانش / همره جان مصطفی جانش
هر دو یک قبله و خردشان دو / هر دو یک روح و کالبدشان دو

منسوب به عطار نیشابوری

علی در دل به بین و «لُو کَشَفُ» یاب / اگر مرد رهی مگذر ازین باب
علی نفس محمد دان حقیقت / علی بیرون است از دار طبیعت
علی بنمایدت راز نهانی / گشاید بر تو درهای معانی

شاه نعمت الله ولی

مسند ملک ولایت در حقیقت آن اوست

در حریم عصمتش روح القدس دربان اوست

روح اعظم جان عالم عقل کل از جان و دل
در امامت این امام انس و جان جانان اوست

نفس خیرالمرسلین است و ولی کردگار
لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار

عماد الدین نسیمی شروانی

بدان محمد امّی که در شب معراج
قدم نهاد و گذشت از مقام «أو أدنی»

که مظهر ولی الله علی ابوطالب
حقیقتاً ز محمد علی نبود جدا

به حکم «نفسک نفسی» نبی علی را گفت
به حکم «دمک دمی» علی است نقطه «با»

محتشم کاشانی

ای وجود اقدس روح و روان مصطفی
مصطفی معبود را جانان تو جان مصطفی

وحشی بافقی

تعال الله زهی ذات مطهر
که آمد نفس او نفس پیمبر

دو نهر فیض از یک قُلزم جود
دو شاخ رحمت از یک اصل موجود

به عینه همچو یک نور و دو دیده
که آن را چشم کوتاه بین دو دیده

دویی در اسم اما یک مسما
دوبین عاری ز فکر آن معما

پس این شاهد که بودند از دویی دور
که احمد خواند با خویشش ز یک نور

فیض کاشانی

تا نباشد بنده‌ای را عزم و اخلاص علی
کی امیر المؤمنین و نفس پیغمبر شود

فیاض لاهیجی ۱

که بود آنکه با او به فرمان ایزد
نبی شد مباحل به قوم نصارا

فیاض لاهیجی ۲

علی را قدر، پیغمبر شناسد
که هر کس، خویش را بهتر شناسد

غمگین اصفهانی

در میان شعرای شیعی، دو برادر، غمگین اصفهانی و ذوقی اصفهانی در حوزه‌ی شعر ولایی صاحب اشعاری فاخرند. دیوان هر دو چاپ شده البته امروزه کم‌تر پیدا می‌شود. غمگین در سال ۱۲۸۰ قمری به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۵ قمری درگذشت و در تخت فولاد به خاک سپرده شد. قوافی به تناسب واژه‌ی «مباحله»، مشکل انتخاب شده که به گفته‌ی خود شاعر، ارتجالی نیز سروده و الحق خوب از عهده برآمده است:

ختم رسل ز فرط عنایات کامله
بر پاپ‌های نجران بنوشت مرسله

کای قوم دور مانده ز شرع و صراط دین!
تا کی ز حق بیایدتان بُعد و فاصله؟

آمد دمی که جهل ز سرها کنید دور
شد وقت آن که کید ز دلّتان شود یله

مأمورم از خدای احد تا که با شما
یک کار از سه کار نمایم معامله

یا دین حق قبول و یا جزیه‌ام دهید
یا آن که با شما بنمایم مقابله

چون شد وصول نامه بر آن قوم ناصواب
از آن رسیله سخت افتاد ولوله

آراستند مجلس شوری که اندر او
بتوان مگر کنند همی حلّ مسأله

کردند یک دو روزی با هم مکابره
افتاد در میانه‌ی آن‌ها مجادله

در آن گروه ده دله یک نفس پاک بود
کاو بود با رسول و خداوند یک‌دله

گفت: ای گروه! چند نمایید قیل و قال؟

تا چند و کی ببایدتان این مماله؟

در امر هو کنید چرا این مسامحه؟
در دین حق کنید چرا این مساهله؟

بالله! که این محمّد باشد همان کز او
معدوم می شود همه ادیان باطله

هان! بنگرید جمله بر اخبار انبیا
هان! بنگرید جمله بر آیات منزله

این است آن که موسی گفته است در حقش
باشد شبان و هر چه بُود در جهان، گله

این است آن یگانه پیمبر که بر مسیح
مریم شد از دمش به یکی نفخه حامله

گفتند پس ببایدمان سوی او کنیم
ز آنسان که خضر سوی بقا طی مرحله

هشتاد تن که سید و عاقب بر آن گروه
بودند شیخ و راهبر و میر قافله

ز آن پس سوی مدینه چو حاجی سوی حرم
کردند طی مرحله با زاد و راحله

کوته کنیم قصّه ز بعد سه روز چون
کردند با رسول گرامی مقابله

بس نکته‌ها شنیده و گفتند و عاقبت
کردند ابلهانه قبول مباحله

آن گه رسول و دختر و داماد و دو پسر
گشتند حلقه‌وار به یک جای سلسله

قرآن تمام از الف، آن گاه تا به یا
گردید جمع یک‌جا چون بای بسمله

باری؛ نکرده نفرین، دیدند آن گروه
افتاده در زمین و فلک، شور و غلغله

آماده از سحاب در آفاق، رعد و برق
افتاده در جبال ز تب، لرزه زلزله

نزدیک شد نجوم درافتد از آسمان
نزدیک شد که چرخ بماند ز هروله

از ترس گشت رُخشان مانند زعفران
وز بیم گشت دلشان پر خون چو آبله

سوی سحاب رحمت یزدان روان شدند
افراخت بیم در دلشان چون که مشعله

در نزد بوتراب نهادند رخ به خاک
ز آنسان که او به نزد خدا گاه نافله

شاهنشاهی که خصم خود اندر گه جدال
پا در کمند بنهد و گردن به سلسله

آن کس که کم ز مزرعه قدرتش بُود
از دانه، خرمن مه و از خوشه، سنبله

هشتند بار جزیه ز ذلت به دوش خویش
مشرک هماره بار مدلت کشد؛ بله

از بعد این چکامه، «غمگین»! کجا رواست

کز طبع خویشتن بنمایی دگر گله؟

در مدح آل احمد و احباب او مدام
می کوش بهر کسب شرف نز پی صله

ترجمه منظوم آیه مباحله

به دستور پروردگار جلال

بود خلقت عیسی اندر مثال

چو آدم که او را ز خاک آفرید

پس از این هر آن کس که ورزد جلال

کنون چون به وحی یگانه خدا

بگو پس بیایند تا این زمان

به همراه انفاس و اطفال و زن

نماییم نفرین بر یکدیگر

که ناراست گو را به خشم خدا

که چون گفت شو، ناگهان شد پدید

که در باب عیسی بود آن مقال
شدهی آگه از حالش ای مصطفی

همه گرد آییم در یک مکان
تباهل نماییم ای انجمن

به درگاه پروردگار بشر
نماییم با این عمل مبتلا

غلامرضا سازگارا

وضو بگیرم و در حال روزه با تکبیر
کنم مباحله با دشمنان حی غدیر

زبان حق شوم و آیه مباحله را
به شأن فاطمه و شوهرش کنم تفسیر

ز قول دوست و دشمن شنو که این آیه
به وصف اهل کسا از خدا شده تعبیر

محمد و علی و فاطمه، حسن و حسین

که پنج در عددند و یکی چو حی غدیر

پی مباحله کردند روی در صحرا
یکی چو مهر فروزان، چهار مهر منیر

فتاد چشم نصاری به آن خدارویان
که نور طلعتشان گشته بود عالم گیر

مسیحیان پی نفرین پنج تن دیدند
که نیست غیر هلاکت برایشان تقدیر

همه به خاک قدوم پیمبر افتادند
که ای ز جانب حق، خلق را بشیر و نذیر

به حضرت تو نصاری تمام تسلیمند
که تو بلند مقامی و ما تمام حقیر

هزار مرتبه نفرین به دشمنان علی
که می کنند در این آیه حيله و تزویر

کنند فضل علی را به دشمنی انکار
خدای نگذرد از این خطا و این تقصیر

چرا شدند فرای از این حقیقت محض
چرا به سلسله ی نفس خود شدند اسیر

قسم به جان علی، منکر مباحله را
خدای لعن نموده، پیمبرش تکفیر

گرفتم آن که شود خصم منکر خورشید
کجا به تابش انوار آن کند تأثیر

فضائل علی بود از حد فزون، چه زیان
که بر مباحله منکر شوند یا به غدیر

علی کسی است که در جنگ بدر شد پیروز
خدا به جنگ احد می دهد به او شمشیر

علی است فاتح احزاب و فاتح خیبر
علی است تیر الهی به قلب خصم شریب

علی است بت شکن کعبه روی دست رسول
علی به بیشه اسلام شد خروشان شیر

علی به جای نبی خفت و جان گرفت به دست
کسی نیافت جز او این چنین مقام خطیر

حدیث منزلت چون آفتاب می تابد
به این دلیل علی بعد مصطفی است امیر

وصی احمد مرسل کسی بود «میثم»
که در تمام فضایل ورا نبود نظیر

غلامرضا سازگار ۲

دست خدا و «نفس» پیمبر فقط علی است
شمشیر و شیر خالق اکبر فقط علی است

بعد از نبی به امر خداوند ذوالجلال
ما را امام و هادی و رهبر فقط علی است

دست خدا که با سر انگشت خویشتن
خورشید را نمود مسخر فقط علی است

بر آن دو تن که هر دو ز خیبر گریختند
اعلان کنید فاتح خیبر فقط علی است

این نام را مباد به دیگر کسان دهند
این حق حیدر است که حیدر فقط علی است

مردی که جان به دست، شب لیله المیبت
جای رسول خفت به بستر فقط علی است

ای تشنگان حشر به حق خدا قسم
باور کنید ساقی کوثر فقط علی است

مردی که در مهاجر و انصار از نخست
گردید با رسول برادر فقط علی است

دیوار کعبه سینه گشود از برای او
مولود بیت حضرت داور فقط علی است

نوزاد بیت و صاحب بیت و امیر بیت
مهمان بیت همره مادر فقط علی است

آن شیر کبریا که در ایام کودکی
از هم درید پیکر ازدر فقط علی است

روز احد به رغم تمام فراریان
یاری که گشت دور پیمبر فقط علی است

از منبر رسول خدا آید این ندا
بعد از رسول صاحب منبر فقط علی است

کس را چه زهره تا که شود کفو فاطمه
آنکس که شد به فاطمه شوهر فقط علی است

ممدوح «انما» که خدا گفته در کتاب
گفتیم و گفته‌اند مکرر فقط علی است

در روز حشر پیشرو ختم انبیا
صاحب علم به عرصه ی محشر فقط علی است

شاهی که رخت کهنه به تن کرد و رخت نو
با دست خویش داد به قنبر فقط علی است

دست خدا که یک تنه در عرصه ی نبرد
بگرفت سر ز عمر دلاور فقط علی است

در فتح بدر و خیبر و در خندق و احد
بالله قسم امیر مظفر فقط علی است

آن بت شکن که در حرم خاص کبریا

بگذاشت پا به دوش پیمبر فقط علی است

«الا علی» ندای خدا بود در احد

ممدوح این ندای منور فقط علی است

فرمود مصطفی که منم شهر علم و بس
این شهر علم را که منم، در فقط علی است

آن کو به کودکی به رسول خدا مدام
بودی انیس و مونس و یاور فقط علی است

گو صد خلیفه بعد پیمبر فقط علی است
آن را که حق نموده مقرر فقط علی است

«میثم» امیر خلق و رفیق فقیر شهر
در عالم وجود سراسر فقط علی است

اکبر بهداد «طیب»

حق و باطل در مدینه روبروست

اهل حق را حق پرستی آبروست

حق پرستان همچو انگستان دست

پرتو این حق پرستان هرچه هست

اهل بیت مصطفی دانی که پنچ
رحمت للعالمین مانند گنج

مصطفی ختم رسل در پیش بود
منزلت از هر پیامبر بیش بود

درگه حق او که برتر از همه
در بغل دارد حسین فاطمه

سبط اکبر در کنار مصطفاست
دست او در دست خیر انبیاست

بعد پیغمبر علی مرتضاست
جانشین و همچو جان مصطفاست

فاطمه خیر نساء العالمین
فاطمه نور سماوات و زمین

مقتدای او پسر عمش علی ست
تا قیامت مرتضی بر حق ولی ست

آیت حق اهل بیت مصطفاست
مستجاب الدَّعْوَةُ ارض و سماست.

هر که را حُبِّ محمد در دل است
چلچراغ روشن هر محفل است

تا ابد بر جا بماند این سرود
بر محمد گو و آل او درود

تا توانی گو «طیبیا» این درود
درگه حق این دعا مقبول بود

سید ابوالفضل مبارز

به جز رحمت پیمبر از دری دیگر نمی آمد
ولو نجرانیان را تا ابد باور نمی آمد

از آن لبخند در لبخند، از آن لطفِ بی پایان
از آن احساس بی اندازه نفرین بر نمی آمد

غرض نفرین نبوده مطمئن باشید ای مردم

برای چند نصرانی که پیغمبر نمی آمد

برای چند نصرانی اگر مقصود نفرین بود
یقینا حتی بالاتر از قنبر نمی آمد

نبی پیش از خودش از شوق آمد تا بفرماید
بدون مرتضی یک گام این سوتر نمی آمد

نبی پیش از خودش؟ آری، نبی پیش از خودش آمد
پیمبر را نمی دیدند اگر حیدر نمی آمد

مرا دارد شراب مدح حیدر می برد با خود
وگر نه عقل هرگز تا لب ساغر نمی آمد

مگر انگور طبعش می رسید امروز آقا جان
اگر این بچه شاعر تا نجف یک سر نمی آمد

به حاصل خیزی خاک درت تاریخ شک می کرد
اگر دُرّ گران از خاک اینجا در نمی آمد

بدون هیچ حرفی می روم جایی که زهرا جز
به استقبال از تنهایی شوهر نمی آمد

بدون هیچ حرفی می روم پشت همان در که
میان شعله اش جز دود و خاکستر نمی آمد

یقین کردند آن مردم که نفرینی نخواهد بود
و الا غاصبی با شعله پشت در نمی آمد

میان خانه زینب چشم بر در منتظر مانده
ولی از کوچه های بی کسی مادر نمی آمد

بدون هیچ حرفی می روم در بین گودالی
که سویش جز سنان و نیزه و خنجر نمی آمد

همان جایی که می دید از بلندی شمر می آید
ولی افسوس دیگر کاری از خواهر نمی آمد

یقین کردند آن مردم که نفرینی نخواهد بود
والا ساریان دنبال انگشتر نمی آمد

سید محمد میرهاشمی

با نور خدا مقابله یعنی چه!

با امر خدا مجادله یعنی چه!

جایی که علی نفس محمد باشد

ای عیسویان، مباهله یعنی چه!

یک عمر در انجیل نخواندید احمد؟

ناگفتن این مطالعه یعنی چه!

چه مسئله ایی! پنج تن و صد راهب

حل کردن این معادله یعنی چه!

یک دست اگر دعا کند زین ده دست

فهمید عذاب عاجله یعنی چه!

دو کودک و یک زن و دو مرد آمده اند

با لشگر حق مقاتله یعنی چه!

نه سازش و تسلیم نه تحریم نه جنگ

جایی که علیست غائله یعنی چه!

در اوج مذاکره قوی باید بود

تسلیم امور باطله یعنی چه!

بر غیر نبی دمی تقرب هرگز
از آل رسول فاصله یعنی چه!

از همقدمی و دست دادن پرهیز
با خصم علی مغالزه یعنی چه!

جایی که هدایتی نگیرد صورت
با دشمن دین معامله یعنی چه!

در روز ظهور، خوب و بد می فهمند
جامانده گی ز قافله یعنی چه!

روزی که مسیح یار مهدی گردد
فهمید که دین کامله یعنی چه!

محمدعلی ریاضی یزدی

گیرم که آفتاب جهان ذره پرور است
این بس مرا که سایه مهر تو بر سر است

دولت به کام و محنت گردون حرام باد

تا ساغرت به گردش و تا می به ساغر است

ای دل چرا به غیر خدا تکیه می کنی؟
امید ما و لطف خدا از که کمتر است؟

بهر دو نان خجالت دونان چه می کشی؟
ای دل صبور باش که روزی مقدر است

خاطر ز گفتگوی مکرر شود ملول
الّا حدیث دوست که قند مکرر است

فرخنده نامه ای که موشح به نام اوست
زیبنده آن صحیفه که او زیب دفتر است

نامی که با خدا و پیمبر ز فرط قدس
زیب اذان و زینت محراب و منبر است

پشت فلک خمیده که با ماه و آفتاب
در حال سجده روی به درگاه حیدر است

شمس ضحی، امام هدی، نور هل اتی
چشم خدا و نفس نفیس پیمبر است

در آیهٔ مباهله این مهر و ماه را
جانها یکی و جلوه جان از دو پیکر است

و جهی چنان جمیل که از شدت جمال
وجه خدا و جلوهٔ الله اکبر است

نازم به دست او که یکی ناز شست او
از جای کندن در سنگین خبیر است

با اشک چشم، ابر کرم بر سر یتیم
با برق تیغ، صاعقه ای بر ستمگر است

جز راه او بسوی خداوند راه نیست
یعنی که شهر علم نبی را علی، در است

بر تارک زمان و مکان تاج افتخار
در آسمان فضل: درخشنده اختر است

قبرش درون دیدهٔ آدم که چشم او
در خاک هم بنور جمالش منور است

آوازش از ورای زمان ها رسد بگوش
تصویرش از فراز افق ها مصوّر است

کمتر ز ذرهٔ ایم و فزون تر ز آفتاب
ما را که خاک پای علی بر سر افسر است

وصف علی ز عقل و قیاس و خیال و وهم
وز هرچه گفته اند و شنیدیم برتر است

شد عرض ما تمام و حدیث تو ناتمام
حاجت به مجلس دگر و وقت دیگر است

طبع لطیف و شعر «ریاضی» به لطف و شهید
شاخ نبات خواجهٔ شیراز و شکر است

احد ده بزرگی

شعر از مه و مهر شب شکن باید گفت از فاطمه و ابالحسن باید گفت
تا خاطره ی مباهله گم نشود پیوسته سخن سخن سخن باید گفت

آیات چو آفتاب از خاور نور نازل شده بر سینه ی پیغمبر نور
ابناء و نساء و انفس اقدس حق یعنی حسنین و علی و کوثر نور

آن پنج وجود صاحب عصمت حق یعنی همه عصاره ی خلقت حق
کردند فنا بنای اسقف بازی با هیمنه ی شگفت و با هیبت حق

مهتری که به شأنش امد از حق لولاک روشن شده از جلوه ی رویش افلاک
با یک زن و یک مرد و دو کودک آمد تا ریشه ی تثلیث برآرد از خاک

دردی کش جام درد باید بودن آگاه دل از نبرد باید بودن
چون شیر خدا حقیقت حق محور در جنگ عقیده مرد باید بودن

آن روز دو صف مقابل هم بودند تحلیل گر دلایل هم بودند
آن سو همه در تجزیه ی یکدیگر این سوی ولی مکمل هم بودند

فرمانده ی جنگ، مصطفی بود آنروز سردار سپاه، مرتضی بود آن روز
لشگر حسنین و فاطمه پشתיبان درعرصه، سلاحشان دعا بود آن روز

آن روز نه سنگ و چوب و نه سنگر بود نه نیزه ی جان شکار و نه خنجر بود
پیروزی پنج تن به اهل نجران از باور بالنده ی بارآور بود

با ذکر علی الدوام، آن پنج نفر کردند به پا قیام، آن پنج نفر
با باور خود به مشرکین حجت را کردند به حق تمام، آن پنج نفر

فرمود نبی علی ولی الله است خورشید ولایت و دلیل راه است
زهرا است دل من و حسن دلبندم عشق است حسین و عشق حق دلخواه
است

مهر آمد و پشت شب بیداد شکست اندیشه تثلیثی شاید شکست
هنگام مباحله ز اعجاز رسول هم اسقف و هم صلیب فولاد شکست

اسقف که گل روی محمد را دید افتاد صلیبش از کف و جامه درید
گفتا که به حق و راستی در انجیل حق کرده وجود اقدست را تایید

تنها نه که بر مسیح ترفند زدیم بر گریه خلق خسته لبخند زدیم
ای ختم رسل ببخش ما را که دگر دل را به ولایت تو پیوند زدیم

با آنکه گرفتار توهم هستیم در پیچ و خم خیال خود گم هستیم
از عاقبت مباحله میترسیم کوتاه سخن، اهل تفاهم هستیم

پیش تو صلیب را شکستن عشق است بر خاک، به درگهت نشستن عشق
است

زُنار بلند عقل خود را با صدق بر رشته دامن تو بستن عشق است

با اهل جدل مجادله باید کرد با تیغ زبان مقابله باید کرد
بر منطق وحی سر اگر نسپردند بی چون و چرا مباحله باید کرد

شعر از مه و مهر شب شکن باید گفت از فاطمه و ابالحسن باید گفت
تا خاطره مباحله گم نشود پیوسته سخن سخن سخن باید گفت

مطهره عباسیان

قرار شد دو طرف تن به احتجاج دهند
که دین مردم خود را مگر رواج دهند

قرار شد همگی با کسان خود باشند
مگر علاج به یک زخم لاعلاج دهند

نبرد شک و یقین بود و باز، اهل یقین
بنا نبود به اهل لجاج باج دهند

به حکم امر «تعالوا...» قرار بود آن روز
مسیحیان همه پایان به یک لجاج دهند

و در قبال تمام مخالفت هاشان
به رسم روز، به اهل یقین خراج دهند

شعاع نور حقیقت به هر طرف می رفت

که از حجاز به نجرانیان سراج دهند

جهان به نور تو وابسته است، ای خورشید
خوشا که با «تو» به اهل تو تخت و تاج دهند

میرفدا علی صاحب «تنها»

کبریا را ذات تو از خلق مقصود است و بس
جز محمد، مثل تو هرگز نیامد هیچ کس

نیست مثلت در خلایق، غیر ذات مصطفی
نفس احمد گشت ذاتت از خدا در هر نفس

چون تو را جان آفرین پیدا نمود و شد نهان
وا کُنْ سِرِّش تویی با صد کمال دسترس

تو زبان کبریایی، نطق حق از تو بود
أَنْتَ جَنْبُ اللَّهِ، بی شک ناید از تو پیش و پس

رفعتِ شأن تو از ادراکِ عقل کل نیافت
دیده شد عرش برین در جنب قدرش چون عدس

آتش دوزخ به جلد او حرام آمد تمام
هر که با صدق و صفا دست تو را بنمود مَس

هر که جسم پاک تو در خواب ببند واقعی
صبح بر خیزد ز جا بی شک مُبراً از هوس

ای سخای حاتم طایی برآید بی گمان
در برِ جود و عطای تو عَرَض، مانند حَس

حرف انصافِ تو را فرقان بدانند متقی
چون سراغ لیلی آید قیس از بانگ جرس

ای مسیحایی عیسی از نگاه لطف توست
ور نه کی دریافتی از ساعد جانها مَجَس

چون خدا در باب ظن فرمود: لا یُغنی به نص
حکم تو بی اجتهادِ ظنی جاری گشت و بس

هر چه فرمودی، دُرِ جَزَم و یقین سُقتی تمام
طایرِ رواعی با بی شک بر آید چون مگس

اوج علم تو که از عرش برین بالاتر است
هم چنان تا عرش باشد فرشِ جولانِ فَرَس

حکم تو در محو و اثبات است نافذ تا به حشر
حرف اعدایت نماید پیش آن، رنگین قفس

بس بود این گفتن هاتف به صد عزّ و وقار
لا فَتَى إِلَّا عَلَى لَا سَيْفٍ إِلَّا دُو الْفَقَارِ

سید مهدی صدر الحقاظی

مردم از یکدگر بپرسیدند	خبری داغ در مدینه رسید
حرفهای عجیب بشنیدند	چه شده؟ وضع شهر عادی نیست
از بزرگان شهر و از اعیان	کاروانی بیامد از نجران
با صلیبی زگردن آویزان	شصت تن با لباس زرافشان
با جلال و شکوه و با جبروت	برسر اما کلاه گوهر بافت
از زر و نقره و دُر و یاقوت	برکمرهایشان همه زنجیر
یا فرستاده شهنشاهند؟	کیستند؟ از چه آمدند اینجا
با چنین هیبتی چه میخواهند؟	درمدینه پی چه کس هستند؟
با پیمبر به داخل مسجد	آمدند از برای دیداری
که شدند این چنین چرا وارد؟	با تعجب همه نگه کردند
رفت بیرون ز مسجد آن دم زود	تا پیمبر بدید آنها را
از چه رو، او توجهی ننمود	کاروان زین عمل به حیرت شد
بود کار نبی براو مجهول	لیکن از هر کسی که پرسیدند
چون که او بود نفس و جان رسول	تا علی بر ملانمود آن راز

کان حکایت کند زاهل غرور
 مگر آنکه کنند از خود دور
 یاد راه مسیح افتادند
 لیک خود پشت گوش بنهادند
 جمله از خویش دور افکندند
 نزد پیغمبر خدا رفتند
 کرد ز آنها پیمبر استقبال
 از یکایک سوال کرد احوال
 بر پیمبر درود گفت و سلام
 آمدیم از برای آن پیغام
 از میانی دین اسلام است
 بپذیرید دین فرجام است
 از صفات خدا و روز معاد
 همه هستیم مومن و منقاد
 نبُود سازگار با اسلام
 شرک و کفر و ضلالت است و حرام
 دیگری پاسخ پیمبر داد
 بی پدر چونکه مریم او را زاد
 پیک وحی آمد آنکه از افلاک
 همچو آدم که آفرید از خاک
 آدم از او به این مقام اولاست
 هر دو مخلوق خالق یکتاست

که نبی با چنین زر و گوهر
 خوش ندارد ببیند ایشان را
 چون که دیدند این چنین رفتار
 که چگونه به سادگی می زیست؟
 شرمگین از تجملات آنگاه
 بالباسی بدون تشریفات
 با سلام و محبت و اکرام
 پس نشستند گرد پیغمبر
 اسقف اعظم از میان برخاست
 داده بودید نامه ای بر ما
 گفت پیغمبر آنچه من گفتم
 واپسین دین ز بعد دین مسیح
 خواند پس آیه هایی از قرآن
 گفت اسقف که ما به این اوصاف
 گفت پیغمبر آنچه معتقدید
 نیست فرزند کردگار «عیسی»
 مدتی اسقف از جوابش ماند
 پسر کردگار از این رو است
 لحظه ای سر فرو پیمبر کرد
 که مثال مسیح نزد خدا
 گر چنین است راه استدلال
 چون نه او را پدر نه مادر بود

بعد قدری مناظرات دگر
 تا که آمد به خواجه لولاک
 ای پیمبر بگو تو بر آنان
 پسران و زنان و جان هامان
 از جهان آفرین می خواهیم
 لعنت کردگار بر او باد
 چون پیمبر بگفت وحی خدا
 گفتگو میکنیم ما با هم
 شد مقرر که نا برون از شهر
 پس روان گشت کاروان آن دم
 نکند حق بُود به جانب او
 پس ببینیم تا که پیغمبر
 آورد مردمان عادی را؟
 وای بر ما اگر چنین باشد
 صبح فردا ز جانب مشرق
 آن گروه مسیحیان بودند
 عده ای دیگر از مسلمانان
 در فضایی چنین شگفت انگیز
 شد نفسها به سینه ها در حبس
 لحظه ها میگذشت با کندی
 آن طرف هم پیمبر خاتم
 به در خانه علی آمد
 حرف حق را نداشتند اقبال
 وحیی از سوی ایزد متعال
 هر دومان آوریم ما و شما
 پس بر آریم دست خود به دعا
 هریک از ما که بود بر باطل
 تا که مقصودمان شود حاصل
 کاروان مسیحیان گفتند:
 عاقبت آن سخن پذیرفتند
 صبح فردا روند روند هر دو گروه
 در دل اما که داشتند اندوه
 در چنین صورت او بُود پیروز
 با که می آید او به فردا روز؟
 یا گروهی ز برگزیده و خاص؟
 نُبود از عذاب استخلاص
 سر برون کرد خسروخاور
 تا ببیند اهل پیغمبر
 صف کشیده که عاقبت چه شود؟
 فاتح این مبارزه که شود؟
 چشم ها خیره شد به دروازه
 انتظاری برون ز اندازه
 بعد از آنکه نماز را خوانده
 اهل آن خانه را فراخوانده

همرهش فاطمه، علی، حَسَنین
 در حق اهل بیت عصمت خود
 "این چنین است و نیست غیر از این
 هر پلیدی و رجس و ناپاکی
 دست خود را سپس به بالا برد
 بهترینند نزد تو یا رب
 اهل نجران در انتظار رسول
 با پیمبر چهار تن همراه
 بود ابنا فقط حسن و حسین
 هم که مصداق تام انفسنا
 در میان درخت ها آنسو
 از عبایی زجنس قُطوانی
 پس بفرمود زیر آن پوشش
 دست خود سوی آسمان آورد
 ناگهان تند بادی آمد سخت
 اضطراب پرندگان هوا
 شاخ و برگ درختها افتاد
 همه حیران که عاقبت چه شود
 اُسقف آنکه نظر به یاران کرد
 این نشان ها که در طبیعت شد
 عوض لشگر و سپاه کلان
 با همین پنج تن کند مباحله او
 کرد بر سر عبا در آن شبگیر
 خواند آنگاه آیه تطهیر
 حق تعالی براده بر این داشت
 از شما خاندان فرو بگذاشت"
 ای خدا اهل بیتم ایشانند
 نزد من برترین یارانند
 ناگهان بانگ قافله آمد
 از برای مباحله آمد
 و نسا، شخص حضرت زهرا
 فاتح خیبر، امی بطحا
 خاتم الانبیا کسا انداخت
 سایبانی برای آنها ساخت
 جمع کردند اهل بیت رسول
 تا برای دعا شود مشغول
 گوشه ای ابر سرخ پیدا شد
 در فضای فلک هویداشد
 رنگ و روی هوا بشد تیره
 چشمها سوی آسمان خیره
 با صدایی گرفته بر آشفت
 از به حق بودن محمد گفت
 نوه هایند و دختر و داماد
 که بیاورده است این تعداد

هر کس از کاروان نجران گفت	مصلحت بر مقابله بُود
ولوله در میانشان افتاد	هیچ تاب مباحله نَبُود
اُسقف از بین جمع بالا رفت	روی سنگی به ایستاد آنگاه
گفت میدانم اضطراب از چیست	با محمد خدا بُود همراه
گر که نفرین نماید او مارا	همه نابود میشویم و هلاک
کوههای سترگ سر بر اوج	ذره ذره شوند همچون خاک
پیش آمد به سوی پیغمبر	دست و پایش به لرزه افتاده
که تو حقی و رحم کن بر ما	بهر چیزه شویم آماده
چون پیمبر شنید آن اقرار	منصرف از مباحله گردید
جان و اموالشان بشد محفوظ	تا که مَخْتوم قائله گردید
پس بفرمود احمد مُرسَل	گر شما را سَر مباحله بود
آتشی میگرفتتان در بر	که جزای چنین معامله بود
این چنین روز نیک و فرخنده	جشن شادی برای شیعه بُود
تا که ماند به یا در دوران	چون که از سوی حق ودیعه بُود
روز جشن مباحله یعنی	روز پیغام عزّت شیعه
روز یادآور شکوه علی	روز تعظیم شوکت شیعه
روز تثبیت حق اهل البیت	جلوه ای از فضیلت نبوی
رَشحه ای از مقام زهرایی	شمه ای از شرافت علوی
آسمانی پیام جاویدان	در تجلی باوری محکم
جشن عید مباحله گیریم	در چنین روز فرخ و خرم
غسل باید نمود و روزه گرفت	صدقه از برای مهدی داد
شکر باید کنیم یزدان را	که به ما اقتدای مهدی داد

مجید طاهری

پنج تن، آسمانی ترین
در تقابل، سپاه زمین

پنج تن، با یقینی سترگ
در تقابل، گمانی بزرگ

پنج تن، نور حق بی گمان
در تقابل، ز حق بی نشان

مقتدا خاتم است و طیب
چیست اینجا سخن از صلیب؟

زنده شد یاد عیسی به راه
لیک نجران به سوی گناه

بشکفد نور در قلب شب
افتد از شاخه هایش رطب

ای خوشا پر گرفتن به نور

از سیاهی نمایی عبور

تا به آغوش صبح سپید

تا به آغوش نور امید

تا به شوق آرَدَت بی دریغ

تا به اوج آرَدت بر ستیغ

تا بگیری ز رویت غبار

تا بیاید به رویت بهار

اهل بیت آمدند و رسول

تا شود رحمت حق نزول

آیه آمد که همره نما

گو که آید علی، جان ما

با علی همسرش فاطمه

آنکه در مهر، شد قائمه

مجتبی قهرمان نبرد

در کرامت بزرگ است و فرد

گو که یارت حسینت شود
چلچراغ دو عینت شود

گوشواران عرش آمدند
افتخارات فرش آمدند

درمقابل کسانی لجوج
راه نابرده سوی عروج

از عقوبت همه بی هراس
بر شئون نبی ناسپاس

چشم بر علم ها بسته اند
از علوم لَدُن خسته اند

هرچه گفتند احمد حق است
از سوی خالق مطلق است

گوش، کر، چشم بستند بس
ره گشودند بر خار و خس

"نبتهل" زنگ رسوایی است
حاصل دید دنیایی است

لعت احمد و عترتش
دورگردیدن از رحمتش

برکسی که ز حق دور گشت
چشمش از روی حق کور گشت

چشم بستن ز نور جلی
سد شدن در مسیر ولی

کار هر روزِ هر دشمن است
مثل روز نبی روشن است

بر ولی زمان، شد مُباح
اعتراضِ قبیح، افتضاح

این شعار است در دین و دین
ما تَرَکناکَ یا بنَ الحُسَین

نیتت در سیاست کجاست

در سیاست ولایت کجاست

باش طاهر همیشه به فکر

فکر طاهر بیاید به ذکر

محمدعلی نوری

آدم ز سیبِ غبطه به جاهِ شما چو خورد...

خود را از آسمانِ بهشتی به خاک بُرد

" لا تَقْرَبَا... " اشاره به یکتایی شماست

این را خدا ز فضل و کراماتتان شمرد

هستید جانشینِ خداوند در زمین

هر کس که خاکِ پای شما گشت، حَشْر، بُرد

دُرْدی کِشِ مَحَبَّتِتان ، غرق در خداست

زیرا شما به عشقِ خدا می کِشید دُرْد

باشد کمالِ خلق ، گدایی تان ، یقین...

خوشبخت آنکه سر به سریر شما سپرد

تا که گذاشت روح شما را به جسم ، حق...
گفت آفرین به خویش ؛ چنین داد باز خورد!

اجر شهید ، روزی آن بنده می شود...
که با محبت به شما زنده بود و مُرد

تسلیم امر و نهی شما هر کسی که هست
در جنگ با هوا و هوس ، غالب است و گرد

بر فتح ، بر ظفر ، به نجات و به سوی حق
جز امتثال امر شما نیست راهبرد

گر شد عیان حقوق شما در مباحله...
بر حقّ تان زدند ولی بعد ، دستبرد

اشکی که ریخت از نظر ، از ماتم شما
زنگار جرم را ز رخ صاحبش ، سترد

از ماتم حسین نباشد عظیم تر
شد ذبح ، او و آب ولی قبل از آن نخورد...

چشمش به او که خورد " عزیز علی... " گفت

از ابتدا پیامبر از غصّه‌اش فِسرُد

حتّی نمی‌شود به شما خورد غبطه ، هم
ای خاندان! به پیشِ شما کُلُّ شیء ، خُرد

محمدعلی نوری ۲

نامه نوشته شد ز نبی به مسیحیان:

«ایمان بیاورید به دین، بی‌مجادله»

آخر، ولی نشد که بیارند رو به حق
چون بودشان به دست، از آهواء، سلسله

از گفت و گو گذشت و بنا شد که روز بعد
هر دو طرف کنند به صحرا مباحله

نجرانیان به یک طرف، اسلام یک طرف
تاریخ بود شاهدِ این رزم و غائله

دیدند که پیامبر و خانواده‌اش ...
در قلبشان فتاد از این وضع، زلزله

با خوف و لرزه، دست به دامان او شدند
«بگذر ز ما که در دلمان است ولوله»

بالابلند، پرچم اسلام و اهل آن
در آسمان، ملائکه کردند هلهله

علیرضا قاسمی

سلام من به بچه های شیعه
که دنبال حقیقتن همیشه

می خوام بگم یه قصه ای براتون
عوض بشه یکم حال و هواتون

یه قصه از یه روز خیلی مهم
نگی یه وقت نگفتی این و بهم

یه شهری بود به اسم شهر نجران
مسیحی بودن همه ، نه مسلمان

یه روز پیامبر خدا مُحَمَّد

یه نامه داد برآشون از محبت

دعوت پِشَن به دینِ خوبِ اسلام
به دینِ مهر و دینِ عشق و اِکرام

ولی قبول نکردن و با اصرار
اسلام و دینِ ما رو کردن انکار

خدا بگفت به حضرتِ محمد
مُباهِلِه پِکُن با اون جماعت

یعنی که مردمانِ شهرِ نجران
بیان و با پیامبر و عزیزان

دُعا کُنن خدا عذاب کُنه اون
کسی رو که نبوده حق باهاشون

روزِ مُباهِلِه رسید و نجران
دیدن پیامبر اومده چه خندان

دستِ امام حسن رو توی دستاش
امام حسین رو هم آورده همراهش

حضرت زهرا و علی رو هم با
خودش آورده بود به همراه

مسیحی ها وقتی دیدن که احمد
رسید با خانواده اش به مقصد

ترسیدن و گفتن با هم که حتما
حق با پیامبر خداست و قطعا

باید به حرفای نبی کنیم گوش
این روز رو هرگز نکنیم فراموش

میلاد حبیبی

به جنگ می رود اما سپر نمی خواهد
خدا که هست، کسی را دگر نمی خواهد

همین که دیده شود مریم و چهار مسیح
رقیب معجزه بیشتر نمی خواهد

کسی که خلقت خلق است بسته بر نفسش

در این مجادله تیغ دو سر نمی‌خواهد

به «آه سرد» نیازی نداشت برگ خزان
درخت سوخته دیگر تبر نمی‌خواهد

هنرنمایی این پنج نور خوش‌رویی‌ست
و گر نه لعنت و نفرین هنر نمی‌خواهد

عجیب نیست محمد دعا کند به حریف
که او برای کسی دردسر نمی‌خواهد

مراد «لو کره المشرکون» شد از آغاز
کسی که نور تو را جلوه‌گر نمی‌خواهد

فاطمه خمسی

آمد، ندا، که ای محمد، ای رسول حق
رو سوی دشمنان خدایت به امر حق

گو من می‌آیم و خاندانم به سویتان
آیید تا "ثم نبتهل" کنیم ما به امر حق

نجران به لرزه افتاد از دعوت رسول
غافل، که دعوت نموده پیمبر به امر حق

فرا رسید سرانجام موعد مباحله
نبی و خانواده همه تسلیم، به امر حق

قدم نهاد پیمبر، علی و فاطمه همراهش
حسن به دست وحسین درآغوشش به امر حق

اهل مدینه بدرقه کردند اهل بیت پیغمبر
تا بید نور خدا به چهره احمد به امر حق

تا شد عیان هیبت پنج تن، بر دشمنان دین
فریاد الامان گرفت همه جا را به امر حق

کردند مشرکین همه تعظیم سوی او
روز مباحله شد فتح المبین به امر حق

علی فانی

عالی اعلا حیدر والی والا حیدر
حکم تو حکم یزدان شاه بی همتا حیدر

دست حق جان احمد همسر زهرا حیدر

لحظه های شیدایی ذکر حیدر می گیرم
نور مطلق می پوشم از سیاهی پر گیرم

تشنه عشق اویم از غم جز او سیرم
ای همه رویایم تو، کُن به وصلت تعبیرم
آرزویم، آبرویم، گفتگویم یا مولا

عالی اعلا حیدر والی والا حیدر
حکم تو حکم یزدان شاه بی همتا حیدر
دست حق جان احمد همسر زهرا حیدر

ای تو جان پیغمبر، ای نفس های زهرا
ای که خفتی در بستر زیر صد تیغ برآ
ای که دادی بهر حق در نمازی بی همتا
در رکوعت انگشتر، در سجودت فرقت را
ای تو ایمان، جان قرآن، یا علی جان یا مولا

عالی اعلا حیدر والی والا حیدر
حکم تو حکم یزدان شاه بی همتا حیدر
دست حق جان احمد همسر زهرا حیدر

فاطمه می خندد یا مهر و مه را می بینم
نور مطلق می پوشم، تیرگی را برچینم
پر گشایم تا زهرا، آفتاب او من شبنم
گر ز کیشم پرسد کس، مهر زهرا شد دینم
ای تو کوثر، ای تو مادر، سایه‌ی سر یا زهرا

عالی اعلا حیدر والی والا حیدر
حکم تو حکم یزدان شاه بی همتا حیدر
دست حق جان احمد همسر زهرا حیدر

علی انسانی

امر نبی است بهر نبی، میر مسلمین
روز عظیم و عزت خیرالوراست این

آورده چار یار و خود این یار راستین
یعنی گواه عاشق صادق در آستین

هستی شده است چشم که بیند مباحله
کامل‌ترین رسیده و آورده تکمله

شاعر نیامده است که دیوان نشان دهد
ساحر نبوده است که ثعبان نشان دهد

آمد به خارزار، گلستان نشان دهد
با مصحفش تکامل انسان نشان دهد

زین مرد اُسوه، حق به یقین خوبتر نداشت
محبوبتر نداشت و مجذوبتر نداشت

مردی رسد که چشم فضیلت به راه اوست
لبریز از فروغ هدایت نگاه اوست

یوسف در آرزوی فتادن به چاه اوست
خود حق پناه و خیل رسل در پناه اوست

شاید مسیح چهره بساید به درگهش
آید یکی ولی همه هستی به همراهش

می آید آن که منطق و برهان بیاورد
بهر کویر سوخته، باران بیاورد

امن و امان بیاورد، ایمان بیاورد

برتر ز هر چه معجزه، قرآن بیاورد

در عزم جزم «كَالجَبَلِ الرَّاسِخِ» آمده
دینش به هر چه دین، پس از این ناسخ آمده

این پنج تن، تجسم باور به داورند
عالم تمام پیکره، این پنج تن سرند

این پنج هر یکی به جهانی برابرند
گفتم برابرند! غلط بود، برترند

شوی و دو پور مادر سادات آمدند
خم خانه‌های پیر خرابات آمدند

این آینه که در دل او جز صفا نبود
یک لحظه از عطوفت و رحمت جدا نبود

این عبد، بنده‌ی احدی جز خدا نبود
دستور اگر نبود، به نفرین رضا نبود

قلب نبی است منزل آیات مُنزله
آورده روشنی به چراغ مباهله

بوحارثا! برو ز مسیحا سؤال کن
تورات را ببین و ز موسی سؤال کن

معنای لفظ «أَنْفُسَنَا» را سؤال کن
این کیست در کنار نبی؟ ها! سؤال کن

او حیدر است و نفسِ نفیسِ نبی، علی است
وین دو مبین به غیر یکی، ورنه احوالی است

أَسْقُفُ ز صحنه لرزه به جانش فتاده بود
هستی به پا، به گفتن آمین ستاده بود

لب را اگر رسول به نفرین گشاده بود
خاک مسیحیان همه بر باد داده بود

نفرین ولی نکرد و بر این راز پرده به
روح دعاست احمد و نفرین نکرده به

باطل که نور و جلوه‌ی حق دید، رنگ باخت
آمد یقین به معرکه، تردید رنگ باخت

فانوس‌واره در بر خورشید رنگ باخت
تثلیث در برابر توحید رنگ باخت

اسلام دین برتر و آیین سرمد است
خُلُقِ عظیم و ختم رسولان محمد است

امروز روز احمد و تثبیت مرتضاست
در دست مهرِ دست خدای دست مجتباست

و آن نازدانه‌ای که در آغوش مصطفی است
باشد حسین فاطمه، سلطان قلب‌هاست

و آن بانویی که چرخ به تعظیم او خم است
خیرالنّسای عالم و بانوی مریم است

قاسم صرافان

محمد، با خودش آورد، محبوبش، حبیبش را
حسن، آن باغ حُسنش را، حسین و عطر سبیش را

زنی از راه می‌آید، که دارد آرزو مریم،
به رویش وا کند، یک لحظه چشمان نجیبش را

این پنج نور، علت زیبای خلقتند
اسرار پنج حرفِ حروف «کرامت»ند

این خانواده اشرف اولاد آدمند
اینها طبیب درد طیبیان عالمند

این پنج تن خلاصه‌ی احساس خالقند
اندازه دل همه‌ی خلق، عاشقند

خاکی شدند تا ره افلاک وا کنند
«آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند»

زیباترین سپاه به میدان رسیده بود
وقت شکوه بزم دلبران رسیده بود

آنان که لاف، پیش شه لافتی زدند
تا چشمشان به هیبتش افتاد، جا زدند

یک اخم مرتضی علی و ختم غائله
اینگونه شد خلاصه‌ی روز مباحله

رسید از راه، روح‌الله و سر‌الله و سیف‌الله
شنید از آسمان، عیسی‌ابن‌مریم هم، نه‌بیش را

نگاهی می‌کند یعسوب و می‌ترسند ترسایان
چه کس، این‌گونه بیرون کرده از میدان، رقیبش را؟

پپرس از خیبر، ای نجران! که لرزان با تو واگوید
چه خواهد شد اگر حیدر، کِشد تیغ مه‌بیش را

«پدر» با ما، «پسر» با ما، دَمِ «روح‌القدس» با ماست
بگو در پای حیدر، افکند ترسا، صلیبش را

این خانواده جلوه‌ی رحمانند
معنا و شرح، نه، خودِ قرآنند

وجه خدا و چشم خدا هستند
در پیش کفر، خشم خدا هستند

این خشم، شور دیگری از عشق است
غیرت، ظهور دیگری از عشق است

گفتم ظهور و یار دلم را برد

عطر خوش نگار دلم را برد

صبحی ظهور می کند آن مهرو
هر پنج نور پاک خدا، با او

با او ببین نجابت کوثر را
حال و هوا و هیبت حیدر را

نور حسن، به روی درخشانش
شور حسین در همه‌ی جاناش

با کوفیان مباحله خواهد کرد
این بار ختم غائله خواهد کرد

می آید و بشارت عیسی اوست
ماه کنیسه‌ها و کلیسا اوست

آرامش ندیده‌ی دنیا اوست
سجده کنید، یوسف زهرا اوست

نتیجه گیری

کتاب فعلی نشان می دهد با وجود مغفول و مظلوم ماندن عید و واقعه مباحله، اما تلاش های نوشتاری در این زمینه اندک نیست و البته هنوز جای کارهای بیشتری در این راستا وجود دارد. لذا می توان گفت پرداختن به مقوله مباحله به دلایل زیر ضرورت دارد:

۱. اهمیت ذکر مناقب آل الله
۲. لزوم یادکرد نمادهای هویتی
۳. بذل عنایت بیشتر به نمادهای مغفول تر
۴. جایگاه بلند مباحله در عرصه مناقب و فضایل
۵. ضرورت انجام کارهایی که باعث رضایت اهل بیت می شود
از کارهایی که باید انجام دهیم، می توان به این موارد اشاره نمود:
۱. جافتادن مباحله به عنوان یک عید
۲. مراسم جشن و شادی
۳. برگزاری نشست های علمی مذهبی
۴. نگارش مکتوبات و تحقیقات جدید
۵. چاپ آثار قدیمی مرتبط
۶. برگزاری مسابقات علمی هنری برای رده های مختلف
۷. کتاب سال مباحله
۸. جشنواره شعر
۹. فیلم و سریال
۱۰. تبلیغ مرتبط با ایام مباحله
۱۱. مسابقه کتابخوانی مباحله

۱۲. تاسیس و احیای نهادهای مرتبط

در پایان لازم است یاد کنیم از بنیاد مباحله، که اقدامات مفیدی را سامان داده بود که متأسفانه به هر دلیل، شاید یکی از دلایل عمده بحث کرونا باشد، فعالیت هایش تنزل یافته است. ما در این کتاب از برخی زحمات تفحصی این بنیاد به ویژه در بخش اشعار مباحله بهره بردیم. امید است به زودی شاهد شکوفایی و افزایش فعالیت های این بنیاد مبارک باشیم.

در پایگاه اینترنتی همین بنیاد این سوال پرسیده شده: «برای گسترش و ترویج این موضوع چه باید کرد؟» و پاسخ همان بنیاد را حسن ختام خویش قرار می دهیم: باید بیشترین توان خود را صرف این نماییم که موضوع مباحله را در میان نخبگان فرهنگی و مبلغان دینی به صورت یک «دغدغه» در آوریم، در نتیجه این مسئله در جوامع مذهبی به صورت یک «گفتمان عمومی» در آمده و خود به خود زمینه‌ی ترویج و تبلیغ آن فراهم می‌آید...

امید است به یاری خدای بزرگ و در ظل عنایات یادگار مباحله، حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه الشریف، توفیق احیای این فضیلت خاصه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام را بیابیم، باشد که در استحکام باورهای جامعه شیعی موثر افتد.

پیوست

نظربه اینکه در راستای منبع شناسی مباحثه محقق متواضع، استاد حسین متقی فضل تقدم و تقدم فضل داشته و دارند، مقاله ای را که ایشان چند سال قبل نوشته در اینجا می آوریم تا هم از این نویسنده، محقق و کتابشناس ارجمند یادى نموده باشیم و هم مشخص شود به غیر از مواردی که در فصول کتاب آورده شد، موارد دیگری نیز هست. طبعاً اگر استاد متقی هم اکنون مقاله یا کتابی پیرامون مصدرشناسی واقعه مباحثه می نوشتند، بسی پر بار تر و کاملتر از اثر کنونی بود. مقاله ایشان با نام «عید مباحثه و نگاهی به دستنویس‌های آن» یا عنوان «عید مباحثه و نگاهی به میراث مکتوب آن روز مبارک» منتشر گشته است. از خداوند سبحان مزید توفیقات ایشان را خواستاریم:

مباحثه در لغت «برداشتن قیود» و در اصطلاح «یکدیگر را نفرین کردن» است. رویداد مباحثه در ۲۴ ذی الحجّه سال ۱۰ هجری بین پیامبر (ص) با مسیحیان نجران، گزارش گردیده است.

مباحثه در لغت «برداشتن قیود» و در اصطلاح «یکدیگر را نفرین کردن» است. رویداد مباحثه در ۲۴ ذی الحجّه سال ۱۰ هجری بین پیامبر (ص) با مسیحیان نجران، گزارش گردیده است.

پیامبر (ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را با خود به میعادگاه مباحثه برد، اما وقتی نمایندگان نجران، با ایمان راسخ پیامبر (ص) مواجه شدند که با اطمینان، عزیزترین کسان خود را به میدان مباحثه آورده است، بیمناک شدند و از مباحثه خودداری کردند و به این ترتیب آنان با پرداخت جزیه، بر آیین خود، باقی ماندند. در این نوشتار، افزون بر بررسی کوتاه رویداد مباحثه و بیان تاریخ و اعمال این روز، گزارشی نیز از آثار دستنویس که مستقلاً یا مشتملاً درباره مباحثه نوشته

شده همراه آثاری که در این روز تألیف یا کتابت گردیده‌اند، به انضمام لیستی از برخی کتب چاپی، پایان‌نامه‌ها و مقالات مربوط با رویداد مهمّ مباحله، ارائه گردیده است.

کلید واژه: مباحله، پیامبر اکرم (ص)، اهل بیت (ع)، مسیحیت، نجران، اهل کتاب، قرآن کریم، نسخه خطی.

مباحله در لغت و اصطلاح

واژه مباحله از ریشه <بهل> است، در لغت به معنی <برداشتن قید و بند از چیزی> می‌باشد و در اصطلاح نیز به معنی یکدیگر را لعنت و نفرین کردن است (بَاهِلَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، أَى تَلَاعَنُوا). کیفیت مباحله بر اساس ین سنت دیرین، نیز بدین گونه است افرادی که درباره یک مسأله مذهبی مهمّی مباحثه دارند و طرف مقابل انکار می‌کند، به جهت تعیین حقیقت، در محلیّ تجمع می‌نمایند و به درگاه ربوبی تضرّع نموده و از او می‌خواهند که کسانی را که به ناحق و کاذب هستند را مجازات نماید.

گزارشی کوتاه از واقعه مباحله

مباحله پیامبر صلوات الله علیه و آله، با مسیحیان نجران، در روز ۲۴ ذی الحجّه سال ۱۰ هجری، در آخر عمر شریف حضرت، رخ داده است. آن بدین صورت بوده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله، طی مکتوبی، نصرانیان نجران را به آیین اسلام دعوت نمودند، هیأتی از نصارا به مدینه آمدند و با حضور در مسجد آن حضرت، به بحث و گفتگو با وی پرداختند و با آنکه حق برای آن‌ها روشن شده بود، از روی لجاجت و عناد حاضر به پذیرش حق نشدند و پیامبر نیز طبق دستور خداوند متعال: ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى

الْكَافِرِينَ ﴿١﴾ «هرگاه بعد از دانشی که به تو رسیده، کسانی با تو به ستیز برخیزند، به آنها بگو بیاید فرزندانمان و فرزندانمان و زنانمان و زانتان، و ما خویشان نزدیک و شما هم خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم؛ سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ گویان قرار دهیم»، از این رو پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مأمور شد تا به آنها پیشنهاد مباحله دهد.

روزی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، قصد مباحله کرده بود، عبایی بر دوش مبارک انداخت و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را در زیر عبای مبارک جمع کرد و گفت: «پروردگارا! هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص‌ترین خلق به او بوده‌اند. خداوند! اینان اهل بیت منند. پس شک و گناه را از ایشان برطرف کن و ایشان را (از هر گونه پلیدی) پاک کن»؛ در این هنگام جبرئیل امین نازل شد و آیه تطهیر را در شأن این خانواده، فرود آورد: ﴿إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرْكُمْ تَطْهِيراً﴾ [۲] «همانا خداوند می‌خواهد از شما، خاندان پیامبر، پلیدی را ببرد و شما را پاک کند، پاکی کامل».

باید افزود تمامی سرچشمه‌های شیعه و سنی متفق القولند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین صلوات الله علیهم را با خود به میعادگاه برد و وقتی هیئت نمایندگان نصرانی نجران، وارستگی پیامبر را مشاهده کردند و وقتی دیدند آن حضرت با ایمانی راسخ به قدری مطمئن است که تنها عزیزترین و نزدیک‌ترین کسان خود را به میدان مباحله آورده است، سخت بیمناک شدند و از مباحله خودداری کردند و از ایشان خواستند تا اجازه دهد آنان با پرداخت جزیه، تحت حکومت اسلامی، بر آیین خود، باقی بمانند.

مفسر کبیر قرآن کریم، علامه طباطبایی (ره) در این باره می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مقام امتثال این فرمان از «أنفسنا» به غیر از علی و از

<نسائنا> بجز فاطمه سلام الله عليها و از <أبنائنا> بجز حسنین علیهما السلام را نیاورد، معلوم می‌شود برای کلمه اول، بجز علی علیه السلام و برای کلمه دوم بجز فاطمه سلام الله عليها و از سوم نیز بجز حسنین علیهما السلام مصداق نیافتند و کأنه منظور از <بناء> و <نساء> و <نفس> همان اهل بیت رسول خدا صلوات الله علیه و آله بوده، هم‌چنان که در بعضی روایات به این معنا تصریح شده است [۳]. حضرت آیت‌الله جوادی آملی، نیز به تعبیری دیگر، اشاره کرده‌اند که با توجه به این که <أبناء> و <أنفس> جمع و <نساء> اسم جمع است، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باید حداقل نُه نفر را همراه خود می‌برد (۳ مرد، ۳ زن و ۳ فرزند)، زیرا اقل جمع، ۳ نفر است، در حالی که فقط چهار نفر را همراه خود برد. این، نشان می‌دهد که آن حضرت بیش از چهار نفر، واجد صلاحیت برای شرکت در میدان مبارزه معنوی نیافت. از این رو نیاوردن دیگران به میدان مباحله، نشان می‌دهد که دیگران مصداق <أهل البیت> نبوده‌اند [۴].

رویداد مبارک مباحله، از ۵۱ طریق روایت شده است و منابع شیعی و سنی متفقند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین صلوات الله علیهم را همراه خود به میدان مباحله آورده‌اند. خبر کامل واقعه مباحله در بحار الانوار (ج ۲۱، صص ۲۷۶-۳۵۶) آمده است. باید دانست که در حدود شصت نفر از بزرگان اهل سنت نیز تصریح نموده‌اند که آیه مباحله، درباره اهل بیت علیهم السلام، نازل شده است. از جمله این شخصیت‌ها می‌توان به این موارد اشاره نمود: <مسلم بن حجاج نیشابوری در کتاب الجامع الصحیح، احمد بن حنبل در کتاب المسند خود، طبری در کتاب تفسیر معروف خود، حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک، حافظ ابونعیم اصفهانی در کتاب دلائل النبوة، واحدی نیشابوری در کتاب أسباب النزول، فخر رازی در تفسیر معروف خود، ابن اثیر در کتاب جامع

الاصول، ابن جوزی در کتاب تذکره الخواص، قاضی بیضاوی در تفسیر مشهور خود، آلوسی در تفسیر روح المعانی، طنطاوی در تفسیر الجواهر، زمخشری در تفسیر الکشاف، ابن حجر عسقلانی در کتاب الاصابه، ابن صباغ در کتاب الفصول المهمه، قرطبی در تفسیر الجامع لاحکام القرآن و الخ.

اعمال روز مبارک مباحله

روز بیست و چهارم ذی الحجه، روز مباحله پیامبر صلی الله علیه و آله، با مسیحیان نجران، از آنجا که گواهی گویا بر حقانیت و درستی دعوت آن حضرت و عظمت شأن اهل بیت (ع) اوست، به جهت تیمن و تبرک این روز - که افزون بر نزول دو آیه شریفه مباحله و اهل بیت علیهم السلام، سوره هل اتی هم بروایت در این روز نازل شده است - در مصادر ادعیه و زیارات، اعمال مخصوصی برای این روز مبارک، با استناد به کلمات نورانی و دُرربار معصومین کرام علیهم السلام، ذکر شده است، از آن جمله می‌توان به: <غسل، روزه، دو رکعت نماز، دعای مباحله، زیارت امیرالمؤمنین (ع) و زیارت جامعه کبیره> اشاره نمود [۵].

مباحله، حجتی زنده و سنتی جاوید برای اثبات حقانیت دین

طبق آن چه از برخی روایات فهمیده می‌شود، مسأله مباحله، اختصاص به شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله و آن هم در خصوص ماجرای نصارای نجران ندارد؛ بلکه افراد با ایمان می‌توانند برای اثبات حقانیت اسلام، مباحله کنند. طبق این روایات، ائمه اهل بیت علیهم السلام نه تنها این عمل را مشروع دانسته‌اند، بلکه بدان سفارش هم کرده‌اند؛ برای نمونه روایاتی در باب المَبَاهَلَه کتاب الکافی و همچنین در بخش أَبْوَابُ الدُّعَاءِ کتاب وسائل الشیعه، باب‌های ۵۶ و ۵۷ درباره مباحله هست با عناوین: <بَابُ اسْتِحْبَابِ مَبَاهَلَةِ الْعَدُوِّ وَ الْخَصْمِ وَ كَيْفِيَّتِهَا وَ

اسْتِحْبَابِ الصَّوْمِ قَبْلَهَا وَ الْغُسْلِ لَهَا وَ تَكَرَّرِهَا سَبْعِينَ مَرَّةً > و <بَابُ اسْتِحْبَابِ كَوْنِ الْمُبَاهَلَةِ بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَ طُلُوعِ الشَّمْسِ > [۶].

طبق بیان علامه طباطبایی: <مباحله حجت زنده است>; ایشان مباحله را از معجزات باقیه اسلام و قرآن می‌دانند و فرموده‌اند: <هر فرد با ایمان می‌تواند به اولین پیشوای خود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، تأسی نموده، در راه اثبات هر حقیقتی از حقایق ثابت‌ه دین با همین سلاح، پنجه در پنجه خصم خود انداخته، با درخواست از پیشگاه خدای توانا، فرمان نابودی وی را صادر کند. این دانشمندان هر وقت خواستند، می‌توانند با فردی از افراد با ایمان مسلمین مباحله کرده، حقانیت این آئین پاک و دعاوی آن را آزموده و ثبوت هویت معجزه را از نزدیک و با رأی العین، مشاهده نمایند. این گوی و این میدان > [۷]. آن مرحوم همچنین درباره عمومیت مباحله می‌فرماید: <آیه مباحله در این که مباحله حق، عمومیت دارد و اختصاص به مباحله نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) با نصارای نجران ندارد، خالی از اشعار نیست و اخباری که از اهل بیت عصمت علیهم السلام رسیده در عمومیت مباحله صراحت دارند. امام باقر علیه السلام در مناظره‌ای که با عبدالله بن عمر لیثی، در مشروعیت نکاح متعه دارد، عبدالله بن عمر را به مباحله دعوت می‌کند و همچنین در روایتی امام علیه السلام یکی از شیعیان را که با بعضی از اهل تسنن، مناظره مذهبی داشته، امر می‌کند که طرف خود را به مباحله دعوت کند؛ بنا بر این مباحله آیتی است عمومی که خدای متعال آن را پشتیبان حق قرار داده است > [۸]

محقق نراقی رحمه الله در کتاب خزائن آورده است: <مرحوم میرزا ابوالقاسم میرفندرسکی (متوفی ۱۰۵۰هـ) در یکی از مسافرت‌ها به شهری [در هندوستان] که ساکنانش نصرانی بودند، وارد شد و با مردمش معاشرت پیدا کرد. روزی از روزها

عده‌ای برای تخطئه مذهب میرزا گفتند: یکی از چیزهایی که نشان‌گر حقانیت مذهب ما و باطل بودن مذهب شماسست، استحکام معابد [، کلیساها] و صومعه‌های ماست تا آنجا که بعضی از آن‌ها از زمان ساختشان که بیش از هزار سال می‌گذرد، بدون هیچ‌گونه عیبی باقی مانده‌اند؛ به خلاف مساجد و معابد شما که غالباً طبق آنچه که ما دیدیم، بیش از یک قرن باقی نمی‌ماند. آیا دلیلش این نیست که حق خود را حفظ می‌کند و باطل همیشه در معرض زوال است؟! میرزا (ره) در جواب فرمود: علتش این نیست؛ بلکه چون این بناها طاقت کلمه حق و اعمال صالحه و عبادات مقبوله مؤمنین را ندارد، به خاطر همین سستی و خرابی در معابد ما پدید می‌آید؛ به خلاف معابد شما که در آن‌ها کلمه حقی که مورد رضایت خدا باشد، به آسمان بالا نمی‌رود. شاهدش هم این است که اگر در یکی از معابد شما که درباره‌اش چنین می‌گویید اعمال حق ما قرار گیرد و آن راز و نیازهای مقبول از آنجا به طرف آسمان بالا رود، خواهید دید که آن بنا هم در مقابل خدا و از ترس مقام الهی خاضع و خاشع و ذلیل خواهد گشت. آن‌ها گفتند: این ادعا را فقط با امتحان قبول می‌کنیم. سپس کنیسه‌ای را نشان دادند که مدعی بودند قدیمی‌ترین و محکم‌ترین کنیسه‌شان است. گفتند آن‌جا برو و هر کاری می‌خواهی انجام بده؛ اگر با کارهای تو در عمارت خلل و سستی پدید آمد، ادعای تو درست خواهد بود و گرنه باید قبول کنی که سخن ما صحیح است. میرزا (ره) قبول کرد و پس از تطهیر و وضو، با استمداد از ذات الهی و توسل به اجداد طاهرینش (علیهم السلام) داخل آن معبد بزرگ شد. در کمال جلالت و هیبت در حالی که اهالی شهر اطراف معبد اجتماع کرده بودند، اذان و اقامه گفت و هنگامی که آماده تکبیرة الاحرام شد، تمام وجودش را به خداوند سبحان سپرد و کلماتی را که درخت کوه طور با حضرت موسی علیه السلام سخن گفته بود، به زبان آورد و در نهایت تعظیم و اُبّهت گفت:

"الله أكبر" و پس از گفتن آن، فوراً از معبد خارج شد. چشم بر هم زدنی نگذشت که آن بنای بزرگ خراب شد و با خاک یکسان گشت و از آن معبد جز تلی از خاک بر جای نماند [۹].

حجت الاسلام رجبی، قائم مقام مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره) نیز در گفتگویی، اشاره داشتند که: > اگر شرایط همان شرایطی باشد که در آن مقطع وجود داشت، امروز نیز می‌توان مباحله کرد. اگر همان گونه که در آیات قرآن اشاره شده است، شرایط به گونه‌ای باشد که برای اثبات حقانیت اسلام بحث‌های علمی انجام و دلایل متقنی بر حق بودن اسلام ارائه شود و علاوه بر آن، این دلایل از سوی صاحب نظران و کسانی که از لحاظ معنوی درجات عالی تقرب الهی را دارا بوده و به دستورات الهی عمل می‌کنند، تبیین و تشریح شود، می‌توان سنت مباحله را اجرا کرد. نقل می‌کنند که مرحوم علامه طباطبایی در زمان حیات خویش فرموده بودند که اگر کسانی باشند، ما حاضر هستیم در حقانیت اسلام و دستورات آن بحث کرده و مباحله کنیم [۱۰].

باید افزود که مرحوم آقا بزرگ تهرانی نیز در خصوص مباحله با منکرین حق در کتاب شریف الذریعة إلى تصانیف الشيعة (ج ۱۹، ص ۴۷) اثری دستویس با عنوان رساله فی المباحله مع المخالفین للحق تألیف مولی محمد کاظم بن محمد شفیع، هزارجریبی مازندرانی حائری (د. ۱۲۳۴ هـ) گزارش کرده است که نسخه‌ای از آن ضمن مجموعه‌ای بخط مؤلف، در کتابخانه مرحوم شیخ عبدالحسین طهرانی در کربلا بوده است.

باید افزود هر چند نزد شیعه امامیه اثنی عشریه، مباحله، سنتی جاوید و حجتی زنده شمره می‌شود، اما ذکر نمونه ذیل، نشان می‌دهد، این امر، به ندرت، در میان اهل سنت، نیز، در دوره‌هایی رایج بوده است. برای نمونه در نسخه خطی کتابخانه

مرکزی دانشگاه تهران، با عنوان رساله در نکوهش تصوف [۱۱] تألیف ملا حسن بن محمدعلی یزدی حائری (د. ۱۲۴۲هـ) که بیشتر در نقد اندیشه‌های ابن عربی (د. ۶۳۸هـ) است، یکی از عناوین اثر این است: <در گفتگوی شهاب‌الدین ابن حجر با ابن الامین پیرو ابن عربی، بنقل تقی‌الدین فارسی (به تازی)، که ایندو درباره ضلالت ابن عربی در رمضان، مباحله کردند و ابن الامین پس از این، در روضه در ذیقعدہ ۷۹۷ کور شد و مُرد و ابن حجر می‌گوید من میدانستم که یکسال نمی‌کشد!>
روز مبارک مباحله در نسخه‌های خطی

الف) نمونه‌هایی از آثار مستقل ترائی در باره مباحله

پیش از گزارش نسخه شناسی آثار دستنویس درباره مباحله، مقدمتاً باید گفت که مرحوم آقا بزرگ تهرانی در این موضوع در کتاب الذریعة (ج ۱۹، ص ۴۷) از دو اثر با عنوان کتاب المباحله، یکی تألیف ابوالفضل محمد بن عبدالله شیبانی و دیگری از ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی مشهور به ابن ابی‌العزاکر (گویا از تألیفات دوره استقامت وی) یاد نموده است. کتاب اول نزد سید بن طاووس بوده است و او در کتاب الاقبال خویش از آن اثر بیست و پنج صفحه، خبر طویل مباحله را نقل نموده است. به نظر می‌رسد، هر دو این کتب، در گذر زمان، مفقود گردیده و متأسفانه تاکنون نسخه‌ای از آن دو، در منابع و فهرس داخلی و خارجی، گزارش نشده باشد.
- ترجمه دعای مباحله

از: علامه محمدباقر بن محمدتقی مجلسی اصفهانی (د. ۱۱۱۰هـ)

شماره <۱۲۶۷۷/۱۱> (کتابت اواخر سده ۱۱هـ) نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی (رک. فهرست، ج ۳۲، ص ۲۰۰).

گزارش متن: ترجمه فارسی دعای مباحله همراه مقدمه‌ای نسبتاً طولانی است. باید دانست این دعای شریف، به نقل از <محمد بن سلیمان دیلمی>، به روایت

<حسین بن خالد> از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، در کتاب مصباح المتهجد، تألیف گرانسنگ شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد بن حسن، طوسی، مشهور به شیخ طوسی (د. ۴۶۰هـ) آمده است. نیمه نخست این دعا، با دعای سحر معروف، کاملاً همخوانی دارد، لیکن آنچه در مصباح المتهجد به عنوان دعای سحر آمده، فقط در سیاق انشاء، با این دعا همخوانی دارد. باید افزود که عمده کتب ادعیه مخطوط موجود در کتابخانه‌های ترائی، حاوی دعای مباحله می‌باشند. ترجمه فارسی بخشی از دعای مباحله چنین است: <خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و به من شادی و خرمی، استقامت و گشایش، عافیت و سلامت و کرامت، روزی پاک و فراوان، و هر نعمت و وسعت که نازل شده یا از آسمان به زمین نازل می‌شود، قسمت کن. خداوندا! اگر گناهان، چهره مرا نزد تو فرسوده‌اند و میان من و تو حایل شده‌اند و حالم را نزد تو دگرگون کرده‌اند، از تو درخواست می‌کنم به نور آبرویت که خاموش نشود و به آبروی حبیب محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و به آبروی وصیت، علی مرتضی علیه السلام و به حق اولیائت که آنها را برگزیده‌ای که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و هر گناه که کرده‌ام بیامرزی و مرا در باقی مانده عمرم حفاظت کنی. خداوندا! من مطیع توام، پس از من خشنود باش. عملم را ختم به خیر کن و ثواب آن را برایم در بهشت مقرر فرما و آنچه تو، خود سزاوار آنی، برای من مقدر فرما، ای سزاوار تقوا و آمرزش، رحمت فرست بر محمد و آل محمد و به رحمت خود، به من رحم کن، ای مهربان‌ترین مهربانان.>

- شرح دعای مباحله

از: ناشناخته

شماره <ع/۱۳> (کتابت ۱۲۴۴هـ) نسخه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

(رک. فهرست، ج ۷، صص ۱۵-۱۷).

گزارش متن: شرحی فارسی بر دعای مباحله است که سال ۱۲۴۴هـ از سوی شارحی ناشناس نوشته شده است. این شرح در ضمن مجموعه‌ای (کتاب دعا) حاوی سور و ادعیه چندی آمده است: <سوره یس، دعای کمیل، دوازده امام خواجه نصیرالدین طوسی، دعای اعتصام، دعای اختتام، زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، زیارت جامعه کبیره، دعای سمات، دعای مشلول، مناجات پانزده‌گانه امام زین العابدین علیه السلام، دعای ابوحزمه، دعای عدیله، دعای ماه مبارک رمضان، دعای امام زین العابدین علیه السلام در مهمات و نزول حوادث و ملمات، دعای توبه، دعای مکارم الاخلاق، دعای مساء و صباح و بخشی از صحیفه سجادیه، شرح دعای جوشن کبیر، دعای جوشن کبیر، زیارت مفجعه ابی عبدالله علیه السلام و جز اینها که برخی از آنها، از جمله همین دعای مباحله، شرح هم گردیده‌اند.

- تفسیر <أنفسنا> در آیه مباحله

از: ملا عبدالخالق بن عبدالرحیم یزدی (د. ۱۲۶۸هـ)

شماره <۷۱۸۸/۱> (بخشی از نسخه بخط مؤلف و باقی کتابت ۱۲۶۶هـ)،
نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی (رک. فهرست، ج ۱۸، ص ۳۲۴).
شماره <۳۹/۱> (سده ۱۳هـ)، نسخه مرکز تحقیقات دارالحدیث قم (رک.
فهرست، ج ۱، ص ۱۶).

گزارش متن: شرح و تفسیری بر واژه <أنفسنا> در آیه شریفه مباحله (سوره آل عمران، آیه ۶۱) است که شارح آن را در پاسخ پرسش <میرزا محمدحسین حائری> در قالب <سؤال و جواب> به تاریخ بیست و پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۶، هنگامی که قصد عزم زیارت عتبات عالیات عراق را داشته در شهر قم نوشته است.

شارح در این رساله، معانی حقیقی یا مجازی آن را با استفاده از گفته‌های مفسرین و علمای کلام و محدثین به تفصیل توضیح داده است.

- خبر المباهله

از: ناشناخته

شماره <۷۵۶۴/۱> (کتابت سده ۱۳هـ)، نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (رک. فهرست، ج ۱۶، ص ۶۳۹).

گزارش متن: روایت رویداد مباحله است که از کتاب الأقبال مرحوم سید علی بن طاووس، حلی، مشهور به <ابن طاووس> (د. ۶۵۶هـ) نقل گردیده است.

- مباحله نصارای نجران

از: ناشناخته

شماره <۱۳/۱۹۹۶/ع> (کتابت بین سال‌های ۱۲۹۷-۱۳۰۳هـ در برگ‌های ۱۶۱-۱۶۳)، نسخه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (رک. فهرست، ج ۱۱، ص ۵۱).

گزارش متن: در این رساله کوتاه گزارشی از خبر و رویداد مبارک مباحله ارائه گردیده است. این رساله در ضمن مجموعه‌ای نوزده رساله‌ای درج شده است.

ب) نمونه‌هایی از آثار مشتمل تراثی درباره مباحله

- مصباح الانوار فی فضائل امام الابرار

از: شیخ هاشم بن محمد

شماره <۳۶۹> (کتابت سده ۸هـ)، نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی (رک. فهرست، ج ۱۰، صص ۸۸-۹۰).

شماره <۵۵۵۷> (کتابت سده ۱۳هـ)، نسخه کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار

(رک. فهرست، ج ۵، ص ۵۸۰).

گزارش متن: کتابی در فضائل و مناقب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و آیات و روایت‌ها و احادیثی که درباره آنحضرت آمده، در دو جلد و مشتمل بر سی و شش باب و احادیث با اسناد می‌باشند. جلد اول کتاب دارای بیست و یک باب، که آخرین باب آن، با عنوان: <الباب الحادی والعشرون: فی فضله یوم المباهله> درباره مباهله می‌باشد. باید دانست که این اثر به اشتباه در برخی مصادر به شیخ طوسی (د. ۴۶۰هـ) نسبت داده شده است که صحیح نمی‌باشد.

- تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام
از: ناشناخته

شماره <۱۳۳۳۰> (کتابت سده ۱۳هـ)، نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی
(رک. فهرست، ج ۳۶، صص ۲۸۷-۲۸۹).

گزارش متن: تاریخ مفصلی در شرح حالات چهارده معصوم علیهم السلام است. مؤلف ناشناس ما - که قاعدتاً بایستی از دانشمندان قرن ۱۲ یا ۱۳هـ بوده باشد چرا که از علامه مجلسی با دعای <رحمه الله> یاد می‌کند - این اثر را از برخی مصادر روایی، همچون بحار الانوار و حیات القلوب علامه مجلسی (ره) تألیف نموده است. مؤلف کتاب خود را در دو <لجه> و هر لجه را در ده <موج> و هر موج را در ده <رشحه> تنظیم نموده است. باید دانست باب چهل و هفتم این اثر <در بیان مباهله> می‌باشد.

- کتاب انوار

از: ناشناخته

شماره <۳۳> (کتابت سده ۱۳هـ)، نسخه مرکز تحقیقات دارالحدیث قم (رک
. فهرست، ج ۱، صص ۱۲۲-۱۲۴).

گزارش متن: کتابی مفصل در بیان حالات حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی و حضرت فاطمه علیهما السلام مانند کتاب حیاة القلوب علامه مجلسی (ره) است. مؤلف در این کتاب، غالباً به ترجمه روایات وارده در هر باب بدون ذکر سند و مأخذ اکتفا نموده و در چندین مورد از کتاب عین الحیاة و حیاة القلوب علامه مجلسی نقل مطلب کرده است و مؤلف در برخی موارد نیز، از خود با عنوان <مسوّد اوراق گوید> یاد می‌کند. این اثر دارای سه باب و هر باب دارای چند فصل است. باید افزود مؤلف، فصل شانزدهم باب نخست کتاب خود را با عنوان <در بیان قصه مباحله> آورده است.

ج) نمونه‌هایی از آثار تألیفی در شب یا روز مباحله

- ترجمه منیة المرید

از: شیخ حسین بن حسن نجّار شوشتری (د. پس از ۱۲۶۰هـ)

شماره <۱۰۶۳۲> (بخط مؤلف)، نسخه کتابخانه آیت‌الله الله مرعشی (رک .

فهرست، ج ۲۷، ص ۹۶).

گزارش متن: ترجمه تحت اللفظی کتاب منیة المرید شهید دوم (د. ۹۶۵هـ)

است که به دستور سید صدرالدین و برادرش سید محمّدعلی و مقرب الخاقان آقا محمدجوادخان انجام شده و در شب عید مباحله ۱۲۶۰هـ به پایان رسیده است.

- صلاة الجمعة والعيدین

از: ناشناخته

شماره <۶۳۱۱> (گویا بخط مؤلف)، نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی (رک .

فهرست، ج ۱۶، ص ۲۷۸).

گزارش متن: رساله‌ای فقهی - استدلالی است که مؤلف در روز مباحله از ماه

ذی الحجه سال ۱۲۳۱ در عظیم آباد (هند)، از تألیف آن فراغت یافته است. مؤلف

که گویا اهل هندوستان است، در مطلب نخست این رساله، بر وجوب تخییری نماز جمعه در چند فصل، و در مطلب دوم نیز به احکام نماز عید فطر و قربان پرداخته است. باید دانست که مؤلف ضمن مطلب اول، چند بار به رساله جداگانه خود که در موضوع نماز جمعه نگاشته است، ارجاع می‌دهد.

– التذکره فی أصول الفقه

از: سید عزیزالله بن امام ویردی استرآبادی (د. پس از ۱۳۲۸هـ)

شماره <۷۹۶۲> (کتابت سده ۱۴هـ)، نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی (رک. فهرست، ج ۲۰، صص ۲۹۲–۲۹۴).

گزارش متن: رساله‌ایس مختصر در بیان قواعد اصول فقه به روش استدلالی است که در یک مقدمه، چند مقصد و یک خاتمه در روز دوشنبه ۲۴ ذی الحجه (عید مباحله) سال ۱۳۲۸ به پایان رسیده است.

(د) نمونه‌هایی از آثار کتابت شده در روز مباحله

– نفائس المسائل و عرائس الوسائل

از: ملا محمدعلی بن محمد مهدی آرانی (د. ۱۳۲۷هـ)

شماره <۴۱> (بخط مؤلف)، نسخه کتابخانه امامزاده محمد هلال علیه السلام در آران (رک. فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۱، ص ۱۸۲، شماره نسخه عکسی ۱۶۱).

گزارش متن: شرح مزجی نسبتاً مفصّلی به صورت استدلالی بر کتاب الفیه شهید اول (د. ۷۸۶هـ) در احکام صلوات است که در سه جزء و جزء دوم آن در عصر روز مباحله ۲۴ ذی الحجه ۱۲۸۴ به اتمام رسیده است. باید دانست که جزء اول آن در عقائد و بعضی از مسائل تقلید و غیر آن که به حکم پیش درآمد کتاب

می‌باشد؛ جزء دوم در اقسام نمازها و مقدمات آن تا صلوات مسافر، و جزء سوم نیز در مقارنات (فروض مقارنه با اجزاء نماز که هشت تا هستند).

– مناهل البكاء

از: شیخ علی بن محمدرضا تبریزی (د. پس از ۱۲۶۵هـ)

شماره <۳۴۵۵> (کتابت ۱۳۱۵هـ)، نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی (رک .

فهرست، ج ۹، ص ۲۵۴).

گزارش متن: اثری در حالات و فضائل و مصائب حضرات معصومین علیهم السلام است که با استفاده از احادیث معتبره در یک مقدمه، چهارده <منهل> و یک خاتمه و هر منهل مشتمل بر احوال یکی از معصومین علیهم السلام، و هر منهل منقسم بر چند <مشرب> و هر مشرب در یک مجلس برای اهل منبر نوشته شده است. این اثر دارای خطبه مخصوص مشتمل بر آیاتی از قرآن کریم و فضائل و مناقب معصوم علیه السلام و اشاره به مصائب وی است. نسخه حاضر مشتمل بر منهل پنجم و در حالات حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌باشد که مؤلف در تألیف آن را مقدم داشته است و به صورت دقیق نمی‌دانیم، آیا وی موفق به تألیف باقی کتاب شده است یا نه؟ باید افزود که مؤلف این جزء را بیشتر در سفر زیارت امام رضا علیه السلام تألیف نموده و آن را در هشتم جمادی الاخر سال ۱۲۶۵ در تبریز به پایان برده است.

هـ) نمونه‌ای از تملک نسخه در روز مباحله

– بحرالفوائد و عقد الفرائد

از: سید محمدشفیع حسینی اصفهانی (د. پس از ۱۰۷۷هـ)

شماره <۲۹۵> (کتابت سده ۱۲هـ)، نسخه مرکز احیاء میراث اسلامی (رک .

فهرست، ج ۱، صص ۴۰۰-۴۰۲).

گزارش متن: کتابی در اصول اخلاقی و اعتقادی و تاریخ انبیای عظام و ائمه هدی علیهم السلام و حالات اولیا و علما و پادشاهان و امیران، با انشائی ادیبانه منشیانه و مسجع همراه تضمین اشعاری از خود مؤلف یا دیگران، به نام شاه عباس دوم صفوی (حک. ۱۰۵۲-۱۰۷۵) شروع و در پنج جلد به سال ۱۰۷۷ هـ به اتمام رسانده است. باید دانست که روی برگ نخست این نسخه، تملک احمد بن محمدزمان موسوی به تاریخ <روز مباحله ۱۲۶۰> دیده می‌شود.

(و) روز مباحله در عرصه نگارگری (مینیاتورها)

نسخه الآثار الباقیه در فرانسه (با تشکر از دکتر جعفریان)

(ز) نمونه‌هایی از کتب چاپی مرتبط با رویداد مباحله

– از مباحله تا عاشورا

از: محمد امینی گلستانی

قم، سپهرآذین، ۱۳۸۵ (چاپ سوم)، ۶۶۲ص.

– از نجران تا مدینه، ۹۰ داستان از مباحله پیامبر (ص) با مسیحیان نجران

از: محمدرضا انصاری

قم، دلیل ما، ۱۳۸۲، ۱۲۰ص.

– اسرار مباحله: ماجرای عظیم مباحله بین پیامبر (ص) و مسیحیان نجران و

تاریخ هزار و چهارصد ساله آن

از: محمدرضا انصاری

قم، دلیل ما، ۱۳۸۲، ۳۱۸ص.

- آفتاب درخشان در مباحله نصارای نجران

از: محمد احمدآبادی

تهران، بنگاه مطبوعاتی فروزان، ۱۳۶۶، ۱۲۸ص.

- المباحله

از: عبدالله السبیتی

تهران، مکتبه النجاح، ۱۴۰۲هـ، ۱۵۲ص.

- المباحله فی الکتاب والسنة أو معجزة الحوار

از: محمد صالح القشعمی البحرانی

بحرین، شرکه المصطفی، ۱۴۲۴هـ، ۳۹۳ص.

- امامت و عصمت در قرآن (ج ۴: آیه مباحله)

از: رضا کاردان

قم، دلیل، ۱۳۷۹.

ح) نمونه‌هایی از پایان نامه‌های دانشجویی مرتبط با مباحله

- تصحیح و تحقیق تفسیرالمبانی لنظم المعانی سوره‌های آل عمران و نساء

از: زهره صدرزاده

استاد راهنما: غلامحسین اعرابی

پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم . ۱۳۸۳.

چکیده: در این پایان نامه به تصحیح و نقد تفسیر دو سوره آل عمران و نساء از کتاب المبانی لنظم المعانی پرداخته شده است. مفسران احمد بن محمد عاصمی یکی از دانشمندان سنی مذهب قرن پنجم هجری است. شیوه اصلی مفسر براساس داستان‌ها و مصادیق تاریخی و شأن نزول سور و آیات مبتنی است، ولی از آنجایی که شالوده و تفسیر بر مبنای خلاصه نویسی بنانهاده شده ناگفته‌های فراوانی در آن نهفته است که پژوهش حاضر با استناد به منابع روایی و تفسیری شیعه و سنی خصوصاً تفاسیر قدما عهده دار شرح و تبیین نکات مهم و اساسی آن است. کلید واژه: خلافت، مباحله، علم تأویل، سوره آل عمران، سور قرآن، سوره نساء، المبانی لنظم المعانی، قرآن کریم.

- احتجاجات قرآن با اهل کتاب

از: شمس الحسن

استاد راهنما: علی اسدی

پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه - دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۴۳۰هـ

چکیده: قرآن کریم با اهل کتاب به روش خاص خود احتجاج نموده و از این راه عده‌ای از آنان را به راه حق و راه کمال نزدیک کرد. در این رابطه دلایل و شواهد روشنی بر جواز احتجاج در آیات و روایات وجود دارد که در قرآن کریم، مواردی از جمله، یهود، نصارا، مجوس و صابئین در فصل اول بررسی شده است؛ فصل دوم: احتجاج قرآن با اهل کتاب درباره توحید است. در مورد قائلین به تثلیث و احتجاج قرآن بر علیه آنان، همچنین احتجاج بر ردّ فرزند داشتن خداوند به عقیده

مسیحیان و یهودیان است و فصل سوم: احتجاج قرآن با اهل کتاب و موضوع مباحله است.

کلید واژه: اهل کتاب، احتجاج، تثلیث، قرآن کریم، معاد، مباحله .
(ط) نمونه‌هایی از مقالات مربوط به واقعه مباحله

- مباحله در منابع تاریخی اهل سنت

از: فاطمه کرمی

مبلغان، ش ۱۷۰ (مهر - آبان ۱۳۹۲)، صص ۳۳-۳۸.

- نقد دیدگاه ابن تیمیمه در شأن نزول آیه مباحله

از: علی ملا موسی میبیدی

سراج منیر، س ۳، ش ۱۱ (پاییز ۱۳۹۲)، صص ۱۲۱-۱۴۲.

- آیه مباحله و امامت علی (ع)

از: زهرا امرایی و محمدجواد رضایی

پژوهش‌های ادیانی، س ۱، ش ۱ (بهار ۱۳۹۲)، صص ۱۰۳-۱۲۰.

- خوانش فقهی جدید از آیه مباحله

از: خالد الغفوری

کوثر معارف، س ۸، ش ۲۱ (بهار ۱۳۹۱)، صص ۴۷-۸۶ و ش ۲۲ (تابستان

۱۳۹۱)، صص ۴۱-۷۲.

- بررسی دیدگاه آلوسی در آیه مباحله از منظر مفسران شیعه
از: محسن قاسم پور
علوم قرآن و حدیث، ش ۸۴ (بهار و تابستان ۱۳۸۹)، صص ۱۱۳-۱۳۶.

- مسجد الإجابہ یا مسجد مباحله
از: محمدصادق نجمی
میقات حج، ش ۴۱ (پاییز ۱۳۸۱)، صص ۱۱۲-۱۳۰.

- دلالت آیه مباحله بر خلافت بلافضل امیرالمؤمنین علیه السلام
از: اصغر غلامی
امامت پژوهی، ش ۳ (پاییز ۱۳۹۰)، صص ۳۷-۷۶.

- تأملی در مباحله
از: انسبیه عسگری
علوم اسلامی، ش ۷ (پاییز ۱۳۸۶)، صص ۴۹-۶۸.

- آیه مباحله، سند افتخار
از: شمس الله صفرلکی
فرهنگ کوثر، ش ۲۵ (فروردین ۱۳۷۸)، صص ۸۵-۸۹.

- مباحله
از: علویجه رفیعی پور و سید عباس

فرهنگ کوثر، ش ۷۹ (پاییز ۱۳۸۸)، صص ۱۰۵-۱۱۲.

- تکرار مباحله

از: سید علی نقی میر حسینی

فرهنگ کوثر، ش ۶۰ (زمستان ۱۳۸۳)، صص ۱۳۵-۱۴۰.

- بررسی تاریخی آیه مباحله و بازتاب های کلامی آن

از: علی معموری

شیعه شناسی، ش ۱۹ (پاییز ۱۳۸۶)، صص ۸۵-۱۰۰.

- تفسیر آیه مباحله از دیدگاه اهل بیت (ع) و اهل سنت

از: ایلقار اسماعیل زاده

طلوع، ش ۱۰-۱۱ (تابستان و پاییز ۱۳۸۳)، صص ۸۷-۱۰۶.

- مباحله روشن ترین دلیل باورهای شیعه

از: عبد الکریم پاک نیا

مبلغان، ش ۵۰ (اسفند ۱۳۸۲)، صص ۴۶-۵۷.

- واقعه مباحله

از: حسین سلطان محمّدی

مبلغان، ش ۳۸ (اسفند ۱۳۸۱)، صص ۴۴-۵۵.

- فاطمه (ع) در قرآن؛ نگاهی به جایگاه فاطمه زهرا (س) در آیه مباحله از
نظرگاه اهل سنت

از: محمد یعقوب بشوی

مباحث بانوان شیعه، ش ۴ (تابستان ۱۳۸۴)، صص ۸۵-۱۰۴.

- بررسی آیه مباحله از دیدگاه فریقین

از: مجتبی الهیان

پژوهش‌های فقهی، ش ۴ (بهار ۱۳۸۵)، صص ۴۹-۶۲.

- تحقیقی پیرامون سال و ماه و روز مباحله

از: ناشناخته

درسهایی از مکتب اسلام، س ۲۳، ش ۹ (آذر ۱۳۶۲)، صص ۳۵-۳۹ و ۴۴.

- تحقیقی پیرامون سال و ماه و روز مباحله

از: ناشناخته

درسهایی از مکتب اسلام، س ۲۳، ش ۸ (آبان ۱۳۶۲)، صص ۵۲-۵۵.

- نگاهی بر رویداد مباحله

از: محمدعلی مقدادی

گلستان قرآن، ش ۸ (اردیبهشت ۱۳۷۹)، صص ۳۵-۳۶.

- فاطمه علیها السلام تجلی تمام زنان مقدس قرآنی (بر اساس آیه مباحله)

از: محمدجواد سلمانپور

مشکوٰه، ش ۸۳ (تابستان ۱۳۸۳)، صص ۴۱-۵۳.

- در پرتو قرآن: معنای نفس در آیه مباحله و معنای مولی در حدیث غدیر

از: محمدرضا مشایی (شهاب)

مشکوٰه، ش ۴۴ (پاییز ۱۳۷۳)، صص ۲۶-۴۹.

- تقویم شمسی تاریخ اسلام: مباحله

از: علی زمانی

درسهایی از مکتب اسلام، س ۳۲، ش ۱۲ (اسفند ۱۳۷۱)، صص ۳۴-۳۷.

- عیسی پیام آور اسلام: مروری به داستان مباحله

از: احمد بهشتی

درسهایی از مکتب اسلام، س ۳۲، ش ۹ (آذر ۱۳۷۱)، صص ۴۹-۵۳ و ش ۱۱

(بهمن ۱۳۷۱)، صص ۴۵-۵۰.

- معرفی کتاب مباحله در مدینه

از: سید حسین تقوی

کتاب ماه دین، ش ۲۲-۲۳ (مرداد و شهریور ۱۳۷۸)، صص ۶-۸.

- داستان مباحله

از: یعقوب جعفری

درسهایی از مکتب اسلام، س ۴۴، ش ۱۰ (دی ۱۳۸۳)، صص ۳۲-۳۶.

- مباحثه پیامبر اکرم (ص) با مسیحیان نجران: علی (ع) نفس پیغمبر (ص)

از: علی اصغر نراقی

پژوهش دینی، ش ۳ (دی ۱۳۸۳)، صص ۷۲-۹۸.

- قصه‌ها و نکته‌ها - گفتگوی منطقی یا مباحثه

از: ناشناخته

کوثر، ش ۳ (زمستان ۱۳۸۰)، صص ۹۳-۹۸.

- به مناسبت بیست و چهارم ذیحجه، سالروز واقعه مباحثه

از: ناشناخته

گلستان قرآن، ش ۱۹۷ (نیمه اول بهمن ۱۳۸۳)، ص ۴۲.

- فاطمه (س) در قرآن

از: جین دمن مک اولیف؛ مترجم: محمدجواد اسکندرلو و ناقد: محمدعلی

رضائی اصفهانی

قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۴ (بهار و تابستان ۱۳۸۷)، صص ۶۵-۹۸.

- <أنفسنا> و معناشناسی تاریخی مفهوم آن در ادبیات دینی

از: محمدجواد نجفی و سید محمدتقی موسوی کراماتی

شیعه شناسی، س ۱۰، ش ۳۹ (پاییز ۱۳۹۱)، صص ۲۱۱-۲۳۸.

- فراهائی از تاریخ اسلام: حوادث سال نهم هجرت، پیامبر به مباحله می‌رود
از: جعفر سبحانی تبریزی

درسهایی از مکتب اسلام، س ۱۱، ش ۵ (اردیبهشت ۱۳۴۹)، صص ۲۸-۳۱.

- المباحله

از: سلیمان کتانی

الموسم، ش ۴ (۱۴۰۹هـ)، صص ۱۱۶۶-۱۱۶۹.

منابع پژوهش

آقاجانی، ملیحه، <روز مباحله>، گلبرگ، ش ۲۷ (اسفند ۱۳۸۰).

انوار، عبدالله، فهرست کتب خطی کتابخانه ملی ایران، جلد ۷، تهران، کتابخانه
ملی، ۱۳۵۵.

حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، جلد ۷، با تحقیق عبدالرحیم ربانی
شیرازی و محمد رازی، تهران کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۶هـ.

حسینی اشکوری، احمد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله العظمی
مرعشی، جلد ۹، قم، مرعشی، ۱۳۶۰.

-----، -----، -----، جلد ۱۰، قم، مرعشی، ۱۳۶۲.

-----، -----، -----، جلد ۱۶، قم، مرعشی، ۱۳۶۷.

- ، -----، -----، جلد ۱۸، قم، مرعشی، ۱۳۶۸.
- ، -----، -----، جلد ۲۰، قم، مرعشی، ۱۳۷۰.
- ، -----، -----، جلد ۲۷، قم، مرعشی، ۱۳۷۶.
- ، -----، فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی
جلد ۱، قم، مرکز احیا، ۱۳۷۷.
- حسینی اشکوری، جعفر و دیگران، فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء
میراث اسلامی، جلد ۱، قم، مرکز احیا، ۱۳۷۷.
- دانش پژوه، محمدتقی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه
تهران، جلد ۶، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.
- ، -----، -----، جلد ۱۶، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.
- ، -----، و دیگران، فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، جلد ۵،
تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
- صدرايي، علی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی،
جلد ۳۶، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
- ، -----، فهرست نسخه‌های خطی مرکز تحقیقات دارالحدیث قم، جلد ۱،
قم، دارالحدیث، ۱۳۸۳.
- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۳، قم، دفتر انتشارات
اسلامی، ۱۳۶۳.
- ، -----، اسلام وانسان معاصر، به کوشش هادی خسروشاهی، قم،
رسالت، ۱۳۹۷ هـ.
- طهرانی، آقابرگ، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، جلد ۱۹، طهران، کتابفروشی
اسلامیه، ۱۳۸۹ هـ.

گروه فهرستنگاران، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله العظمی
مرعشی نجفی، جلد ۳۲، قم، مرعشی، ۱۳۸۳.
مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار لجامعہ درر الأخبار، جلد ۲۱، بیروت، دارالوفاء،
۱۴۰۱هـ.

منزوی، علینقی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی
ایران، جلد ۱۱، تهران، کتابخانه ملی، ۱۳۷۵.

<http://shabestan.ir>

<http://www.tebyan.net>

[۱]. سوره آل عمران، آیه ۶۱-۶۳.

[۲]. سوره احزاب، آیه ۳۳.

[۳]. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۳۷۵.

[۴]. <http://www.tebyan.net>

[۵]. آقاجانی، ملیحه، گلبرگ، ش ۲۷ (اسفند ۱۳۸۰)، ص ۳۱.

[۶]. الحر العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۷، صص ۱۳۴-۱۳۶.

[۷]. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۳۷۰.

[۸]. همو، اسلام و انسان معاصر، صص ۲۲۴-۲۲۲.

[۹]. <http://tebyan.net>

[۱۰]. <http://shabestan.ir>

[۱۱]. دانش پژوه، محمدتقی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی

دانشگاه تهران، ج ۶ صص ۲۳۷۴-۲۳۷۸.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. صحیفه سجادیه.
۴. تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، قم، انتشاران انصاریان، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۵. تذکره المعاصرین، حزین لاهیجی، تصحیح: معصومه سالک، تهران، سایه و میراث مکتوب، ۱۳۷۵.
۶. تفسیر القرآن الکریم، ملاصدرای شیرازی، قم، بیدار، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش.
۷. جرعه‌ای از دریا، سید موسی شبیری زنجانی، قم، انتشارات موسسه کتابشناسی شیعه.
۸. الذریعه، شیخ آقابزرگ تهرانی، بیروت، دار الاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۹. روضه الواعظین، فتال نیشابوری، قم، انتشارت رضی، بی‌تا، افسست از چاپ مکتبه الحیدریه نجف، ۱۳۸۵ق.
۱۰. معجم ما کتب عن الرسول و أهل بیته، عبد الجبار الرفاعی، تهران، وزارة الإرشاد،
۱۱. صحیفه امام، امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
۱۲. غررالحکم و درر الکلم، عبدالواحد آمدی، تصحیح: سدی مهدی رجایی، قم، دار الکتب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

۱۳. فروق اللغه، ابو هلال عسکری، بیروت،
۱۴. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت[^]، تحقیق و تالیف موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت[^]؛ زیر نظر محمود هاشمی شاهرودی، قم، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت[^]، ۱۳۸۲.
۱۵. قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، تهران، اسلامیة، بی تا.
۱۶. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۱۷. گلشن ابرار، گروهی از نویسندگان، قم، پژوهشکده باقرالعلوم^x، ۱۳۹۵.
۱۸. تفسیر قرآن مهر، محمد علی رضایی اصفهانی،
۱۹. مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، تهران، انتشارات اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.
۲۰. مسأله التقرب بین أهل السنة والشیعة، ناصر القفاری، دار طیبه للنشر والتوزیع، چاپ سوم، ۱۴۲۸ ق.
۲۱. مفردات الراغب مع ملاحظات العاملی، قم، انتشارات معروف، بی تا، تاریخ مقدمه ۱۴۳۲ ق.
۲۲. رجال النجاشی، ابوالعباس أحمد بن علی نجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی
۲۳. و...